



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

پیر محمد علی روضاسانی

دوین
دو گفتار

پیر ایمن اسحاق آباد محمد سعید قاسمی و محمد سعید حکیم (دو دانشمندان)

و پیر محمد علی قوی خراسانی (دانشمند و شاعر)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دومین دو گفتار

نویسنده:

محمدعلی روضاتی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	دومین دو گفتار
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	مقدمه
۱۵	گفتار نخست
۱۵	اشاره
۱۷	محمد سعید قاضی
۱۷	اشاره
۲۰	۱ - تولد
۲۰	۲ - آخرین آگاهی
۲۱	۳ - تحصیلات و پایه علمی
۲۳	۴ - تألیفات
۲۴	۵ - اشتها به قاضی
۲۸	«لشیء بالشئی یدکر»
۳۰	تحفه العشاق
۳۵	پدر قاضی
۳۶	فرزند آقا محمد سعید قاضی
۴۱	دو پزشک بزرگ درباری
۴۶	آگاهی دیگر از صفی \blacklozenge الدین محمد حسینی
۴۹	دو آگاهی مهم \blacklozenge دیگر
۵۲	حکیم و فیض
۵۲	سخنی درباره جناب فیض
۵۷	ختم مقال

۵۸	شرح حدیث الغمامه
۶۵	گفتار دوم
۶۵	اشاره
۶۶	ملاً محمّد علی تونی خراسانی
۷۲	یادداشتهای گوناگون نسخه النهایه
۸۰	یادداشتهای آخر کتاب
۸۸	مطالب تاریخی چندی از اصل کتاب النهایه
۹۰	همنام و همشهری معاصر صاحب النهایه
۹۱	آثار دیگری از صاحب «النهایه»
۹۳	استادان صاحب کتاب «النهایه»
۹۷	«ترقیمه پایان نسخه فقیه»
۹۸	«یادداشتی از حاشیه نسخه»
۹۸	«یادداشتی دیگر»
۱۰۰	ملاً محمّد علی صاحب النهایه
۱۰۳	یادداشت تاریخی دیگر
۱۰۴	آگاهی تازه
۱۱۷	نامه ای از پروفیسور هانری کربن فرانسوی
۱۲۵	تاریخ چهارده معصوم علیهم السلام
۱۲۵	اشاره
۱۲۶	سده نخست هجرت
۱۲۸	سده دوم هجرت
۱۳۰	زوال امویان و آغاز عباسیان
۱۳۲	سده سوم هجرت
۱۳۴	سده چهارم هجرت
۱۳۶	فهرست نام اشخاص
۱۶۲	فهرست کتاب ها و آثار

۱۸۷ ----- برخی آثار چاپ شده، سوای مقاله ❖ ها -----

۱۸۹ ----- درباره مرکز -----

سرشناسه: روضاتی، سیدمحمدعلی، ۱۳۰۸ - ۱۳۹۱.

عنوان و نام پدیدآور: دومین دو گفتار/ سیدمحمدعلی روضاتی.

مشخصات نشر: اصفهان: حوزه علمیه اصفهان □ مرکز تحقیقات رایانه ای □ ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۵۴ ص.: نمونه.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۶-۴۹-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: چاپ قبلی: حوزه علمیه اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای: موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا، ۱۳۸۶ (۱۴۶ ص.).

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

موضوع: مجتهدان و علما -- سرگذشتنامه

موضوع: قاضی سعید قمی، محمد سعید بن محمد مفید، ۱۰۴۹ - ۱۱۰۳ ق.

موضوع: طباطبائی الحکیم، سیدمحمدسعید، ۱۹۳۵ - م.

موضوع: تونی خراسانی، محمدعلی بن محمدرضا، قرن ۱۲ ق

شناسه افزوده: حوزه علمیه اصفهان. مرکز تحقیقات رایانه ای

رده بندی کنگره: ۹۵۸۶/۲BP۵۵/۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۹۶

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۳۰۲۵۵

ص : ۱

اشاره

هفتادمین سال ارتحال عالم ربّانی فقیه اصولی آیه الله آقا میرزا سیّد محمّد هاشم موسوی اصفهانی «روضاتی» قدس سره

والد ماجد راقم این دفتر، که در روز پنجشنبه ۲۷/ج ۱/۱۳۵۶ «۱۴/۵/۱۳۱۶»

در امواج سهمگین شطّ فرات کوفه به شهادت رسید.

تولّد در اصفهان، روز جمعه نیمه محرم ۱۳۱۹ «۱۳/۲/۱۲۸۰».

از آثار ایشان تعلیقات کتاب «کشف المراد»

علامه حلّی «اعلی الله مقامه» چاپ شده است.

ص: ۵

«سعیدیه»

تحقیق در احوال و آثار

دو دانشمند قم

در قرن یازدهم

محمد سعید قاضی و محمد سعید حکیم

ص: ۷

شارح «کتاب التوحید» کیست؟

اگر چه از دیرباز پیرامون تاریخ احوال و گزارش زندگی و زندگانی بسیاری از رجال اسلام خطاها و اشتباهات گوناگون رُخ داده و اهل فنّ با آن نابسامانیه‌ها، کمابیش، آشنایی دارند، اما آنچه دربارهٔ محمد سعید قاضی قمی شارح کتاب توحید صدوق، علیهما الرحمه، واقع شده از نوعی خاصّ و از عجائب اشتباهات است که ما به شرح آن می پردازیم، و اینک:

به صراحت باید بگوییم از این دانشمند عارف مسلک محقق متفرد که در طول نیمهٔ دوم سدهٔ یازدهم هجری قمری و بخشی از دوازدهم زیسته است، هیچ گونه نام و نشانی در هیچیک از کتب و آثار گوناگون باقی مانده از آن دو قرن (۱) دیده نمی شود، مگر تنها چند کلمه در کتاب صوفیانهٔ «تحفه العشاق» شاگردش محمد کریم قمی که خواهیم گفت، و هر آنچه از سدهٔ چهاردهم تا حال حاضر در کتب و فهرس بسیار، در ایران و جاهای دیگر، به گرافه و پریشانی، پیرامون احوال و سرگذشت او با عنوان

ص: ۹

۱- (۱) - مانند: أمل الامل، تتمه ها و حواشی أمل، نیمهٔ موجود ریاض العلماء، تاریخ محمد طاهر قزوینی، تذکره و تاریخ حزین لاهیجی، ریاض الشعراء واله، آتشکدهٔ آذر، وقایع السنین والأعوام خاتونابادی و ملحقاتش که تا سال «۱۱۹۳» و سرآغاز دولت قاجاریه رسیده، و امثال اینها، و اجازه نامه های روایتی مانند اجازهٔ کبیرهٔ مرحوم سید عبدالله جزائری. تنها در این اجازه از فرزند قاضی سعید یاد شده است که خواهیم گفت.

حکیم کوچک گفته شده و می شود همه و همه اشتباه بوده و هیچ ربطی به شارح کتاب التوحید ندارد، و این خطاء بسیار بزرگ مایه کمال تأسف است.

چه، نویسندگان معظم محترم از آنجا که به کشف سرگذشت آن جناب بسی حریص بوده اند - بی مُحابا - تمام احوال و آثار منظوم و منثور و حتی امتیازات شخصی و خانوادگی و تحصیلی دانشمند قمی دیگری - یعنی میرزا محمد سعید حکیم پزشک درباری آن زمان - را که از لحاظ سن و سال و جاه و جلال، بسی مقدم بوده، در پی استفاده نادرست از عبارتی در کتاب «ریاض العلماء»، همه را به فاضل عارف مسلک ولایی متشرع و دست آخر شیخ الاسلام قم یعنی شارح کتاب التوحید بسته اند (۱)، و سواى عوالم ادبی، عرفانی، حدیثی، به همان اشتباه، پایه مقامش را تا به اوصاف شاعری، سخنوری، پزشکی، جالینوس الزمانی، خانی و مقرب الخاقانی رسانیده و بالآخره هم او را - و یاللعجب - به حبس و تبعید و انزواء در قم کشیده اند، و یوماً فیوماً هر کس هر چه و هر کجا نام و نشانی از محمد سعید قمی نام دیده است بی درنگ به حساب جناب قاضی واریز کرده است!

باری، پس از این خواهیم گفت که میرزا محمد سعید پزشک «طیب خاصه» را مردم

ص: ۱۰

۱- ((۱)) - آن چنان که گویی در آن عصر و زمان و در شهر قم، سعید نام دیگری جز آقا محمد سعید قاضی حق حیات نداشته و نام سعید در انحصار ایشان باید باشد! همین جا بگوئیم: تازه ترین نمونه جامع اشتباهات تأثر آور و خلطهای شگفت آور را در ترجمه حالی که در سرآغاز دیوان اشعار مغضوب حکیم آمده است می توان دید. دیوان محمد سعید حکیم فلک زده را در دانشگاه تهران «سال ۱۳۸۳» به نام «دیوان اشعار قاضی سعید قمی» چاپ کردند!

زمانش حکیم کوچک می گفتند، در مقابل برادر بزرگترش (۱) میرزا محمد حسین حکیم باشی اول دربار، و این هر دو برادر متشخص متعین مقدم درباری که در طول زمان در سراسر مملکت ایران و نزد خاص و عام، در کمال اشتها و نهایت احترام و اعتبار بوده اند، اگر چه آنها هم پیشتر و بیشتر نزد آخوند ملا رجبعلی تبریزی «متوفی ۱۰۸۰»، یکی از استادان شارح کتاب توحید، درس خوانده و بسیار هم به او نزدیک بوده اند؛ اما آنها کسان دیگری از مردم قم هستند و هیچ گونه ربطی به قاضی ما ندارند!

پس، آنچه در کشف احوال قاضی شارح توحید باقی می ماند - و همان معتبر است - تنها و تنها تألیفات و نوشتجات شخص آن دانشمند است که همه آثارش هم بزبان عربی است و تا آنجا که دانستیم مطلقاً چیزی به فارسی نوشته، و کتاب «کلید بهشت» و «اسرار الصیایع» و اشعار فارسی و «دیوان اشعار» و نیز «تعلیقات اثولوجیا» را هم که همه از آن میرزا محمد سعید حکیم است، پیرو همان خطاها؛ به او نسبت داده اند، و «الاصول الاصلیه» را به آخوند ملا رجبعلی!

حال، با این انبوه اشتباهات که در عموم کتب تراجم احوال و فهرستهای گوناگون نسخه های خطی کتابخانه ها و مقالات تاریخی و مقدمه الطبع کتب، ثبت و ضبط شده است باید چه کرد؟!

ص: ۱۱

۱- (۱) ۱- میرزا طاهر نصرآبادی «متولد ۱۰۲۷» در کتاب «تذکره ۱: ۲۴۱» گوید: «میرزا محمد سعید، خلف ارجمند مرحوم حکیم محمدباقر قمی است. با بندگان میرزا محمدحسین برادر بزرگش - که ملکی است به صورت بشر! - در سلک اطبای پادشاه...». نصرآبادی نام بیش از سی تن از طبقات گوناگون مردم قم را در کتاب خود آورده و چیزی درباره آنان نوشته است، اما هیچ نام یا نشانی از قاضی ما - که سفرهای مکرر به اصفهان و توقف در اینجا و اشتغال به تعلم و تعلیم و تألیف هم داشته - در آن کتاب دیده نمی شود. تألیف «تذکره الشعراء» نصرآبادی از حدود (۱۰۸۳) تا (۱۰۹۰) است. بیافزاییم که از میرزا محمدحسین هیچ اثری سراغ نداریم. گویا اهل تألیف و تصنیف نبوده است.

به امید این که این مقال به نظر صاحبان قلم برسد و دست کم خطاهای سابقین دیگر تکرار نشود، ان شاء الله.

اینک آگاهی هایی که از آثار محمد سعید قاضی استفاده می شود:

۱- تولّد

سال تولّد شارح کتاب التّوحید که از برخی آثار خود او به دست می آید یکهزار و چهل و نه (۱۰۴۹) هجری قمری است. به دلیل این که در رساله «مرقاه الأسرار» گوید که اتمام آن در دهم ذی القعدة یکهزار و هشتاد و چهار (۱۰۸۴) که مدّت سی و پنج سال از عمرش گذشته بود، در قم صورت گرفت.

۲- آخرین آگاهی

آخرین تاریخی که از جناب قاضی در دست است سال یکهزار و یکصد و هفت (۱۱۰۷) می باشد که آن هنگام در پنجاه و هشت سالگی بوده است. او در پایان جلد سوم «شرح کتاب التّوحید» گوید که در دومین سال تصدّی شیخ الاسلامی در هیجدهم ماه رمضان (۱۱۰۷) در قم از آن فراغت یافت (۱)، و این که در «کواکب منثّره: ۳۱۰ و چند

ص: ۱۲

۱- ((۱)) - توجّه دهیم که بی شبهه منصب شیخ الاسلامی قم از دیرباز برعهده آخوند مولانا محمد طاهر قمی بوده و مرحوم خاتونابادی در «وقایع السّنین والأعوام: ۵۴۶» گوید: «فوت آخوند مولانا محمد طاهر شیخ الاسلام قم در هشت ساعتی شب جمعه بیست و سوم ذی قعدة سنه هزار و صد هجری، عمر او صد سال بود». شاه سلیمان صفوی در روز پنجشنبه پنجم ذی حجّه (۱۱۰۵) در اصفهان وفات یافت و فرزندش سلطان حسین در شب چهاردهم تاج گزاری کرد. پس شیخ الاسلامی آقا محمد سعید قاضی از آغاز سلطنت شاه سلطان حسین بوده، و وضع آن منصب در پنج سال مابین وفات آخوند ملا محمد طاهر و فوت شاه سلیمان معلوم نگردید.

موضع دیگر» آخرین تاریخ را (۱۱۲۶) نوشته و گویند:

«و ذکر فی آخر المجلد الثانی من شرح توحید الصدوق فی بلده قم تاریخه فی ذیحجه ۱۱۲۶، و دعی لتوفیقه لإتمامه، و بقی إلی أن تممه فی أربع مجلدات»، این خطای محض است، و نه مکان وجود نسخه را تعیین کرده و نه از وجود نسخه ای از جلد چهارم - موهوم - خبر داده اند.

تاریخ پایان جلد دوم «شرح کتاب التوحید» در عموم نسخه ها عصر روز چهارشنبه پنجم محرم یکهزار و نود و نه (۱۰۹۹) است، و فراغ از جلد سوم چنانکه گفتیم و در همان «کواکب» هم نوشته اند (۱۱۰۷) می باشد.

پس تاریخ ذی الحجه یکهزار و یکصد و بیست و شش باید تاریخ استنساخ نسخه ای باشد، نه تاریخ تألیف. و ظاهراً این مطلب از الحاقات و تصرّفات زیانبار، بهنگام چاپ کتاب است.

بهرحال، پس از سال (۱۱۰۷) که جلد سوم شرح کتاب التوحید را تمام کرده و دومین سال شیخ الاسلامی او بوده است دیگر هیچ خبری از جناب قاضی نداریم.

۳ - تحصیلات و پایه علمی

از نام استاد یا استادان مقدمات و مبادی قاضی آگاهی در دست نیست و تنها از دو استاد نهائی او مرحومان فیض مقیم کاشان و ملا رجبعلی مقیم اصفهان و دو شیخ روایتش شاه فتح الله جعفری و پدر خودش محمد مفید قمی و همچنین فیض آگاهیم که آنها را در آثار خود یاد کرده است.

اما نتیجه و ثمر تحصیل مقدمات مرسوم علمی زمان و خواندن دروس ادبی و تعمق در لغات و ترکیبات زبان عربی تا آنجا که به استنساخ کتاب «مغنی اللیب عن کتب

الأعاریب» دست یازیده، تسلط او بر عربیت و بیان مطالب خود به آن زبان - همچون استادش مرحوم فیض کاشانی - در حدّ کمال است، و بیشترین هم او تبیین و شرح کلمه به کلمه و جمله به جمله اخبار و احادیث غریبه می باشد، به اسلوب خاصّ خود، که نامش را «واردات قلبیه» نهاده است (۱).

امّا توغّل در عرفانیات و ذوقیات - همان گونه که از اهل این عوالم معهود است و پندارند که «یقین عارف حاکم بر روایت است» - قاضی را از توجه به اسناد و اسناد بازمی دارد و گاه سخنان برگزیده رائج و اشعار متداول را هر زمان مناسب مطلب خود می یابد دیگر در قید صحت و سقم و درستی اسناد نیست و هر آنچه را که ذوق او مایل باشد به منظور تأیید گفتار خود می آورد و به مصداق أنظر إلی ما قال رفتار می کند، خواه سخن از معصوم باشد یا غیر معصوم، از عامّه باشد یا از خاصّه، و هکذا. لذا، گاه کلامی یا بیت شعری را به کسی نسبت می دهد که از دیگری است و حتّی گاه در مورد اخبار و احادیث نیز چنین است.

همینجا خاطر نشان کنیم که جناب قاضی مطلقاً سروده ای به فارسی به خود نسبت نداده است، امّا در پایان «مرقاه الأسرار» که رساله چهارم «کتاب الأربعیات» است و تاریخ تألیف آن (۱۰۸۴) می باشد گوید: «قلت فی تاریخ الرساله:

مرقاه أسرار الهدی فتدرّجوا منها إلی ذی العرش خیر سبیل

أوتیتها من فضل خلاق الوری تاریخها: مرقاه سرّ جمیل»

با تأسف، ماده تاریخ را در نسخه چاپی «[کتاب] الأربعیات: ۱۵۶» حساب نکرده به اشتباه «مرقاه سرّ و دلیل» چاپ کرده اند!

ص: ۱۴

۱- (۱) - در جلد یکم «شرح کتاب التوحید: ۵۱۷» گوید: «... فانّ وضعه أن تقتصر علی واردات القلب من عالم آخر! آخر، جناب صدر المتألّهین اثری بنام «واردات قلبیه» دارند!

بگذریم، قاضی در برخی از جاها سخنش که اوج می گیرد، گویا شبه وهمی بر او عارض شده و مطلبی بیرون از اصول و قواعد مقرر بر قلمش جاری می شود که مرحوم آخوند ملما علی نوری «متوفی ۱۲۴۶» به برخی از آنها در حواشی خود بر نسخه شرح توحید و نسخه اربعونیات ما انگشت نهاده و کسان دیگری نیز در گوشه و کنار نسخه های خطی آثارش به خرده گیری و اعتراض برخاسته اند.

از باب مثال: قاضی در ذیل شرح حدیث بیست و پنجم (ج ۱ ص ۳۸۲ - ۳۸۳) گوید:

«... فإطلاق الواجب على المبدأ الأول - تعالی - ليس بالحقیقه و بالذات بل إن وُجد في خبر مروى فذلك بالمجاز دون الحقیقه، إذ ليس له ماهیه حتى يقاس إلى الوجود...»

شخص ناشناخته ای در حاشیه این موضع در نسخه خود این گونه قاضی را نکوهش کرده است:

«هذا الكلام منه لشيء عجاب! فواويلاه! و هل يتكلم بهذا الكلام من له أدنى تمیز في المرام! فأصوله الباطله في هذا الكتاب كثيره... و صدور أمثال هذه الأصول يوجب الوهن في فهمه و هدم بنائه، فلهذا لم يشتهر هذا الكتاب و لم يُعَدَّ [صاحبه] من العلماء ذوي الاعتبار!»

باری، در اینجا - مطلقاً - قصد بررسی افکار و آراء و مقاصد و مواضع جناب قاضی را نداریم، و آن کار محوّل به مطالعه دقیق مقدمه ها و متون آثار ایشان است که همه چاپ شده و در دسترس می باشد، و پیرامون اجازات روایتی در ذیل عنوان «تحفه العشاق» سخن خواهیم گفت.

۴ - تألیفات

تألیفات قاضی که همه به زبان عربی و چاپ شده اند عبارت است از سه مجلد «شرح کتاب التوحید» که از بقیه خبری نیست، و «کتاب الأربعین لشرح أحادیث الأئمه الطاهرين» که آن نیز به پایان نرسیده، و یازده رساله با نامهای خاص که در زمان متأخر

ارادهٔ تکمیل آنها را تا چهل رساله زیر عنوان «کتاب الأربعیّات لکشف أنوار القدسیّات» داشته و آن نیز همانند آن دو دیگر متوقّف شده است (۱). همین و دیگر هیچ.

بنابراین می توان گفت که عمر جناب قاضی به تکمیل آثارش وفا نکرده، و گویا نقص مشهود در آثار او از جملهٔ اسبابی است که نسخه های مصنّفاتش تا اواخر سدهٔ دوازدهم چندان مورد اعتناء قرار نگرفته و در گوشه و کنار متروک بوده، و در حقیقت از اوائل عصر قاجار و عهد حکماء نامدار اصفهان است که می بینیم تألیفات آقا محمّد سعید قاضی ظاهر شده و چون تازگی داشته - و لکلّ جدیدٍ لذّةٌ - تا حدّی مورد توجّه و استنساخ واقع گردیده است، و تا جایی که آگاهیم حدّاکثر وصفی که کاتبان آثارش در عصر قاجاری برای او نوشته اند: «القاضی سعید» یا «قاضی القضاة قم» است و نه چیز دیگر، که این هم یعنی قاضی به معنای مصطلح منصبی آن جای شک و تردید است که توضیح خواهیم داد.

۵ - اشتهار به قاضی

قدیم تر مأخذی که در این باره داریم - و اینک حاضر و در نظر است - نسخهٔ کتاب «مُغنی اللّیب» است که آن جناب در حدود بیست و هشت سالگی به دستخطّ بسیار عالی و عالمانهٔ خود استنساخ و نام و نشان را این چنین نوشته است:

«علیّ یدّی العبد العاضی (۲) محمّد المدعوّ بسعید الشریف القاضی».

ص: ۱۶

۱- (۱) - معرّفی یکی از آن رساله ها «شرح حدیث الغمامه» پیوست این مقال است، و نسخه ای را که در «فهرست نسخه های خطّی مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی ۲: ۲۲۰ و ۲۹۹» به نام جعلی «المثل والصور» معرّفی کرده اند، آن «الطلّاع والبوارق» است که رسالهٔ دهم «کتاب الأربعیّات» باشد، لا غیر.

۲- (۲) - العاضی، من الرّجال: المکفّی بالطعام والکساء: «الرائد».

چنان که ملاحظه می شود او هم در اینجا و هم در مواضع چندی از تألیفاتش نام اصلی خود را محمّد مشهور به سعید قاضی نوشته است. شاگردش محمّد کریم قمی نیز در «تحفه العشاق» همین گونه از او یاد می کند. حال، این که دلیل این اشتهاار چیست دانسته نیست و نوشته برخی از نویسندگان آثارش در بیش از یک قرن پس از او که او را «قاضی القضاة قم» نوشته اند مستند نمی شود، اگر چه در کتاب شریف «روضات الجنّات» هم به اینگونه وصف شده است، مگر این که بگوییم از منصب یا مسند شیخ الاسلامی او به قاضی و قاضی القضاة تعبیر نموده اند (۱).

اما او سالها پیش از بدست آوردن مقام شیخ الاسلامی در انجاءه نسخه «مغنی اللیب» و عموم مصنفاتش اشتهاار به قاضی را در پی نام خود آورده است، همان گونه که شاگردش در «تحفه العشاق» از او یاد می کند.

ص: ۱۷

۱- (۱) - شیخ الاسلام: مقام لرئیس القوّه القضائیه فی العهد الصفوی، کان ینصبّه الصدر الأعظم. تنزل شأنه بعد سقوط الصفویین: کواکب منتشره اشتراکی: ۳۵۴. القاضی: الحاکم الشرعی الذی یقضی بین المتخاصمین. «قاضی القضاة»: رئیسهم: الزائد.

حال، آیا از آغاز برای تمایز از محمد سعید حکیم نبوده است؟ یا دهن کجی نسبت به مقام جناب ملا محمد طاهر شیخ الاسلام زمان قم (۱)؟ العلم عندالله سبحانه.

مع الوصف، گویا بر سر زبانها قاضی سعید می گفته اند که در «اجازة کبیره سید جزائری» فرزندش را صدرالدین «ابن القاضی سعید القمی» نوشته است، که پس از این خواهیم گفت.

درباره شیخ الاسلامی هم پیشتر گذشت که خود به صراحت تمام در آخر جلد سوم «شرح توحید» گوید که در «۱۱۰۷» دو سال است متقلد امر شیخ الاسلامی قم می باشد. البته این مطلب در آثار تاریخی آن زمان انعکاسی ندارد تا بدانیم که آیا به همه وظائف مرسوم از جمله اقامه نماز آدینه قیام می نموده است؟

* * *

اینک پردازیم به داستان «تحفه العشاق» محمد کریم قمی، با مقدمه ای در توضیح علت نگارش آن دفتر، به این گونه که:

آخوند مولانا محمد طاهر شیخ الاسلام قم در سده یازدهم - همچون دیگر فقهاء اعلام - با فرقه صوفیه مخالفت سخت داشت و در کتاب «تحفه الأخیار، نوشته در ۱۰۷۵» و جز آن به بیان فساد برخی از عقائد و اعمال آنان پرداخت.

همزمان، حکیم مؤمن طیب تنکابنی صاحب کتاب پزشکی مشهور به «تحفه حکیم مؤمن»، در شهر قزوین «تبصره المؤمنین» را در مباحث صوفیانه و رد سخت بی شرمانه بر مولانا محمد طاهر نوشت «۱۰۸۶». نسخه های خطی تبصره در

ص: ۱۸

۱- (۱) - حکیم مؤمن در «تبصره المؤمنین» از ایشان به «حضرت پیشنماز و قاضی قم» تعبیر می کند نه «شیخ الاسلام» و در آغاز گوید: «... مولانا محمد طاهر چون قعود مسند قضای قم را با قیام پیشنمازی جمعه که در غیر معصوم اجتماع ضدین است جمع فرموده...!»

«فهرستواره کتابهای فارسی ۷: ۱۷۱» یاد شده، و نسختی نیز «در ۷۵ برگ رقعی» و تصویری از نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی، در دست ما هست.

داستان بهمین جا پایان نیافته و تبصره موصوفه به دست آخوند ملا محمد طاهر رسیده و آن جناب اثر دیگری در تأیید کتاب خود و طعن در مطالب «تبصره» و نویسنده اش نگاشته و در آن به نکوهش احوال حلاج و حلاجیه و ملعی روم و ابن عربی معلوم پرداخته و «خطبه البیان» را که دستمایه صوفیان زمان بود مجعول و مردود انگاشته است.

نوشته اخیر جناب آخوند همچنان به نظر حکیم مؤمن - که ظاهراً از پایگاهی در میان بازمانده درباریان صوفی مآب پایتخت قزوین برخوردار بود - رسیده و از مطالعه آن سخت برآشفته و باز دست به ردیه نویسی زده و اثری به نام «فتوح المجاهدین» در دوازده فتح و یک خاتمه نوشته و به پندار خویش دوازده گونه تدلیس در گفتار و کردار جناب آخوند یافته و گزارش نموده، و بسان «تبصره» همچنان از ایشان بعنوان «قاضی و قاضی مفتی قم!» و جز اینها یاد کرده است.

نسخه این «فتوح» شصت برگی - بدون نام و نشان - در «فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی ۸: ش ۳۱۱۵» معرفی شده، و راقم این مقال را چنین باور است که نویسنده «فتوح» کسی جز شخص حکیم مؤمن نیست. (۱)

ص: ۱۹

۱- (۱) - در صفحه ۶۱ فتوح «تصویر ارسالی استاد جعفریان، سلمه الله» آمده است: «... چه همت سید نجیب - یعنی حکیم مؤمن - به درجه ای است که نواب خلد آشیان صاحبقران، علیه رضوان الله الملک المئان، در بسطام، او را نزد پادشاه هندوستان به امر طبابت می فرستادند، و او چاکری این درگاه را سرمایه معموری عقبی دانسته به زخارف دنیا مبدل ساخت، و شاهد این حال - بالفعل - مسندنشین محفل تجرید و تفرید میرزا محمد سعید، دام «کذا» توفیقاته، و بعضی از مقربان درگاه خلایق پناه اند...». به گمان این ضعیف، مقصودش میرزا محمد سعید حکیم - حکیم کوچک - است، نه قاضی، والله العالم.

محقق یا ناشر «الروضه النضره» سوای سخنان خصمانه ای که در پایان شرح حال مولانا محمد طاهر «ص ۳۰۳» و در تعلیقۀ پایان ترجمۀ لوحی السبزواری «ص ۴۸۱» و بسی جاهای دیگر نوشته اند، حکیم مؤمن را که در اصل «روضه: ۵۹۳» و سپس در «کواکب: ۷۴۶» تصریح به سیادتش شده است؛ در «ص ۲۲۶ روضه» احتمال داده اند که او پدر ملاً رفیعای گیلانی - غیر سید - باشد!

«و لعلّ والده محمد مؤمن مؤلف «تبصره المؤمنین» فی الردّ علی القشربین المتسنّین أمثال مؤلف حکمه العارفین».

از آن احتمال نادرست «لعلّ والده...» که بگذریم، خدا را، صاحب «حکمه العارفین» یعنی آخوند مولانا محمد طاهر قمی را - که مؤلف مجتهد اصل «طبقات» و دیگر بزرگان علماء و اصحاب تراجم احوال، او را از اعلام و اعیان و ارکان شیعه برشمرده اند - به زبان دشنام قشری متسنّن خواندن، جز این که نشان انحراف کلی این گونه مواضع و مایه استهزاء و شادمانی اغیار و ایداء روح مؤلف باشد چه سود دیگری دارد؟!

این گونه سمپاشی های مغرضانه و ایجاد شبهات واهی، هرگز در آن مجلّدهات «ذریعه» و «طبقات» که در نجف اشرف و زیر نظر مؤلف چاپ شد دیده نمی شود، و إلیه المشتکی.

درباره مرحوم آخوند، خوب است لاقلاً به سخنان ادیب شاعر مورّخ نامی زمان خودش یعنی میرزا طاهر نصرآبادی بنگرند که در «تذکره. ش ۲۹۰» درباره شخصیت والا و آثار وجودی او چگونه داوری کرده است؛ گوید:

«ملاً محمد طاهر از باونات فارس است اما چون در قم بسیار بوده به قمی مشهور است. شمع فضیلت و صلاحش از انوار الهی روشن و خاطرش از شعاع خورشید

حقیقت وادی ایمن. تقوا و صلاح او به مرتبه ای است که محتاج به تقریر نیست.

شیخ الاسلام قم‌اند. و اهل آن ولایت به هدایت امر و نهی او همگی طریق پرهیزکاری پیش گرفته پا از جاده صلاح بیرون نمی گذارند...» تا آخر.

حال، این چنین وجود فیاض قرن را که به تنهایی، با سلاح علم و عمل، با وجود چنان مخالفان سرسخت، شهر کلانی را به امن و امان و مردمانش را بدانجا برساند که - یادآور مدینه فاضله آرمان حکیمان و فاضلان (۱) - پا از جاده صلاح بیرون نگذارند؛ سزاوار است که او را کسی قشری متسنن بخواند!

بیافزاییم که موضع و سلوک آخوند ملا محمد طاهر در تحکیم پایه های شرع انور و طرد و دفع بدعتها و انحرافات و شبهات، تا بدان حد بود که هم در برخی از آثار و احوال آخوند ملا محسن فیضی و غیره مؤثر گردیده، و هم مولانا محمد علم الهدی فرزند گرامی فیض برای رفع هرگونه اتهامی کتاب «درایت نثار، فتح الله به اعین الاعتبار» را در تفسیح اعمال صوفیان نوشت، و نواده عم علم الهدی میرزا نورالدین مفسر اخباری از جناب آخوند ملا محمد طاهر اجازه روایت خواست، همان گونه که علامه مجلسی مولانا محمد باقر نیز به سال (۱۰۸۶) از ایشان اجازه دریافت کرد. قدس الله ارواحهم الشریفه.

«کواکب: ۴۸۸ و ۷۹۲» (روضه: ۳۰۲).

سخنان نصرآبادی را در حق جناب فیض در جای دیگر می آوریم، و اینک سخن اصلی پیرامون «تحفه العشاق»:

ص: ۲۱

۱- (۱) - مدینه فاضله: مدینه ای که ساکنان آن کوشش کنند سعادت حقیقی را به دست آورند. اداره چنین مدینه ای بدست حکیمان و فاضلان باشد: «فرهنگ معین». توضیح پیرامون این مدینه و گونه های دیگر مدینه در دو کتاب «اخلاق ناصری: ۳۸۱ به بعد. انتشارات خوارزمی» و «ریشه های تاریخی امثال و حکم: ۱۱۵۴ - ۱۱۶۲» به شرح آمده است. خارج از موضوع: در «اخلاق ناصری» بحث مستوفی درباره «محبت» دیده می شود، امّا از دو کلمه عشق و تصوّف و مشتقات آنها هیچ اثری نیست.

گفتیم که در مقابله با ضدیت شیخ الاسلام قم با صوفی گری، حکیم مؤمن تنکابنی علم مخالفت با آن جناب برافراشته و «تبصره المؤمنین» و «فتوح المجاهدین» را در دفاع از مشرب تصوف نگاشت.

اینک، نوبت به محمد کریم، شریف قمی (۱) رسیده، بسان حکیم مؤمن، کتاب عوامانه «تحفه العشاق» را نوشت: «فهرستواره ۷: ۱۸۳»، و این دو نفر در هتک حرمت از مولانا محمد طاهر و دیگر فقهاء زمان و اهل ایمان - که با حرکات صوفیان مخالف بودند - هیچ فروگذار نکرده، با انواع تهمت و افتراء و اهانت و استهزاء، آشکارا به دشمنی برخاستند، و محمد کریم در مدح و ثنای شاهان صفوی و پدرانشان - جابجا - داد سخن داده و همانند حکیم مؤمن پایه مقام شیخ صفی الدین را به عرش رسانید، و پرواضح است که علت اصلی این گونه مواضع غلو آمیز، تحریک و جلب توجه هر چه بیشتر دستگاه حاکمه نمودن و طرف دیگر را قاصر و مقصر، بل مخالف نشان دادن است!

باری، یکی از دو نسخه اصلی «تحفه العشاق» را در هشتاد و چهار برگ رحلی - که ضمائم هم دارد - اینک در دست داریم. نویسنده در برگ سی و چهارم این نسخه نام گروهی از عارفان صوفی و درویشان را برشمرده تا این که گوید:

«و حضرت استاد فقیر که الحال حی و قایم و از علما و عرفای فرقه ناجیه امامیه، یعنی: العالم بالأسرار والدقایق کاشف الرموز والحقایق خلاصه العلماء، قدوتی و عمادی و علیه فی طریق الحق اعتمادی، الفرید فی دهره غنی الألقابی، آقایی آقا محمد سعید

ص: ۲۲

۱- (۱) - وصف شریف در پی نام این شخص و همچنین آقا محمد سعید قاضی اشاره به سیادت از سوی مادر است، نه چیز دیگر. مقدمه «جامع الأنساب»: ۳۰ - ۳۲.

الشهیر بالقاضی، آدم ظلّه العالی، و کتب مؤلفه ایشان در میان و حرز و هیکل عرفای شیعه و مؤمنان!

و در حاشیه افزوده است: «شیخ الاسلام والمسلمین».

و در برگ پنجاه و هفتم گوید: «یا معاشر المؤمنین! و حدیثی که دلالت داشته بر اینکه در حضور حضرت رسول الله، صلی الله علیه و آله، و وجد و سماع شده و آن حضرت مدح نموده و نهی نفرموده اند این حدیث است که از دو عادل بفقیر رسیده، یکی حضرت استادی و علیه فی طریق الحق اعتمادی عمده العلماء و العرفا شیخ الاسلام والمسلمین آقا محمد سعید الشهیر بالقاضی، دام ظلّه، و ایشان از مکتوبات حضرت قدوه الأعظم و العلماء المحدثین آخوند مولانا محمد محسن کاشانی، قدس سره، نقل نموده» (۱)!

این دو موضع از «تحفه العشاق» است که در آن از آقا محمد سعید شارح توحید یاد شده و به عین الفاظش آوردیم، و در هر دو جا وصف الشهیر بالقاضی پس از اصل نام او آمده است همان گونه که در آثار خود وی نیز هست، نه:

القاضی محمد سعید .

سوی «تحفه العشاق» در هیچ کتاب دیگری - چنانکه گفتیم - نامی از آقا محمد سعید قاضی و آثارش دیده نشد، تا آن که می رسیم به کتاب شریف «روضات الجنات» نیای گرامی - أعلى الله مقامه - در نیمه سده سیزدهم، که خواهیم گفت.

در خصوص علاقه و ارتباط محمد کریم و آقا محمد سعید بیفزاییم که بموجب آگاهیهای پراکنده در «ذریعه: ۱: ش ۱۰۲۰ و ۳: ش ۲۱۱ و ۱۳: ش ۵۲۲» و «طبقات»، یک نسخه از «شرح کتاب التوحید» مورد بحث شامل جلد یکم و دوم در کتابخانه عالم روحانی جلیل القدر حاج شیخ حیدرقلی مشهور به سردار کابلی ساکن کرمانشاه بوده

ص: ۲۳

۱- (۱) - در زمینه این گونه افتراءات و اکاذیب، مقاله پیرامون «طلع البدر علینا» را به قلم آقای حاج شیخ رسول جعفریان صدیق دانشمند در فصلنامه «میقات حج» ش ۵۶. تابستان ۸۵، ملاحظه فرمایند.

است که محمد کریم در پایان آن نام و نسب خود را: محمد کریم الشریف ابن محمد شفیع الشریف نوشته، و آقا محمد سعید به سال (۱۰۹۹) در ظهر نسخه به او اجازه روایت داده و در آن گواهی کرده است که وی آن کتاب را - علی النحو الأتم - نزدش خوانده است: «کواکب منتشره: ۶۱۴» که عنوان را به اشتباه محمد کرم چاپ کرده اند.

و در «ص ۳۱۰ همان کواکب» نوشته اند که آقا محمد سعید در آن اجازه، مشایخ روایت خود را سه نفر نوشته است: ۱ - مولانا محسن کاشی، ۲ - فاضل المعنی شاه فتح الله بن هبه الله الجعفری، ۳ - پدرش محمد مفید القمی شاگرد مولانا الحاج حسین الیزدی، «ایضاً: ص ۳۱۰ و «روضه نضره: ۱۵۸ و ۵۷۸».

در «ذریعه ۱۳: ش ۵۲۲» فرموده اند که عالم بزرگوار آقا میرزا محمد طهرانی عسکری در کتابش «مستدرک اجازات بحار الأنوار» و نیز حاج میرزا محمد باقر الفت اصفهانی در «مجمع الاجازات» متن کامل اجازه یاد شده را استنساخ کرده اند.

توضیح دهیم که: نسخه های خطی کتابخانه مرحوم سردار کابلی چندی پس از فوت «به سال ۱۳۷۲» فروخته شد و از سرنوشت نسخه «شرح کتاب التوحید» آگاه نیستیم، همان گونه که از «مستدرک اجازات» شیخنا الجلیل آقا میرزا محمد تهرانی «متوفی ۱۳۷۱»، رحمه الله علیهم.

اما نسخه «مجمع الاجازات» آقای الفت، چنان شد که در چند سالی پیش از وفاتش «۱۳۸۴ ق»، خود آن را به کسی امانت داده بود و در اثر کهولت و سالخوردگی نام شخص امانت گیرنده را فراموش کرده و از این بابت تا پایان عمر بسی متأثر و متألم بود و امانت گیرنده نیز همچنان نامعلوم ماند، تا مگر چه زمانی و در چه مکانی ظاهر و پدیدار شود، و إلى الله المصیر.

دیگر این که: در کتابخانه مرعشیه قم نسختی از مجلد اول «شرح کتاب التوحید، ش ۲۹۳» هست و در آخر آن شرحی است بقلم شخص شارح که در آن گواهی کرده است که: «ذوالقلب السّلیم و الإسم الکریم سمیّ النّبیّ الرّؤوف الرّحیم» کتاب را - جز کمی از اواسطش - نزد او خوانده و آخرین مجلس آن در ماه شوال المعظم (۱۰۹۵) بوده است.

محقق کتاب در مقدمه الطبع جلد یکم (ص ۸) در پاورقی مطلب یاد شده را آورده و در متن آنجا نام آن شخص را محمّد دانسته اند، اما با تصریح به «الإسم الکریم» توان گفت که مقصود همان محمّد کریم معهود است. شاید با تصفح نسخه آگاهی بیشتری به دست آید.

آقا محمّد سعید در پایان حدیث سی و سوم از باب دوم در همان نسخه نیز شرحی نوشته که نصّ آن در شش سطر (در ص ۵۰۳ همان جلد یکم) این گونه است:

«... قرأ علیّ الأخ الفاضل التقیّ الألمعیّ ذلك الشرح من أوّله فی مجالس آخرها حادی عشر شهر رمضان المبارک لسنه السّ [س: ظ] و تسعین و ألف فی محروسه اصفهان و أجزته بأن ینقل عنی و یروی أخباره حسب ما سمعت من مشایخی و أساتیدی. و کتبه شارحه العبد الضعیف محمّد المدعوّ بسعید الشّریف». پس در ماه رمضان (۱۰۹۶) در اصفهان بوده است.

بگذریم، و باز یادآور شویم که اشتباهات جنبی که درباره آقا محمّد سعید قمی در دو کتاب شیخنا العلامه «علیه الرّحمه»، یعنی «ذریعه» و «طبقات» واقع شده فراوان است، بخصوص که پس از ایشان و هنگام چاپ کتاب هم - بگونه بسی مواضع دیگر - مبلّغی بر آن خطاها افزوده اند که جای تأسف بسیار است.

امّا سید مشایخنا الأمين در «أعیان الشیعه ۴۷: ش ۱۰۷۳۱» به شکلی دیگر سخن گفته اند، مگر آن که اشتباه چاپی باشد:

«محمد بن مفید، الملقّب بسعدی الشّریف القاضی القمّی له «شرح توحید الصدوق» فی مجلّدين، فرغ من المجلّد الثانی عصر يوم الأربعاء لخمسٍ مضین من المحرّم... محفوظٌ فی مکتبه الشیخ عبدالحسین الطهرانی بکربلا».

از صفحه ما قبل آخر نسخه «معنی اللیب»، به خطّ محمد سعید قاضی. در «فهرست» زیر چاپ معرفی شده است.

آقا محمد سعید قاضی در آثارش نام پدر خود را گاهی مفید و گاهی محمد مفید نوشته است، و در اجازه به محمد کریم قمی گفته است که خود از پدر اجازه روایت داشته و پدر، شاگرد مولانا الحاج حسین یزدی بوده است.

بیش از این هیچ خبری از پدر جناب قاضی در دست نیست. آیا مردم نام او را چگونه می گفتند: آقا مفید، ملا مفید، میرزا، شیخ؟ آیا پایه و مایه علمی او در چه حدی بوده؟ آیا اثر علمی و قلمی داشته؟ العلم عندالله تعالی.

خلاصه، از این بزرگوار - یعنی محمد مفید - و پدر و خاندانش نیز هیچ آگاهی نداریم. حال، بر اساس اجازه یاد شده، در کتاب «الروضه النضره: ۵۷۸» که طبقات اعلام قرن یازدهم هجری است برای او عنوانی باز کرده و فرموده اند:

«محمد مفید القمی: والد العلمین الجلیلین الحکیمین القاضی محمد سعید والحکیم الطیب محمد حسین القمیّان. کان من العلماء و تلمذ علیه و یروی عنه ولده القاضی محمد سعید کما صرح به فی اجازه لتلمیذه محمد کریم فی «۱۰۹۹». قال: و کان هو من تلامیذ مولانا الحاج حسین الیزدی. اقول: الحاج حسین کان تلمیذ شیخنا البهائی و شارح «الخلاصه» له، کما مرّ (ص ۱۵۸)».

سبحان الله! محمد حسین حکیم طیب و برادرش محمد سعید حکیم - حکیم کوچک - فرزندان محمد باقر حکیم اند و برای محمد سعید قاضی هم هیچ برادری سراغ نداریم.

ماجرای اشتباهات را به تفصیل گزارش کردیم که این هم یکی از آنها است.

مُخبر صادق دانشمند آقا سید عبدالله جزائری «متوفی ۱۱۷۳» در اثر بسیار ارزشمند معروف به «الاجازه الکبیره: ق ۱۰۵ ظ، نسخه شریفه خط فرزندش سید بهاءالدین محمد»، علیهماالرحمه، که نزد این ضعیف است، گوید:

«صدرالدین بن القاضی سعید القمی. کان عالمًا متکلمًا مدرّسًا فی روضه المعصومه بقم فی مقبره السیّلاطین. حضرت درسه بأصول «الکافی» ثمّ اجتمعتُ به فی طریق ادریبجان و قد صار قاضیًا، و توفی بعد ذلك بفاصله قلیله. یروی عن أبیه، رحمه الله علیه».

این مطلب را در کتاب شریف «روضات» نیز در پایان ترجمه آقا محمد سعید آورده اند، و در «کواکب منشره: ۳۸۲» پس از نقل عبارت فوق گویند که اجتماع در راه آذربایجان اشاره به سفری است که علماء و اشراف برای نصب نادرشاه در سال (۱۱۴۸) به دشت مغان داشتند.

نیز افزوده اند: یک نسخه از جلد سوم «شرح کتاب التوحید» به قلم زین العابدین بن محمد حسین نام که به سال (۱۱۳۱) از روی نسخه اصل استنساخ نموده دیده اند و صدرالدین آن را با نسخه اصل پدر مقابله کرده و تاریخ پایان آن را به خط زیبای خود «روز مبعث ۱۱۳۲» و نام خود را «صدرالدین محمد الشریف الرضوی» نوشته است.

این سخنان بجای خود صحیح است و هیچ اشکالی در آن نیست، اما در همین «کواکب: ۳۹۲ - ۳۹۳» ابوطالب نامی را باز به عنوان فرزند قاضی سعید قمی شناسانده اند که مستند ایشان فقط عبارتی است که در نسخه ای از «کتاب الأمالی للشیخ الصدوق» دیده اند به این صورت:

«قد فرغ من تسويد الحواشی العبد المذنب العاصی ابن محمد سعید ابوطالب القمی فی شهر محرم الحرام ۱۱۵۱».

انصاف را که محمد سعید القمی را - جابجا - منحصر در قاضی سعید شارح توحید دانستن شگفت انگیز و تأسف آور است، و گویا «اشتراک نام دائم رهن است»!

دیگر: در جلد دوم «فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک. کتابهای فارسی: ۲۴» آمده است:

«اسرار العبادات. تألیف حسن بن محمد تقی بن قاضی سعید خوانساری، بنام محمد شاه غازی، در شش باب و هر باب در چند فصل شامل عبادات و نیز اصول دین است». نوشته اند که نسخه در یکصد و چهل و دو برگ است از سده سیزدهم.

محمد شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۶۴) پدر ناصرالدین شاه قاجار است. در «فهرستواره کتابهای فارسی ۹: ۸۸» آن شخص را «حسن خوانساری فرزند محمد تقی فرزند قاضی سعید» نوشته اند، حال، این قاضی سعید آیا شارح توحید است یا دیگری؟ قمی است یا خوانساری؟ العلم عندالله سبحانه. و شگفتا که جناب منزوی در همانجا «ص ۳۷۳» کتاب عربی «شرح توحید صدوق» قاضی را هم آورده اند!

انجامه نسخه «شرح کتاب التوحید، ج ۲»، به خط حکیم میرزا مظفر. در «فهرست» زیر چاپ معرفی شده است.

بازگردیم به داستان اسفبار اشتباه دو سعید به یکدیگر، و مقدمه توضیح دهیم که نیای اعلای گرامی ما - اعلی الله مقامه - نخستین بار برای شارح کتاب التوحید و تنها به استناد آثار علمی او، در باب سین فقهاء شیعه کتاب شریف «روضات الجنات»، عنوانی مستقل - نه در ذیل شرح حال مرحوم قطب الدین راوندی چنانکه بعضی تصور کرده اند - باز نموده و فرموده اند:

«القاضی سعید محمد بن محمد مفید القمی. هو المولی الفاضل الحکیم العارف المتشرع الأدیب الكامل المحقق الصمدانی...».

سپس چند جمله در مدح مراتب علمی و عرفانی او نوشته اند و از جمله این که: «و إليه انتهى منصب القضاوه فی بلده قم...».

همچنین آنجا از «شرح کتاب التوحید» بسی تمجید نموده و این که نسخه برخی از مجلدات آن را که از کتابخانه حکیم متأخر میرزا محمد باقر نواب لاهیجانی - علیه الرحمه - بوده مطالعه فرموده و از آن بسی لذت برده اند (۱).

بعد ذلک، چنانکه رسم نیای معظم - قدس سره - است خواسته اند که در ضمن مطالب راجع به صاحب عنوان، سخنی هم درباره استاد نامدار او یعنی آخوند ملا رجبعلی تبریزی

ص: ۳۰

۱- (۱) - عَشْ تَرَى عَجَبًا! در مجلّه «آینه پژوهش. ش ۹۸ - ۹۹» که در این روزها «سؤال المکرّم ۲۷» منتشر شد، در سرآغاز مقاله «زن در تفسیر مخزن العرفان بانو امین اصفهانی» چند تفسیر زنانه را برشمرده اند، از جمله: «تفسیر موضوعی قرآن، نواب خانم اصفهانی (م ۱۳۱۷ ق) گفته اند این تفسیر در چهار جلد...»، و مآخذ خود را «زنان نامی ص ۱۰۴، به نقل از تذکره القبور آیه الله عبدالکریم گزی اصفهانی»، نشان داده اند. شیخان الله! ندانستیم کدام بنده خدایی «نواب حکیم» را تبدیل به «نواب خانم» کرده است؟! شرح حال مرحوم میرزا محمد باقر نواب لاهیجانی اصفهانی حکیم «متوفی سوم ماه شعبان ۱۲۴۸» و تفسیر موضوعی ایشان را در جلد چهارم «مکارم الآثار. ذیل شماره ۶۵۲» ملاحظه فرمایند. زیاده جسارت است!

اصفهانى آورده باشند، لذا شطرى از عبارات «رياض العلماء» را كه مؤلف آن ميرزا عبدالله افندى «متولد ۱۰۶۶ يا ۱۰۶۷ در اصفهان»، خود در عصر و زمان آخوند و شاگردانش بوده، با اندك تغييرى، از روى نسخه اصل آن كتاب نقل کرده اند، و اين است عين كلام صاحب رياض كه ما از تصوير نسخه خط آن مرحوم «برگ ۲۰۱» در ذيل عنوان آخوند ملا رجبعلى مى آوريم: (۱)

«و قرأ عليه المولى محمد التنكابنى الجيلانى المعاصر والحكيم محمد حسين و أخوه الحكيم محمد سعيد القميان... و أما الحكيم محمد حسين فكان فى زمن السلطان شاه عباس الثانى الصيفوى رأس الأطباء و رئيسهم... و أما الحكيم محمد سعيد فكان مثل أخيه معظمًا عند السلطان المذكور... و كان يُعرف بحكيم كوچك و قد كان شاعرًا مُنشيًا مجيدًا... و قد أُلّف من الرسائل و الحواشى: رسالته فى تحقيق الاشتراك اللفظى... و رسالته اخرى فى هذا المعنى أيضًا لكن بالفارسيه سماها كليل بهشت...»

اين بود عمده سخنان مرحوم ميرزا عبدالله اصفهانى در «رياض العلماء» كه كمابيش در كتاب شريف «روضات الجنات» نقل شده است.

حال، از هنگام انتشار نخستين چاپ كتاب روضات در اوائل سده چهاردهم هجرى قمرى، ديگر بزرگانى كه در باب تراجم احوال رجال و معرفى آثار دست به تاليف برده اند، امثال علامه تهرانى و محدث قمى و مدرّس قاموسى و صاحب مرآه الكتب - رضوان الله تعالى عليهم - تا برسد به زمان چاپ نخستين اثر از آقا محمد سعيد قاضى، كه «شرح الأربعين حديثًا» باشد و «كليل بهشت» اشتباهى و تا برسد به فهرستهاى

ص: ۳۱

۱- (۱) - در «رياض» جاي نام پدر ملا رجبعلى را سپيد گزارده، و شگفتا كه تا اين زمان هم نامعلوم است، بلكه شخص آخوند حتى از نوشتن نام خود نيز در تنها اثر شناخته شده اش «رساله وجوديه» پرهيز کرده است، برخلاف آقا محمد سعيد قاضى كه در عموم مصنفاتش بنام خود و پدرش مفيد، بل ذكر تاريخ تاليف؛ تصريح مى كند.

گوناگون نسخه های خطی و چاپ دیگر آثار آن دانشمند در زمان حاضر و برخی مقاله ها، همگان به ضرس قاطع، حکیم محمد سعید - حکیم کوچک - مذکور در کلام صاحب «ریاض العلماء» را - که در «روضات» دیده اند - همان آقا محمد سعید قاضی گمان کرده و چنانکه پیشتر گفتیم همگی عناوین و القاب و آثار و اشعار و نیز برادر و حتی پدر و استاد لاهیجی آن پزشک بیچاره را به شارح کتاب التوحید بسته اند! تو گویی که قُم بوده است و یک سعید و آخوند ملا رجبعلی را هم تنها یک شاگرد به نام سعید!

و این بود داستان اشتباه بزرگی که در شناخت آقا محمد سعید ادیب عارف مسلک محقق متشرع شارح کتاب التوحید در این یکصد سال اخیر رخ داده است.

از انجامه نسخه «شرح کتاب التوحید، ج ۱»، نسخه خط حکیم میرزا محمدعلی میرزا مظفر. در «فهرست» زیر چاپ معرفی شده است.

حال، بنگریم که آن دو پزشک برادر درباری چه کسانی بودند، به اختصار، و با این توضیح که از روزگار صفویان و پس از آن و حتی پیش از آن (۱)، پزشکان را که دارای حکمت سینایی بودند - به احترام - حکیم یا حکیمباشی گفته اند، و این عنوان تا روزگار ما هم ادامه داشت تا آنکه جای خود را به کلمه خارجی دکتر واگذار کرد.

در مقدمه «مکارم الآثار ۱: ۵۱» است که: «حکیم باشی که ریش سفید اطباء خاصه بوده یکی از هشت گروه مقرب الخاقان است که گاه به هنگام احتیاج وارد حرم سرا می شده اند».

امّا باید دانست که پیشوایان روحانی و دانشمندان علوم دینی، معقول و منقول را داخل حکماء نمی گفتند و نمی نوشتند، چنانکه محمد طاهر وحید قزوینی (۲) در تاریخ

ص: ۳۳

۱- (۱) - چنانکه در جای جای کتاب «عیون الأبناء فی طبقات الأطباء» دیده می شود. و در کتاب «دستور الملوک میرزا رفیعا: ۲۰۷، تهران، ۱۳۸۵» گوید: «در بیان شغل عالی جاه مقرب الخاقان حکیم باشی است: مشارالیه از جمله مقربان و ریش سفید اطباء سرکار خاصه شریفه و انیس و جلیس پادشاهان بود و در ازمنه سابقه، در رقم، منصب او حکیم نوشته می شد و در مجلس، پایین دست جمعی از مقربان می نشست. در زمان نواب طوبی آشیان، لفظ «باشی» اضافه شد و بعد از آن ملقب به لقب مقرب الخاقان گردید».

۲- (۲) - میرزا محمد طاهر قزوینی متخلص و مشهور به وحید، علاوه بر مناصب درباری، از قبیل وقایع نگاری، مجلس نویسی و منشی گری، دانشمندی جامع انواع فضائل و در فنون عدیده وحید روزگار و صاحب آثار ممتاز ماندگار است. آقا محمد سعید قاضی پس از تألیف نخستین جلد «شرح کتاب التوحید» نسخه آنرا در اختیار وحید نهاده و آن مرحوم شرحی از زبان شارح، در نهایت اعتلاء و کمال، در پایان نسخه نوشته است که عیناً در نسخه ما موجود و از آن در چاپ کتاب هم آورده اند: «التمر ختم للزهر...». آقا محمد سعید، سپس خود در حاشیه آن ختامه، ایشان را معرفی کرده است به این عبارت: «ختامه که نواب مخدومی وحید الزمان و فرید العصر و الدوران میرزایی میرزا محمد طاهرا، ادام الله ظلّه و أبقاءه، برین مجلد نوشته اند». پس جناب قاضی را با وحید نیز ربطی بوده است.

معتبر بزرگ خود که در (۱۰۷۴) تألیف شده و در (۱۳۸۳ ش) در تهران با نام «تاریخ جهان آرای عباسی» به چاپ رسید، در (ص ۳۳۳) آنان را زیر عنوان «علمای عظام و فضلالی کرام و سادات ذوی القدر والاحترام» و نخستین شخص را میرداماد ذکر کرده و پس از او میرفندرسکی و میرزا رفیعا و فیض کاشانی و جز اینان، علیهم الرّحمه والرّضوان.

در زمان شاه صفی صفوی «تولد ۱۰۲۱، جلوس ۱۰۳۸، وفات ۱۰۵۲» نیز همچون زمان اسلافش، پزشکان را - چه در گفتار و چه در نوشتار - حکیم می نامیدند، و نام پزشکان زمان صفی را وحید قزوینی در (ص ۳۱۸) همان کتاب، زیر عنوان «حکمای عظام» آورده است، و از جمله آنها دو پزشک مورد نظر ما و برادر بزرگتر و پدرشان را:

«دیگر: میرزا محمد، ولد حکیم محمد باقر قمی از اولاد حکیم عمادالدین محمود...»،

«دیگر: میرزا محمد حسین قمی، برادر میرزا محمد، بعد از فوت برادر در سلک اطباءى خاصه شریفه انتظام یافت...» (۱)،

«دیگر: میرزا محمد سعید، برادر دیگر میرزا محمد حسین در سلک اطباءى منتظم گشت، قطع نظر از آنکه در فنّ خود از اقران ممتاز است از کمالات نفسانی و فضائل مختصه نوع انسانی بهره تمام دارند، طبعی در انشای منظوم چون آب روان و ذهنی در نظم منشور...».

ص: ۳۴

۱- ((۱)) - در صفحه (۴۲۶): «حکمت و حذاقت پناه جالینوس الزمانی محمد سعید قمی طبیب خاصه شریفه». باز، در چند جای دیگر آن کتاب از این دو پزشک برادر - محمد حسین و محمد سعید - با تجلیل بسیار یاد شده و در همه جا نام محمد حسین مقدم بر محمد سعید آمده است.

باز، میرزا محمد طاهر در (ص ۵۵۸) شرحی درباره بیماری شاه عباس ثانی «۱۰۵۲ - ۱۰۷۷» - ثانی تخلص شعری او نیز بوده است - نوشته و در کیفیت درمان شدنش گوید:

«و به حُسن تدبیرِ صِحَّتْ تأثیرِ حکمت و حذاقتِ پناه جالینوس زمان (۱) و انیسِ خلوتِ سرایِ قرب و اختصاصِ حضرتِ ظلِّ رحمان، صاحبِ دریافت و دید، حکیم محمد سعید قمی طیب رفع آن عارضه شد. چون حکمت و حذاقتِ پناه، جالینوس اقلیم حذاقت، و محمد زکریای جهان حکمت، باریافته بزمِ اختصاصِ سرورِ خسرو صاحبِ دیهیم، میرزا محمد حسین حکیم برادر بزرگوارِ حکمت پناه مزبور روانه زیارت بیت الله الحرام شده، در دربارِ اقبال حاضر نبودند، جناب حکمت پناه [مآب] مزبور به تنهایی ارتکابِ علاج نموده، ذات مقدس پیرایه صحت پوشید.»

ایضاً: در ذیل وقایع سال (۱۰۶۹، از ص ۶۶۰ تا ۶۶۴) شرحی در باب درویش نوازی عباس ثانی نوشته و گوید:

«... درویش مجنون و درویش مصطفی که از اجله رهنوردان مسالک تحقیق اند و از الکای روم آمده در منزل مقرب الخاقان حکیم محمد حسین و حکیم محمد سعید ... نزول داشتند...»

سپس شرح بنای تکیه فیض در اصفهان را نوشته و گوید:

ص: ۳۵

۱- (۱) - در آخر نسخه «کلید بهشت» که مرحوم آقا سید محمد مشکوه از روی آن چاپ کردند، بخط کاتب نسخه این گونه است: «تمت فی تاریخ شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۰۸۵ کلید بهشت من مصنفات جالینوس الزمانی میرزا محمد سعید. سلمه الله تعالی عن الافات». از این عبارت دانسته می شود که محمد سعید حکیم تا پایان سال (۱۰۸۵) حیات داشته و تاریخ فوت برادرش محمد حسین حکیم در نیمه سال (۱۰۸۴) پس از این یاد می شود.

«و سرکاری عمارت و تولیت آن به زبده ارباب دید، حکیم محمد سعید طبیب سرکار خاصه شریفه تفویض یافت».

دو برادر، حکیم باشیان عباس ثانی در «سیاحتنامه شاردن فرانسوی» نیز در چند جا از آنها یاد شده است. از جمله در جلد شرح تاج گذاری شاه سلیمان صفوی به سال (۱۰۷۷) که شاردن خود حضور داشته:

«اما دو حکیم باشی: میرزا صاحب و میرزا کوچک برادر وی که از اعیان عالیمقام دربار ایران می باشند»: ترجمه محمد عباسی (۹: ۳۷).

این سخن شاردن می رساند که میرزا محمد سعید حکیم کوچک را عامه مردم میرزا کوچک نیز می گفته اند و میرزا محمد حسین را میرزا صاحب .

باز در همان زمان، سید دانشمند قمی صفی الدین محمد بن محمد هاشم حسینی، به سال یک هزار و هفتاد و نه (۱۰۷۹) یعنی اوائل سلطنت شاه سلیمان «۱۰۷۷ - ۱۱۰۵» کتاب ارزشمند «خلاصه البلدان» را در تاریخ قم و چند شهر مقدس زیارتی تألیف کرده است، که به سال (۱۳۹۶ ق) در قم چاپ شد. او در دو جای کتابش از میرزا محمد سعید حکیم به بزرگی یاد کرده است.

نخست (در ص ۲۸۵) گوید:

و جناب میرزایی صاحبی میرزا محمد سعید حکیم - مد ظلّه السّامی - فرموده که:

پاک طینت را کمالی نیست دانشور شدن احتیاجی نیست خاک کربلا را زر شدن

در (ص ۲۴۰) گوید:

« و دیگر: در وقتی که عالی حضرت میرزایی صاحبی استادی - مد ظلّه السّامی - تریاق قدسی را تألیف نموده بودند و می خواستند امتحان بفرمایند...».

ص: ۳۶

آقای دکتر سید حسین مدرّسی طباطبائی قمی که «خلاصه البلدان» به همت والای ایشان چاپ شد، در تعلیقاتی که بر آن افزودند به درستی (در ص ۳۱۳) نوشتند:

«حکیم محمّد سعید قمی طبیب خاصّیه شریفه در دربار عباس دوم که نام او در «عباس نامه» و دیگر مآخذ تاریخی این دوره هست - مجلّه هنر و مردم، شماره (۱۳۴)، مقاله آقای دانش پژوه -، و او جز قاضی سعید قمی حکیم و عارف مشهور این دوره بوده است».

ص: ۳۷

در «الذریعه ۲: ۲۰۳» فرموده اند که صفی‌الدین محمد الحسینی «أسرار الصّنائع» را با «حقایق الصّنائع» بخط خود استنساخ کرده و در سه شنبه هشتم ماه شوال یکهزار و نود از «حقایق» فراغت یافته است:

«أسرار الصّنائع»، للقاضی محمد سعید بن محمد مفید الشریف القمی المعروف بحکیم کوچک شارح توحید الصّدوق و غیره...» و در جلد هفتم «ش ۱۶۸» نیز همین گونه سخن گفته اند و این که نسخه این دو رساله فارسی را در یک مجموعه رسائل در مخزن کتب ملا محمد علی خوانساری در نجف اشرف دیده اند.

این مجموعه رسائل اینک در خوانسار است و در «فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله فاضل خوانساری ۱: ش ۲۴۵» مذکور، و محتوای آن را دارای چهارده عنوان شناسانده و آنجا هم گفته اند که هفتمین «حقایق الصّنائع»، و هشتمین «أسرار الصّنائع» است از برگ یکصد و سوم تا یکصد و هشتاد و ششم، و «تألیف قاضی محمد سعید بن محمد مفید قمی (بعد ۱۱۰۰)».

در این فهرست و هم در «ذریعه» و جاهای دیگری که از «أسرار الصّنائع» یاد شده است چند کلمه از سرآغاز آنرا آورده اند اما آنجا که نگارنده بیچاره نام خود را نوشته است از نقل آن خودداری کرده اند. نگارنده «أسرار» خود به صراحت گوید...

قلم اینجا رسید که - پیرانه سر - به فکر دیدار اصل نسخه افتاده، باری بهر جهت، بعدالظهر روز سه شنبه بیست و سوم ماه رمضان المبارک جاری یکهزار و چهارصد

و بیست و هفت «۸۵/۷/۲۵»، فیضِ مصاحبِ صدیقان گرامی دانشمند، آقایان حاج سید احمد سجّادی و مجید هادی زاده -
زادهما الله عزّاً و توفیقاً - به شهر خوانسار سفر کرده و پس از زیارت مرقد نیای اعلیٰ الحاجّ سید حسینیٰ مجتهد «متوفی
:۱۱۹۲

ص: ۳۹

دو گفتار یکم: ۹۹ - ۱۰۲ - رضوان الله علیه - به کتابخانه مورد نظر وارد و نسخه فرسوده مجموعه موصوفه را از نزدیک بررسی کردیم.

نتیجه این شد که فقط نسخه «حقایق الصنایع» میرابوالقاسم فندرسکی بخط و خاتم صفی‌الدین محمد الحسینی است:

اتفاق این فراغ کتاب مستطاب مسطور در روز سه شنبه هشتم شهر شوال المکرم

هزار و نود ۱۰۹۰ هجری افتاد بر دست بنده گناه کار امیدوار

به کرم پروردگار صفی‌الدین محمد الحسینی

غفرالله تعالی ذنوبه بالنبی محمد

والوصی علی تم

و «أسرار الصنایع» که پس از آن قرار دارد بخط دیگری است که هیچ نام و نشان و تاریخی از خود در آن نگذارده و انجامه ای ندارد، اما در سرآغاز نخستین صفحه به شنگرف این چنین نوشته است:

هذه الرسالة مسماه بأسرار الصنایع تألیف فیلسوف الأکرم الأفخم

میرزا محمد سعید ادم الله ایام إفضاله

و نگارنده یعنی مصنف «أسرار الصنایع» خود را این گونه شناسانده است:

«... و بعد، فبقول الفقیر الحقیر المشتاق الی لقاء ربّه القدیم محمد سعید حکیم که این فصلی چند است در بیان کیفیت حدوث حروف مقطعه و کلمه و کلام و بیان پیدا شدن صناعات خمسۀ قیاسیۀ معروفه و...».

این بود وصف نسخه خطی «أسرار الصنایع» که - به رأی العین - در خوانسار دیده شد، و ملاحظه می فرمایند که کاتب نسخه، نگارنده را «فیلسوف اکرم افخم میرزا محمد سعید» خوانده، و نگارنده هم خود را «محمد سعید حکیم» نامیده است،

اوصافی که هرگز در هیچ یک از نسخ آثار مسلم قاضی «شرح توحید، شرح اربعین، رسائل اربعیتیات» دیده نمی شود، نه از زبان خود قاضی - که همواره در آغاز و انجام کتبش خود را وصف کرده - و نه از زبان کاتبان نسخه های متعدد آن آثار.

پس، جای تأسف بسیار است که در «ذریعه» مشخصات یاد شده آن نسخه را نادیده گرفته و به وجه قطع و یقین در کمال صراحت فرموده اند: «أسرار الصّیّنایع، للقاضی محمّد سعید بن محمّد شریف القمی...» تا آخر. و این چنین حقّ یک دانشمند - بالمرّه - ضایع شده است!

دو آگاهی مهمّ دیگر

آگاهی نخست: چنان که شواهد حال گواهی می دهد، مجموعه رسائل یاد شده در جلد هفدهم «فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. شماره ۸۷۴۲»، شامل شش رساله در یکصد و شصت برگ، همه آنها آثار قلمی محمّد سعید حکیم است که گویا بخطّ خود نوشته و مدوّن کرده است.

مرحوم استاد محمّد تقی دانش پژوه رسائل آن مجموعه را این چنین شناسانده اند:

۱ - «دستور العمل مجمل در باب بعضی تبهای کثیر الوقوع...»، بدون ذکر نام مؤلف.

۲ - «أسرار الصّیّنایع: قاضی محمّد سعید بن محمّد مفید قمی...».

۳ - «کلید بهشت: همو...».

۴ - «الأصل الأصيل یا الأصول الأصفیّه: رجبعلی تبریزی...».

۵ - «تشریح عظام الرأس والفکّ [الفلك چاپ شده است] الأعلى:

محمّد سعید بن محمّد باقر طبیب، بنام شاه صفی...».

۶ - «تعلیقات الاشارات متناً و شرحاً...» بدون ذکر نام مؤلف: انتهى.

این ضعیف را عقیده بر آن است که تمام این شش اثر از آن شخصِ میرزا محمد سعید حکیم است که نامش در پنجمین رساله محمد سعید بن محمد باقر طیب آمده است، و نسبت دادنِ مرحوم دانش پژوه «أسرار» و «کلید بهشت» را به قاضی و «آصفیه» را به آخوند رجبعلی پیرو همان شهرت کاذبه و اشتباه کاری ها است که مکرر یادآور شده ایم.

آگاهی دوم: هم اینک ما، یک مجموعه اصیل در دست داریم که در اصل شامل دو رساله - یا کتاب - بوده است، بدون ذکر نام در عنوان و بدون ذکر نام کاتب و تاریخ، هر دو به یک خط، که وصف آن به اجمال چنین است:

۱ - «مقاله فی أنّ الواحد لا یصدر عنه الا الواحد»، به عربی، همان که بنام مشکوک «الأصول الأصفیه» در «فهرست مجلس ۵: ۶۸» دو نسخه از آن معرّفی شده و در مجموعه یاد شده مرکزی «الأصل الأصيل یا الأصول الأصفیه» نامیده اند. این کتاب در «منتخبات آثار حکماء ۱: ۲۴۴-۲۷۱» پس از رساله فارسی «اثبات واجب حکیم نحیر و فیلسوف متأله ملا رجبعلی تبریزی:

ص ۲۲۰»، به گونه گزینشی آمده و توسط مرحوم استاد جلال الدین آشتیانی به فارسی گزارش شده است و در آغاز آن نوشته اند:

«ملا رجبعلی رساله ای نفیس بنام «الأصل الأصيل» تألیف نموده است که مشتمل است بر قواعد مهم فلسفی...».

آقای آشتیانی تمام رساله را نیاورده بلکه بندهایی از آن را برگزیده و سپس پیرامون هر بند توضیحی داده اند که نوعاً متضمن ردّ بر نظرات اصل است.

همان گونه که گفتیم این رساله نیز اثر خامه محمد سعید حکیم است که همچنان - مع الأسف - بنام آخوند ملا رجبعلی به چاپ رسید، و گویا منشأ اشتباه این باشد که مرحوم ملا عبدالنّبی قزوینی صاحب «تتمیم أمل الأمل» در آخر شرح حال آخوند ملا رجبعلی «ش ۱۰۱» گفته است:

«و من تصانیفه: الرساله الموسومه بالأصول الأصفیه (الروضه النضره: ۲۱۵، و در چاپ قم: الاصفیه)، ذکر فیها مسائل مهمه من الحکمه هی أمهات المسائل».

باری، مصنف این رساله در حاشیه برگ «۲۲. ظ» نسخه مجموعه جای گفتگو، گوید:

«و لنا فی هذاالباب - ای فی بیان وضع الألفاظ واللغات - رساله طویلہ جلیل المنفعه کثیر الفائده موسومه بأسرار الصنایع . فمن أراد الانتفاع بفوائدها فعليه الرجوع اليها، ان شاء الله تعالى. منه، دام ظلّه السامی».

این حاشیه هرگونه شک و تردیدی را درباره مصنف رساله رفع می کند، چه ما «أسرار الصنایع» و نگارنده آنرا به وضوح شناسانیم.

۲ - «کلید بهشت»، به فارسی، همان که بنام قاضی سعید قمی چاپ شده است و گفتیم که آن اثر خامه محمد سعید حکیم است و نسبت دادن به قاضی یا آخوند ملا رجبعلی خطاء محض است.

این کتاب نیز در نسخه مجموعه جای گفتگو بدون نام مصنف و کاتب و تاریخ است، و افزون بر حواشی بخط کاتب نسخه، هم در رساله نخست و هم در این رساله؛ چند حاشیه به خامه شخص مصنف دارد با امضاء «منه، عفی عنه».

پس از این دو رساله یا کتاب مجموعه که گفتیم هر دو به یک خط و شکل، و بی شبهه به نظر و تصحیح مصنف رسیده است، در همان زمانها، تنها اثر شناخته شده آخوند ملا رجبعلی، باز بدون نام و نشان نوشته شده است.

همان رساله چاپ شده در «منتخبات ۱: ۲۲۰ - ۲۴۳»، و همان که محمد سعید قاضی آنرا بنام «البرهان القاطع والتور الساطع» به عربی در آورده و رساله نهم «کتاب الأربعینات» خود، نهاده است.

اینک ، سخنی هم در باب روابط محمد سعید حکیم و جناب فیض کاشانی بگوییم:

آقای دکتر سید حسین مدّرسی طباطبائی، چند سالی پیش از چاپ «خلاصه البلدان»، دو سه نامه ای را که میان میرزا محمّد سعید حکیم و آخوند مولانا محسن فیض «۱۰۰۷ - ۱۰۹۱» جریان داشته است، در مجله «وحد، ش ۵، مرداد ماه ۱۳۵۲»، پیرو اشتباهات سابقین، با عنوان «مکاتبات فیض و قاضی سعید قمی» چاپ کرده بودند، که این هم یکی دیگر از دارایی های حکیمباشی است که به کیسه قاضی رفته است، و یا - للأسف که همان نامه ها را با توجیهاات و توضیحات شگفت آور در مقدمه الطبع محقق کتاب «شرح الأربعین [حدیثاً]» تألیف قاضی، چاپ تهران (۱۳۷۹ ش)، تجدید چاپ کردند، همانگونه که در مقدمه علویّه امیریّه بر «دیوان اشعار» حکیم مظلوم، به نام «دیوان اشعار قاضی سعید قمی» هم آورده اند!

گویا که طالع نامساعد محمّد سعید حکیم این چنین رقم خورده است، با آن همه حضور چشمگیر در آثار گوناگونِ زمانش حتّی در «تذکره الشعراء» نصرآبادی که در چند جا با احترام تمام یاد شده است، همانگونه که در تذکره الشعراءهای هندی نیز - بسان «آتشکده آذر» - با عنوان «حکیم سعید خان» دیده می شود.

سخنی درباره جناب فیض

در باب شخصیت استثنائی فیض، علیه الرحمه والرضوان، باید اعتراف کرد که آن مرحوم در اثر امتیازات موروث و مکتسب، در طول عمر هشتاد و چند ساله پر برکتش

همواره در نهایت درجهٔ احترام بوده، و طبیعی است که اینگونه موقعیّت جاذبِ طبقاتِ گوناگون بالای مردم زمان باشد (۱).

دو برادر پزشک نیز از این روی با خاندان آن جناب در ارتباط بوده اند، و زمانی میرزا محمد حسین حکیم چند مسألهٔ شرعی در احکام مسافر از شخص فیض پرسش کرده و پاسخ گرفته است. این سؤال و جوابها در یک صفحه «ص ۱۴۵» از یادداشتهای مرحوم علم الهدی فرزند فیض نوشته شده است، با این عنوان:

«صوره اسؤله جالینوس الزمانی مقرب الخاقانی میرزا محمد حسین حکیم و أجوبه عالیجناب والا القاب خدایگانی آخوندی... که بتاریخ شهر شؤال سنه (۱۰۶۳) واقع شده.»

ص: ۴۵

۱- (۱) - بیشتر سخنان میرزا طاهر نصرآبادی را در وصف آخوند مولانا محمد طاهر قمی از «تذکره» آوردیم، اینک سخنان او دربارهٔ جناب فیض، گوید: «ملا عبدالمحسن همشیره زادهٔ آخوند نورا ملا ضیاءالدین کاشی است. کاشف حقایق و برهان و عارف معرفت و عرفان است. از جمیع علوم بهرهٔ وافیه برده... حکمت را با تصوّف جمع نموده، در کاشان به افاده مشغول بود که شاه قدردان شاه عباس ماضی چون آوازهٔ عدالت آن جناب را از دور شنیده بود ایشان را طلب داشته در سفر و حضر انیس و جلیس بوده کمال قرب داشت. بعد از فوت آن پادشاه عادل جاه به کاشان رفته گاهی در قمصر و وقتی در کاشان به افادت و عبادت مشغولند...». میرزا طاهر نام گرامی فیض را هم در اینجا و هم در ذیل ملا مؤمن ایمان، ملا عبدالمحسن نوشته است. «تذکره الشعراء. ش ۲۷۶ و ۳۳۷». سخن به اینجا کشیده شد، خوب است امّا نظر شخص جناب فیض را دربارهٔ متصوّفه، از کتاب «المحجّه البیضاء ۶: ۳۳۸» بیاوریم، آنجا که در کتاب ذمّ الغرور، در ذیل کلام غزالی پیرامون متصوّفه، فرموده است: «اقول: و أی فضل و کرامه للّصّیادقین من الصّوّفیه حتّی یکون للمتشبّهین بهم فضل و غرور؟! فانّ أكثرهم من أهل البعدع من السّیماع و الرّقص و الجهر من القول فی الدّعاء و غیر ذلك!». تا میرزا طاهر نصرآبادی اصفهانی و حکیم مؤمن تنکابنی و محمد کریم قمی چه گویند!

و علم الهُدی به هنگام درگذشت حکیم یاد شده، نامهٔ تعزیتی به برادر کوچکتر نوشته است که سواد آن نامه را بخط خود در یادداشت‌هایش «ص ۵۴» ثبت فرموده، به این عنوان:

«در تعزیت میرزا محمد سعید حکیم به هنگام وفات میرزا محمد حسین بقلم آمد. شهر جمادی الآخره سنه (۱۰۸۴)»، و در آخر نامه امضاء کرده است: «داعی بیر یا علم الهُدی».

از اینجا تاریخ فوت میرزا محمد حسین پزشک نیز معلوم گردید، و سال (۱۰۸۴) هفتمین سال سلطنت شاه سلیمان صفوی است.

از تاریخ درگذشت محمد سعید حکیم آگاه نیستیم، جز این که پیشتر گذشت که او تا پایان (۱۰۸۵) زنده بوده است.

باز، دو مطلب دیگر درباره محمد سعید حکیم بیاوریم و به این مقال درازدامن پایان دهیم:

مطلب نخست: از جمله منابع سدهٔ دوازدهم کتاب تذکره «ریاض الشعراء» علی قلی واله داغستانی - تألیف در (۱۱۶۱) - است که گوید «ش ۴۴۷»:

«میرزا محمد سعید حکیم قمی متخلص به تنها، خلف حکیم محمدباقر است.

میرزای مزبور از خواص اطبای شاه عباس ثانی بوده و در خدمت آن پادشاه کمال عزت و منزلت داشته، در فضائل و کمالات گوی مسابقت از اقران و امثال می ربوده، آخر در زمان شاه سلیمان به سعایت ارباب حسد از نظر پادشاه افتاده در قم سکونت اختیار کرده، دیوانش متداول و قریب به ده هزار بیت است. گاهی سعید و گاهی حکیم نیز تخلص می کند. این ابیات او راست...».

سپس، واله تا شش صفحه کتابش را به انواع سروده های سعید اختصاص داده است. و پیشتر گفتیم که ثانی تخلص شعری شاه عباس ثانی است و واله او را نیز در تذکره «ش ۴۶۱» آورده است.

همزمان با واله، لطفعلی بیگ آذر بیکدلی «۱۱۳۴ - ۱۱۹۵» است که در کتاب «آتشکده» در شمار فصحای دارالمؤمنین قم گوید:

« حکیم سعید خان ، از اهالی آن دیار و با کثرت مراتب حکمی خصوص حکمت نظری مربوط، و مدّتی در خدمت شاه عبّاس ثانی در سلک اطّابای حاذق مُسلک بوده، آخر الأمر از ملازمت اخراج و در قم به زیارت و عبادت مشغول بوده در آنجا فوت شده. صاحب دیوان است. از دیوان ایشان این چند بیت انتخاب و ثبت شد...»: «آتشکده آذر: ۱۲۴۲ - ۱۲۴۳».

آذر در آن کتاب سی و هفت نفر از مردم قم را که سروده ای داشته اند یاد کرده و در آن میان نامی از جناب آقا محمّد سعید قاضی دیده نمی شود.

مطلب دوم: میرزا محمّد سعید حکیم را با دیگر استاد ناماور خود آخوند ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی قمی (۱) اشعاری بس شیوا و نغز آراسته به صنایع گوناگون ادبی مبادله شده است که در «دیوان فیاض لاهیجی: ۳۷۵، چاپ تهران (۱۳۶۹ ش)» می خوانیم:

خطاب به میرزا محمّد سعید:

ای جوهری که در ته این هشت نه بساط چشم خرد ندیده چو تو یک دُرِ خوشاب

قطعه چهل و پنج بیت است در مدح محمّد سعید حکیم و بیت دهم اینست:

بقراط را ز شرم تو چون دم زنی ز طبّ در خاکِ نبضِ مرده در آید به اضطراب

سپس در (ص ۳۷۷) آمده است: جواب میرزا محمّد سعید:

ای آنکه در محافل دانش کلام تو دُردی کشان جام سخن را دهد شراب

ص: ۴۷

۱- (۱) - صاحب آثار مهمّ منثور و منظوم، همدماد جناب فیض کاشانی، دو داماد صدر المتألّهین. وفاتش را در «الذریعه ۱۲: ش ۱۱۴۷» به سال (۱۰۵۱) نوشته و افزوده اند: «و من تلامیذه القاضی سعید القمی»، که باز اشتباه به حکیمباشی است. در «الروضه النضره: ۳۱۹» وفات فیاض را بدون ذکر مأخذ (۱۰۷۲) نوشته و جز آن را تخطئه کرده اند. در اینجا هم «و من تلامیذه...» آمده است.

چهل و هفت بیت است که همچنان به همان وزن و قافیه در مدح و ثنای استاد با جهانی ظرافت و طنز داد سخن داده است.

و در (ص ۳۷۹) این چنین: در جواب جوابیه میرزا محمد سعید:

ای آنکه در کف تو ورق چون رخ نگار بی خامه می زند رقم نقش خط بر آب

پانزده بیت، باز در مدح بلیغ حکیمباشی شاگرد است که هر این سه قطعه در یکصد و هفت بیت میان استاد و شاگرد خواندنی و اندیشیدنی است.

دو قطعه اولی را محقق کوشای «شرح الأربعین قاضی» همانند دیگر نسبتها، به گمان اینکه متعلق به قاضی است در مقدمه الطبع خود «ص ۲۸ - ۲۹، چاپ تهران، ۱۳۷۹ ش» با نقصانی از آخرین ابیات، به نقل از «جنگ خطی شماره (۲۳۲۷) کتابخانه مجلس تهران» آورده اند، و مهم این است که عنوان نخست در جنگ - عیناً چنین است:

«قطعه مولانا عبدالرزاق گیلانی به میرزا محمد سعید حکیم مشهور به حکیم کوچک»

بیچاره حکیمباشی که همه دار و ندارش به یغما رفته و به عاریت نصیب آقا محمد سعید قاضی شده است، و این در حالی است که سروده ای به فارسی از شخص قاضی در آثارش دیده نمی شود، با این که مکرر، اشعاری از سابقین را - عربی و فارسی - به استشهد آورده است، چنان که پیشتر هم گفتیم، والسلام.

هدف و مقصد اصلی از تنظیم این گفتار دراز دامن، تنها اصلاحات تاریخی مهم و احقاقِ حقّ و ازهاقِ باطل بود و نه جز این امر. یعنی بیان اشتباهات بزرگی که در طول یک قرن پیرامون احوال و آثار دو تن دانشمند همنام از دانشمندان قم در قرن یازدهم هجری «محمد سعید حکیم و محمد سعید قاضی» رخ داده و چهره تاریخی هر دو را دگرگون کرده است، تا مگر از این پس آیندگان اشتباهات سابقین را تکرار نفرمایند، ان شاء الله.

اینک، آنچه در فهرست بزرگ پیرامون یکی از آثار آقا محمد سعید قاضی، یعنی «شرح حدیث غمامه» نوشته ایم ضمیمه این مقال می کنیم، و معرفی سایر آثار موكول به همان فهرست است که در دست چاپ می باشد، والله الموفق.

من إعجاز مولانا أمير المؤمنين عليه السلام

از: محمّد، يُدعى: سعيد، الشّريف، القمّي: سرآغازِ كتاب. صاحب «شرح كتاب التّوحيد، متولّد (۱۰۴۹)، وفات: نامعلوم.

كتاب: شرح ادبي - عرفاني و ذوقی خبر مفصّل، مشکل و غریب غمامه «سحابه» است که سعید آنرا در ایام اقامتش در اصفهان به سال (۱۰۹۹) آغاز کرده است (۱).

سال (۱۰۹۹) شصت و دو سالگی علامه مجلسی - اعلی الله مقامه - و اوج اشتها و مرجعیت آن بزرگوار در این دیار است، و شارح ما در پنجاه سالگی.

در «الذریعه ۱۳: ۱۹۰ - ۱۹۲» چند شرح بر این حدیث را با عنوان «شرح حدیث البساط» یادآور شده و نخستین آنها شرح «قاضی محمّد سعید بن محمّد مفید القمّي، تلمیذ المحدث الفیض الکاشانی» جای گفتگو را آورده، و در وجه تسمیه حدیث فرماید:

«انّ السّحابه هبطت بأمر المؤمنین علیه السلام و انبسطت علی الأرض بأمره کالبساط فجلس القوم علیها و رفعتهم الرّیح حتّى وصلوا إلی جبل قاف و غیره...».

شارح، در این اثر، حدیث را از سه کتاب گرفته و اختلافات جزئی آنها را نیز یادآور شده است، و آن سه کتاب اینها است: «المجموع الرائق» و «المحتضر» و «بحر المناقب»

ص: ۵۰

۱- (۱) - گویا چندی پس از مجلد دوم «شرح کتاب التّوحيد» که در پنجم محرّم الحرام آن سال - هم در اصفهان - به پایان برده است. او در شرح حدیث بیست و پنجم از «شرح الأربعین حدیثاً» فرماید: «... ایام وقوفی یا صبهان - المحروسه - لبعض دواعی الضّروره...». اما دانسته نیست که مرادش در اینجا سال (۱۰۹۹) است یا (۱۰۹۶) که در آن سال هم در اصفهان بوده، یا جز این دو سفر.

درویش بُرهان «ناشناخته» که نامش علی فرزند ابراهیم، از مردم سدهٔ دهم، و نسخهٔ عربی کتابش در دست شارح بوده، و اینک تنها ترجمهٔ ملخص آن به فارسی به نام «دُرّ بحر مناقب» موجود و به سال (۱۳۱۳ ق) در تبریز چاپ شده است: (إحياء الدّائر: ۱۵۱) (۱).

آغاز: «بسم. الحمد لله مُدير الأديار و معيد الأكوار طبقاً عن طبق».

شارح سعید، در آغاز، مقدمه ای نهاده و در آن دو مطلب آورده است:

مطلب یکم: به منظور کشف حجاب و رفع عُجاب از غرائب حدیث غمامه، تعداد چهل حدیث کوتاه گویای مناقب و مقامات والای معصومین علیهم السلام را - عموماً از کتاب «بصائر الدرجات» صفّار، علیه الرحمه - نقل کرده و در حواشی، برخی توضیحات دربارهٔ آنها داده است.

مطلب دوم: تمهیدات شش گانه ای برای روشن شدن ذهن خوانندهٔ کتاب نوشته و در آن از سخنان ابن عربی اندلسی و در حواشی از اشعار «مثنوی» استفاده کرده است.

در آخرین تمهید، خبری را از کتاب «مصباح الأنوار» و «الخراج و الجرائح» آورده و در حاشیه گفته است: «مصباح الأنوار تصنیف الشیخ أبو جعفر الطوسی (ره) و الخرائج للقطب الراوندی، أعلى الله مقامه. منه».

امّا «مصباح الأنوار» از شیخ الطائفه - قدس سره - نیست، بلکه از شیخ هاشم بن محمّد است، چنان که در «ذریعه» و «ثقات عیون» فرموده اند.

مقدمهٔ «شرح حدیث الغمامه» سی و چهار صفحهٔ نسخه را در بر گرفته است.

سپس، شارح وارد اصل مطلب شده و گوید:

«خبر الغمامه من إعجاز مولانا و سیدنا أمير المؤمنين، صلوات الله و سلامه عليه».

ص: ۵۱

۱- ((۱)) - خبر غمامه در «المجموع الرائق ۲: ۳۲۷ - ۳۳۹، چاپ تهران، ۱۴۱۷ ق» و «المحتضر: ۷۱ - ۷۶، چاپ بسیار ناقص نجف اشرف، ۱۳۷۰ ق» آمده است.

أقول: هذا الخبر كالمستفيض عند جمهور الخاصه... وقد ذكر هذا الخبر أكثر علمائنا بأسانيدهم المعتمده في أكثر كتبهم المدونه سيما شيخنا الصدوق القمي - رض - في كتابه المسمى بمجموع الزائق...».

واضح است كه ادعاء مستفيض بودن خبر غمامه و اين كه اكثر علماء ما به اسانيد معتبره در اكثر كتبشان آن را آورده باشند، شامل چند گونه اغراق و مبالغه است، و نسبت دادن كتاب «المجموع الزائق» به شيخ صدوق قمي - رضی الله عنه - نیز نادرست است، و از «رياض العلماء» مستفاد می شود كه اين نادرستی شایع بوده است یعنی اين كه آن كتاب را كه مؤلفش سيد هبه الله موسوی «سده ۷ - ۸» است، در آن زمانها برخی به شيخ صدوق، و برخی به شيخ مفید نسبت می داده اند. بگذریم.

شارح، عبارات حدیث غمامه را - جمله، جمله - با عنوان «متن» آورده و شرح کرده است. در نسخه، همه جا عبارات متن به سرخی نوشته شده است.

او در سخنان خود، علاوه بر استفاده از اخبار و احادیث اهل بیت عليهم السلام و كتب ادب و آداب، مکرر از كلام ابن عربی اندلسی نیز - با تجلیل و تقدیس - استفاده می کند، رویه ای كه در دیگر تألیفات خود به كار برده است. از اشعار «مثنوی» و جز آن نیز گاه در متن و گاه در حاشیه به استشهاد می آورد.

شارح، پس از اتمام شرح خبر غمامه، باز برای تأیید صحت مضامین آن خبر، «خطبه البيان (۱)» معروف را - با ادعاء استفاضه - با توضیحاتی آورده، و سپس همچنان با

ص: ۵۲

۱- (۱) - برای معرفی اجمالی و مهم این خطبه و شروح آن به «الذریعه ۱۳: ۲۱۸ و ش ۷۷۵ تا ۷۷۷ و نیز ۷: ۲۰۰ و ۲۲: ش ۶۸۶۰ و ۲۴: ش ۱۰۹۳» رجوع فرمایند. علامه مجلسی «علیه الرحمه» در كتاب شریف «بحار الأنوار»، «خطبه البيان» و امثال آنرا از غالیان و اشباه آنان دانسته اند: «و ما ورد من الأخبار الدالّة علی ذلك كخطبه البيان و أمثالها فلا يوجد إلا فی كتب الغلاة و أشباههم...». كتاب الامامه، باب نفی الغلو فی النبی والأئمّه... در «فذلکة» توضیح درباره غلو و تفویض: بحار ۲۵: ۴۸ پ ۳، تهران، ۱۳۸۸.

عنوان «ختامه مسکيه» حدیثی از آخر کتاب «بصائر الدرجات» منقول از صباح المدائنی، از مفضل آورده - و آن در حقیقت، نامه ای است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در پاسخ به نامه مفضل به آن حضرت - که شارح، جمله، جمله، با عنوان «متن» نقل و شرح کرده، و با وصیتی کتاب را به پایان برده است.

نسخه جای گفتگو همانند نسخه دیگر ما «در یک مجموعه» تاریخ ختم تألیف ندارد، و این دو نسخه - تقریباً شبیه یکدیگرند، اما در نسخه سوم ما «در یک مجموعه دیگر» که در بسیاری از جاها با آن دو اختلاف دارد تاریخ پایانش این چنین است:

«... واتفق الفراغ من هذه النمیقه فی سنه ألف و مائه، علی یدی مؤلفه المفتاق إلی رحمه بارئه اللطیف محمّد المدعوّ سعید الشّریف ، عفی الله عنه».

و آغاز هر سه نسخه این گونه است:

«... و أنعم علیّ بإعطاء الرّخصه عام تسع و تسعین من ثانی ألف الهجره، أتیام إقامتی بإصبهان - المحروسه -، حین ما ارتقی العمر درجات الخمسین و وصل إلی إحدى مراقي السّتین...».

از این عبارت و از پایان «مرقاہ الأسرار» که از رسائل «کتاب الأربعین» خود او است معلوم می شود که محمّد سعید به سال یکهزار و چهل و نه (۱۰۴۹) پای به این جهان گزارده است، یعنی دوازده سالی پس از تولّد علامه مجلسی، اعلی الله مقامه.

همین جا یاد آور شویم که این بزرگوار، یعنی مولانا العلامه المجلسی؛ خبر غمازه را در آخر باب چهاردهم مجلد هفتم کتاب شریف «بحار الأنوار» که «باب أتهم علیهم السلام سخر لهم السحاب و یسر لهم الأسباب» است، پس از نقل چهار حدیث، همه از کتاب

«الاختصاص» شیخ مفید - أعلى الله مقامه - فرماید:

«أقول: قال الشيخ حسن بن سليمان - رحمه الله - في كتاب «المختصر»: روى بعض علماء الامامية في كتاب «منهج التحقيق إلى سواء الطريق» باسناده عن سلمان الفارسي».

سپس خبر غمامه را - بتمامه - از آن کتاب، بدون هیچ توضیح و تفسیری، آورده، و در پایان فرموده است:

«أقول: هذا خبرٌ غريب لم نره في الأصول التي عندنا ولا نردّها و نردّ علمها إليهم عليهم السلام» (۱):

«بحارالانوار ۲۷: ۳۳ - ۴۰، چاپ دارالکتب الاسلامیه، طهران، ۱۳۹۰».

پس باید از جناب سعید که این «خبر غریب» را - ولو بمذاق دور از متعارف - شرح و تأویل نموده است، سپاسگزار بود. رحمه الله علیه.

شارح در آخرین صفحه کتاب، پس از وصیتی به برادران ایمانی در اذعان و اعتراف به مقامات شامخه و معجزات باهره ائمه اطهار علیهم السلام و تحذیر از تأمل و انکار، گفته است:

«ولیکن هذا آخر ما أردنا إيراده من كشف بعض أسرار هذا الخبر، فإن أصبنا في ذلك فمن الله الأكبر و من أنوار الأئمة الاثني عشر، و إن أخطأنا فمن أنفسنا منبع الشرّ و الضّرر، و نستغفر الله من هفوات اللسان و ترّهات أهل الشكّ و العدوان، و من الله أسأل العصمه عن الخطاء، و إلى الله المشتكى. إلى هنا آخر كلام الشارح العلامة، رحمه الله».

ص: ۵۴

۱- (۱) - مرحوم حاج امین الشریعه خوئی در کتاب «میزان الصواب ۲: ۷۹۰، تهران، ۸۴ ش» خبر غمامه را با ترجمه و شرح آورده و در (ص ۷۹۵) گوید: «... پس شروع به ذکر حدیث غمامه کرده و آن حدیثی است که مجلسی در «عین الحیات» آن را با ترجمه ذکر و روایت کرده است و شیخ جلیل صدوق به اسناد خود و در کتاب مجموع الواثق من أنهار الحدائق...». اغلاط چاپی و غیره فراوان است، و ادعای وجود حدیث غمامه و ترجمه آن در کتاب شریف «عین الحیات» علامه مجلسی - قدس سره - به اثبات نرسید.

نسخه: بخط محمد باقر اصفهانی «فرزند احمد، غفر الله له». تاریخ پایان استنساخ:

پسین روز دوشنبه دهم صفر المظفر (۱۲۱۶). دارای ۱۱۳ برگ و چند برگ بیاض عطف و بدرقه. حجم: جیبی. اثر مقابله و تصحیح ندارد.

کاتب در طرزه صفحه نخست به سرخی نوشته است:

«هذه رساله الحادیه عشر من رسائل الأربعینات» للمولی الكامل العارف الکاشف قاضی سعید القمی، و هی شرح خبر الغمامه من إعجاز مولانا و سیدنا امیر المؤمنین، صلوات الله و سلامه علیه».

مهر کاتب در گوشه همان صفحه «لا إله إلا الله الملك الحق المبین. عبده محمد باقر» نقش بسته است.

گویا نسخه ما از «کتاب الأربعینات» به دستور همین شخص نوشته شده است.

دو نسخه دیگر از «شرح حدیث الغمامه» که در مجموعه ها بیابند:

۱ - نسخه ضمیمه «دلائل الإمامه» طبری.

۲ - نسخه میان «أسرار العبادات» و «شرح الأربعین حدیثاً».

در «فهرستگان نسخه های خطی ۴: ش ۱۷۷۶» چهل و یک نسخه از این اثر را شناسانده اند.

و صلی الله علی محمد المصطفی و آله الطاهرین.

ص: ۵۵

«تونیّه»

در بیان احوال و آثار

ملا محمد علی بن محمد رضا تونی خراسانی

از دانشمندان عصر صفویه و افشار در قرن دوازدهم

«یادداشت‌های تاریخی او و فوائد ضمنی دیگر»

ص: ۵۷

ملا محمد علی تونی خراسانی

از دانشمندان اواخر صفویّه تا عصر افشار

مقصد اصلی این مقاله شناساندن یکی از فضلاء گمنام اصفهان در سده دوازدهم هجری قمری، یعنی آخوند ملا محمد علی خراسانی «تونی طبسی» است، و چون نخستین بار نام آن مرحوم بمناسبت این که تاریخ دقیق درگذشت عالم بزرگ شیخ الاسلام میرمحمد حسین بن محمد صالح خاتونابادی تنها بخط او یافت شده، مطرح گردیده است، بنظر رسید که در آغاز، چند سطر دربارۀ خاندان شریف سادات خاتونابادی و پایان دوره صفوی نوشته، سپس وارد اصل مطلب شویم، و مِنَ اللَّهِ التَّوْفِيقُ.

خاندان علمی و روحانی سادات حسینی خاتونابادی اصفهان از عصر مرحوم علامه مجلسی مولانا محمد باقر بن محمد تقی «۱۰۳۷ - ۱۱۱۰» تا چند قرن، شهرت و اعتبار بسزایی داشته و ذکر خیر آنان در عموم کتب تراجم و انساب، سیما، اجازه نامه های روایتی دو سه قرن اخیر حضوری چشمگیر دارد، «روضاتی: دو گفتار یکم، ۱۳۷۸». بخصوص که یکی از سرآمدانشان مرحوم میر محمد صالح - صاحب کتاب «حدائق المقرّبین: فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان: ش ۲۵، اصفهان، ۱۳۴۱» - به همسری یکی از صباای علامه مجلسی نائل گردیده و مادر آن کریمه هم خواهر علامه جلیل میر سید علاءالدین گلستانه «متوفی ۱۱۰۰ تمام» از شارحان بنام

«نهج البلاغه» و از خاندانهای سادات اصیل و عریق اصفهان بوده است.

از چنان پدر و مادرِ والاگهر فرزندی بنام میر محمد حسین پدید آمد که - بالأخره -

عالم ممتاز و نامدار زمان خود و به دامادی خالویش ملا محمد صادق فرزند علامه مجلسی «کواکب منتشره: ۲۶۵» مباحی گردید، و در اصفهان به اقامه جمعه و جماعت و دیگر انواع افاضات پرداخت و چندین تألیف مفید به فارسی و عربی از خود بجای گذارد، و در سالهای پایانی حیات، منصب شیخ الاسلامی به وی تفویض شد، که پدر نیز امام جمعه و هم شیخ الاسلام بود.

شیخ الاسلامی میر محمد صالح از روز چهارشنبه نوزدهم ذی القعدة ۱۱۱۵ به سن ۵۸ سالگی، تا روز چهارشنبه پنجم ربیع دوم ۱۱۲۴ که مورد بی مهری و قهر شاه قرار گرفت، ادامه یافت، و پس از آن رنجیده خاطر و خانه نشین شد، و دو سالی بعد، در نیمه نخست ۱۱۲۶ در گذشت، و منصب شیخ الاسلامی در ماه رجب آن سال (تا ۱۱۲۷) به ملا محمد حسین بن ملا شاه محمد تبریزی - که آن بیت نیز داستانی دیگر دارد - واگذار شد، و چیزی نگذشت که شاه به عقوبت گرفتار و اسیر سرپنجه مهاجمان خونخوار گردید!

توضیح آن که نوشته اند: به تحریک شاه عالم هندی دومین پسر اورنگ زیب - که در سال ۱۱۲۴ پسرش معزالدین او را کشت - و احتمالاً به اشاره برخی دول پر حیلہ فرنگ،

میرویس غلزایی در سر حدّات ایران فتنه گری آغاز کرد و پس از مرگ او (در ۱۱۲۷) فرزندش شورش محمود فتنه را به انجام رسانید با شورش و یورش که از ۱۱۳۴ تا ۱۱۴۲ به مدت هشت سال، کمابیش سراسر ایرانزمین را فراگرفت و مردم بسیاری را نابود کرد و همه چیز را به تاراج داد، و افزون از دیگر جاها شهر اصفهان دستخوش هرگونه بیچارگی و زبونی شد، و شرح آن ماجرای خونبار در کتب تاریخی بسیار آمده است.

سال ۱۱۳۴، بتقریب، در آستانه سی امین سال شاهی سلطان حسین صفوی بود، سی سالی که به یمن توجه و گرایش خاص و عام، بسی از بزرگترین عالمان و فاضلان در اصفهان و جاهای دیگر ایران - عموماً - در کمال عزت و احترام می زیستند و به وظائف مهمّ الهی خود مشغول بودند:

ترویج شرع انور، حفظ حریم احکام، بیان حلال و حرام، دادخواهی و دادگستری، تدریس و تعلیم انواع دانشها، تألیف و تصنیف کتابهای خرد و کلان فارسی و عربی، بخصوص اهتمام تمام در اداره بازار گرم آموزش و پرورش طالبان علم بی شمار و فاضلان نامدار در مدارس فراوانی که در دوران صفوی ساخته و آماده شده بود.

بناگاه، آن موج سهمگین یورش یاغیان غلزایی پدیدار شد و اصفهان عزیز را همچون نگینی در محاصره گرفته، روزگار را بر مردم آسوده، سخت و تیره و تار کرد، و عاقبت در چهاردهم محرم الحرام ۱۱۳۵، شهر بدست آن مهاجمان سنگدل افتاد.

سوی کتابهایی که به نظم یا نثر، به نحو مستقل یا ضمنی «همانند تاریخ افغان سید جمال الدین» سرگذشت آن حادثه خونبار را نوشته اند، تنی چند از عالمان و مردم گرفتار در صحنه محاصره و پی آمدهای آن، در گوشه و کنار کتب و دفاتر خود وقایعی را یادداشت و ثبت و ضبط کرده اند. برخی از آنها بنظر شریف مرحوم آیه الله العظمی صاحب روّضات الجنّات «اعلی الله مقامه» رسیده و در چند جای آن کتاب عزیز نقل فرموده اند.

از جمله آنها مطالبی است که از نوشته های همان میر محمد حسین خاتونابادی و جز او، در شرح حال مرحوم آخوند ملا اسماعیل خاجویی آورده اند: «روضات الجنات. مجلد اول. شماره ۳۲. صفحه ۲۹۶ به بعد. چاپ اصفهان. ۱۳۴۱ ش. تحقیق و شرح سید محمد علی روضاتی».

و از جمله آنها یادداشتی است (به فارسی) از مرحوم آخوند ملا محمد علی بن محمد رضای طبسی تونی - که موضوع اصلی این مقاله است - در خصوص تاریخ فوت آقا میر محمد حسین که در همان کتاب «روضات الجنات، صفحه ۱۹۷ (عنوان ۲۲۱)، چاپ دوم سنگی تهران به سال ۱۳۶۷ ق، بتصحیح این ضعیف» در شرح حال خود آن مرحوم، در حاشیه صفحه یاد شده، بزبان عربی در آورده و این گونه فرموده اند:

«ثم إنني رأيت - بعد مضي سنين عديدة من زمن هذا التأليف - على ظهر كتاب النهايه في شرح الهدايه في النحو للمولى محمد علي بن محمد رضا التوني - من علماء زمان خروج الأفغنه و أواخر السلاطين الصفوييه - بخطه الشريف ما صورته بالعربيه: و في ليله يوم الاثنين الثالث و العشرين من شوال سنه إحدى و خمسين بعد مائه و ألف توفى شيخ الاسلام والمسلمين المير محمد حسين ابن أخت مولانا محمد باقر المجلسي و خلفه المرحوم المير محمد صالح الخاتونابادي و نقل نعشه الشريف في يوم الجمعة من ذلك الأسبوع إلى المشهد المقدس الرضوي، على مشرفه السلام. و كان ما ذكره في حقه هو الحق الحقيقي بالتقبل و الإستسلام. منه».

عين عبارت مرحوم ملا محمد علی را پس از این می آوریم، و لازم است در اینجا مطلبی را به صراحت و روشنی بنویسیم، و آن این که تاریخ فوت مرحوم میر محمد حسین تا سالها پس از تألیف روضات بر مصنف معظم آن کتاب، معلوم نبوده چنان که در متن، وفاتش را یا در عین فتنه و یا پس از آن در زمان نادرشاه افشار

«مقتول در ۱۱۶۰ بشصت سالگی» احتمال داده اند، تا آنکه که یادداشت ملا محمد علی را در لابلای انبوه نوشته های او یافته و در حاشیه کتاب آورده اند.

این عدم اطلاع از تاریخ دقیق فوت میر محمد حسین عمومیت داشته و در هیچ کتابی و از هیچ مأخذ دیگری - جز از همین حاشیه روضات - دیده نشده است، چنان که علامه بزرگ صاحب «الذریعه» در مواضع عدیده به این مطلب تصریح فرموده اند، و اگر کسی از منسوبین گرامی آن مرحوم یا از شاگردان و معاصرانش آن را در جایی نوشته باشد، تا زمان حاضر چنان مأخذی بدست نیامده است، جز آنچه در این اواخر، تنها سال فوت - بدون تعیین روز و ماه - در کتاب «نجوم السماء» به نقل از تذکره «ریاض الشعراء»، و همچنین در مراثی منظوم مشتاق اصفهانی در دیوانش، به نظر رسید.

«ریاض الشعراء» از علی قلی داغستانی متخلص به واله است که در اصفهان، حدود ۱۱۲۴ متولد شده، و همچون مشتاق، دوران نکبت و قتل و غارت را در همین دیار بسر برده و در ایام جوانی به هند رفته مقاماتی یافت و در (۱۱۷۰) درگذشت. آزاد بلگرامی در «خزانه عامره» گفته است:

ظفر جنگ، امیر گهر سنج معنی بحکم قضا، از جهان کرد رحلت

طلب کرده دل سال تاریخ فوتش خرد گفت: پیوست واله برحمت

اما سروده مشتاق در سوک مرحوم میرمحمد حسین، آغاز و انجامش این است:

آه که آخر کسوف، کرد ز جور فلک مهر جهانتاب علم، میرمحمد حسین

خامه مشتاق گفت، از پی تاریخ سال: شد بسرای جنان، میرمحمد حسین

این رثاء هفت بیتی از مرحوم میر سید علی متخلص به مشتاق، از سادات حسینی اصفهان و از دانشمندان فاضل این سامان است، که او نیز معاصر آقا میرمحمد حسین بوده و بنا بگفته صدیقش مرحوم ملا حسین رفیق «شاعر اصفهانی متوفی ۱۲۲۶»، در سال ۱۱۷۱ - سال پس از فوت واله - در گذشته است:

از این مقدمه که بگذریم باید به اصل مطلب پردازیم، و بهتر است از معرّفی کتاب «النهایه فی شرح الهدایه» و نسخه آن - که اینک در دست نویسنده این مقال است - آغاز کرده یادداشتهای مکتوب تاریخی در اوراق اوّل و آخر را - با برخی توضیحات - بیاوریم، که بخصوص، چند یادداشت، منحصر به فرد و دارای اهمّیت بسیار است، مانند داستان شهادت مرحوم شیخ محمّد جعفر و فرزندانش، که حضور عالمی جلیل را - بنا بر احساس وظیفه و مسؤولیت شرعی - در معرکه گلناباد و دفاع از وطن و اهل میهن، خبر می دهد و مایه مباهات است.

پس از آن، احوال و آثار دیگر مؤلف را تا آنجا که آگاه شده ایم می شناسانیم، و ناگفته نگذاریم که برخی از یادداشتهای نقل شده چندان ارزش تاریخی ندارد، لکن بهر حال، بیانگر گوشه هایی از اوضاع و احوال عالمی جلیل در برهه ای از دوران گذشته است.

«الهدایه فی النحو» که «النهایه» شرح مزجی آن است، نزد مشتغلان بدانش نحو زبان عربی در بین مختصرات درسی مقدّماتی بسی معروف بوده و صلاح الدین صفدی ادیب مورّخ نامدار «متوفی بسال ۷۶۴» در کتاب «الوافی بالوفیات، جلد ۱۸ شماره ۴۸» در ذیل عنوان عبدالجلیل بن فیروز بن الحسن الغزنوی، کتابی بهمین عنوان «الهدایه فی النحو» را از آثار او برشمرده، و این سخن از آنجا در «بُغیة الوُعاة ۲: ۷۳» سیوطی، و از آن در «روضات الجنّات: ص ۴۰۷ (ضمن شماره ۴۳۲)، چاپ سنگی دوم» نقل گردیده است. کتاب را در «الذریعه اشتراکی ۲۴: ش ۲۱۴۰ و ۲۵: ص ۱۶۵ ش ۷۶» مطرح نموده و جز عبدالجلیل به چند تن دیگر هم نسبت داده و از شرح چاپ شده ای نیز یاد کرده اند.

ملاحظه و مطالعه تصویر دو صفحه فهرست مطالب و صفحات سه گانه سرآغاز «النهایه» که همه بخط شخص مؤلف است برای معرّفی کفایت می کند.

نسخه اصل کتاب «النهایه، فی شرح الهدایه - او - مُفید الطالب فی معرفه الإعراب»، در جلد اصلی تیماج فرسوده، حجم وزیری کامل، دارای یکصد و نود و هشت برگ با احتساب اوراق عطف و بدرقه است. خط نسخ جلی مؤلف، مزین به سنگرف.

یادداشتهای گوناگون نسخه النهایه

برگ یکم: عطف الحاقی است و تنها دارای نوشته تملک «محمد علی الموسوی ۱۲۲۲».

برگ دوم: نخستین برگ عطف اصلی است. یادداشتهای شخص مؤلف از روی این برگ چنین است:

۱ - «یادداشت کتب چندی که در نزد جمعی از احبّاء است: جمال الصالحین، نزد فضیلت پناه آقابابا. حاشیه ملا عبدالرزاق بر...، سید ابوالقاسم. و کتاب اصول اصیله مع نُخبه، نزد حضرت استادی - دام فضله - صدرالدین محمد. و کتاب ردّ بر...، تألیف علیقلی بیگ دیلماج، نزد سعادت پناه سید ابوتراب. و دعوات، نزد ملا حسین همشیره زاده ملا اسحق».

۲ - «کتاب ابن عقیل، مخدومی آقابابا ولد صاحبی مولانا محمد طاهر - سلمهما الله تعالی - بعاریه گرفتند بتاريخ شب یکشنبه... شهر جمادی الاولی سنه ۱۱۵۵. پس آورد».

۳ - «حاشیه میرزا ابراهیم بر خفّری و کتاب ردّ بر نصاریّ تألیف علیقلی بیگ جدیدالاسلام، مدتها است که نزد سیادت پناه سید ابوالقاسم ولد مرحوم سید سلیمان نجفی است بعنوان امانت...».

سیاسگزاری پندآموز مجتهد والامقام آقا میرزا سید محمد هاشم «۳۱ ساله» از حق نعمت عظمای وجود پدر بزرگوار «۷۵ ساله»
و امتثال امر ایشان (در ۱۲۶۶ ق). «انجامه نسخه نقد الأصول»

ص: ۶۵

توضیح دهیم که در زمان شاه سلطان حسین به فرمان پادشاه پرتغال، یکنفر کشیش پرتغالی بنام «انتونیو دو ژزو» با عنوان «مبلغ مذهبی» به اصفهان آمده و پس از چندی که رئیس دیر مسیحیان بود متمایل به اسلام شده و در آغاز ربيع یکم سال ۱۱۰۹ «سال پیش از وفات علامه مجلسی»، رسماً [دین مسیح را نفی] و [پس از اختیار کردن اسلام نامش را به علی قلی بیگ تغییر داد و از آن پس از مقربان شاه گردیده در سال ۱۱۱۳ به کار مترجمی شاه گمارده شد که تا سال ۱۱۳۴ این کار ادامه داشت] و [بعد از آن هیچ گونه اطلاعی از او در دست نیست]!

از علی قلی بیگ دیلماج جدیدالاسلام چند کتاب در ردّ بر نصّارا و جز آن باقی است که یکی از آنها یعنی «سیف المؤمنین فی قتال المشرکین» را استاد محقق توانا آقای حاج شیخ رسول جعفریان اصفهانی در بیش از هفتصد صفحه به چاپ رسانیده «قم، ۱۳۷۵ ش» و مقدمه الطبع آن را در دفتر دوم مقالات تاریخی خودشان نیز تجدید نمودند. توضیح بالا از همان نوشته های ایشان گزین شد. بعد ذلک، در این ایام خبر دادند که یک نفر کشیش مسیحی نامه ای با تاریخ دهم مارس ۱۷۳۴ «که مطابق ماه شوال ۱۱۴۶ باشد» از اصفهان به هلند فرستاده و در آن در گذشت علی قلی بیگ را با قید کلمه «مرتد»، در همان روزها، نوشته است. نامه را به تازگی در هلند پیدا کرده اند (۱).

ص: ۶۷

۱- (۱) - در نزدیکی چهارسوی شیرازیهای ما کوچه ای است «شرقی - غربی» به مُحاذاتِ خیابانی که در قدیم معروف به «خیابان» مطلق یا «خیابان خُشک» بوده و سپس «خوش» و بعد «شاه» و اینک «طالقانی» گردیده، و آن کوچه از دیرباز به «کوچه علی قلی بیگ» شهرت داشته و دارد. می توان گفت که مسکن و مأوای جدیدالاسلام در همین کوچه بوده و بسبب آن بنام او خوانده شده است. در اواسط سده سیزدهم هجری قمری که نیاکان گرامی ما - بالمرّه - از خوانسار اعراض نموده و به اصفهان هجرت کردند و همگی در همین محله چهارسوی شیرازیها سُکنی گزیدند، یکی از چهار برادر بزرگوار یعنی آیه الله العظمی آقا میرزا سید محمّد هاشم «قدّس سرّه» در کوچه علی قلی بیگ منزلی اختیار فرمود و چند باب خانه آن مرحوم و فرزندان و فرزندزادگان گرامی تا این اواخر در همان کوچه قرار داشت. آقای بزرگوار، سالیانی پس از استقرار در اینجا و مرجعیت مطلق، به همّت والای خود

بازگردیم به یادداشتهای روی برگ دوم «النهاییه»:

۴ - «شرح شیوطی، محشی ملا عباس، نزد آخوند ملا حسین، مدرسه حاج اسماعیل، ایضاً شرح جامی».

مدرسه حاج اسماعیل باید همان مدرسه اسماعیلیه واقع در محله قصر منشی باشد.

۵ - «کتاب شافیه و کتاب کافیه، نزد آقا جعفر، خویش آقایی، است».

۶ - «... شهیل، شب دوشنبه بیست و پنجم شهر شعبان سنه یکهزار و یکصد و پنجاه و نه، اما بنده هرچند وقت اذان صبح متوجه و متفحص شدم ندیدم تا آنکه اول طلوع صبح دوشنبه دویم ماه مبارک دیدم».

۷ - «بتاریخ عصر روز یکشنبه بیست و ششم شهر جمادی [کذا] من شهر سنه خمس و خمسين و مائه بعد الألف، میر محمد هادی ولد میر محمد مهدی - سلمه الله تعالی - از محله کرک دوان [گرگ دوان] روانه عتبات عالیات شدند امید که سلامتی بزیارت مقبوله مشرف شده با اهل و عیالشان [ظ] وطن مألوف خود مراجعت نماید. (۱)

این سید بزرگوار - میر محمد هادی - را پس از این، در منقولات از «الذریعه»، بهتر می شناسیم.

ص: ۶۸

۱- (۱) راجع به بازی گرگ دوانی رجوع فرماید به کتاب «دستور شهر یاران: ۵۱ و تعلیقات آن: ۲۸۸».

جاهای ساییدگی کنار برگ دوم که نوشته آن محو شده است با سه نقطه مشخص گردید.

نوشته پشت برگ دوم:

«ابتداء شروع بکار فرزندی محمدرضا نزد آقا کلبعلی و آقا مهدی بعد از آن که قریب به چهار سال نزد آقا محمّد علی زرکش رفته بود، اواخر ماه جمادی الاولی من شهر سنه یکهزار و یکصد و پنجاه و پنجم واقع، بجهت یادداشت نوشته شد. بتاریخ بیست و دویم شهر صفر سنه یکهزار و یکصد و پنجاه و هفتم روانه اردو بسمت تبریز شد، امید که بصحت و سلامت برگردد. بتاریخ پنجم شهر شعبان خبر وفات او از فارس به این غریب حزین با غم قرین رسید در همان سال. الهی خداوند عالم هیچ پدری را بدرد فراق چنین فرزندی مبتلا نگرداند یا آنکه صبر جمیل و جزای جزیل کرامت فرماید. هرچند می گویم الحکم لله و انا لله و انا الیه راجعون و هیچ احدی را گزیری از حکم الهی نیست، اما هر وقت این امر هایل را بخاطر می آورم گویا پاره آتشی بر دل و جگر می گذارند که صدای کباب شدن آن را می شنوم.

تا کسی بدرد من نرسد نمی داند که این چه دردیست. الهی درجات او را و برادر و مادر و پدر او را عالی گردان، و چنانکه من از ایشان راضی ام تو نیز راضی باش، و حشر ما و ایشان با ائمه هدی کن».

برگ سوم: در پشت و روی آن فهرست کتاب هدایه النحو است و در بالای دومین صفحه فهرست چنین نوشته:

«روی محمّد بن شهر آشوب فی کتاب المناقب أنّ للرسول - صلی الله علیه و آله - اربعه آلاف و اربعمائه و اربعین مُعجَزًا، ذکر من منها ثلثه آلاف. نقلت من کتاب «إرشاد المسترشدين» لأستادی المحدث العالم الفاضل الزاهد حاجی محمّد حسین البغمجی المشهدی. البغمج من قری مشهد الرضا علیه السلام».

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْكفيل. بتاريخ شهر صفر سنه هزار و صد و پنجاه و شش یک مجلد قرآن رحلی جلی مذهب با یک مجلد شرح لمعه تمام جلد ابری، نزد حضرت صلاحیت و تقوی شعاری حاجی محمد جعفر جدید الاسلام - وفقه الملك العلام و حشره مع الأئمه [كذا] الأنام عليهم السلام - بعنوان رهن بمبلغ پنج هزار دینار رایج الوقت سپرده شد. و بتاريخ ماه مولود سنه مذکور قلابه ضعیفه که مشتمل بر پنجاه و دو دانه بود و با دو دانه از سر آن بوزن پنج مثقال و نیم بود با سنگ تسلیم حضرت اخوت و صلاحیت و تقوی شعار آقا محمد جعفر ولد حاج الحرمین الشریفین حاج محمد زمان بزاز نزد ضعیفه رهن گذاشته اند. بمبلغ پنجهزار و سه عباسی. خداوند عالم سببی بسازد که از خجالت برآیم. این دو کلمه بر سبیل یادداشت قلمی شد. در ۲۵ شهر مولود سنه مذکور وجه داده شد و رهن را واپس گرفتیم. الحمد لله رب العالمین.»

«بتاریخ سنه ۱۱۴۴ هزار و یکصد و چهل و چهار طرف صبح روز پنجشنبه ششم شهر ذیقعده الحرام در خدمت عالیحضرت مخدومی میرزا محمد مقیم خلف مرحوم میرزا صادق جویمندی جنابدی - دام عزه - از دارالسلطنه اصفهان از محله گُرک دوان روانه ولایت خراسان گردیدم و روز چهارشنبه سیم شهر ذی حجه نزدیک مغرب داخل قصبه رقه من توابع تون و طبس کیلک شدم که مسقط الرأس فقیر و محل سکناي خویش و قوم این حقیر بود بجهت صله رحم و دوازدهم شهر محرم سنه هزار و یکصد و چهل و پنج از رقه روانه مشهد مقدس شده و از فیض آباد محولات ترشیز در خدمت حضرت اخوت و فضیلت پناه مولانا محمد باقر ابن المرحوم استاد درویش علی صباغ بوده روز نهم شهر صفر داخل مشهد مقدس شده مدرسه فاضلخان - رحمه الله - را منزل نمودیم و روز سه شنبه دوازدهم ربیع الاول روانه ولایت گردید و طلوع آفتاب روز دوشنبه غزه

شهر ربیع الثانی وارد قصبه رقه گردیده بخدمت والده و اخوی عبدالکریم و سه همشیره با فرزندان ایشان و خویشان و دوستان و آشنایان آن محل و غیر آن مشرف شد. امید که همه غربا را صله ارحام روزی گرداند. کتبه العبد محمد علی».

«والحال که ماه جمادی الاولی سنه ۱۱۵۵ حیات باقی است».

«والحال که سنه ۱۱۵۸ حیات مُستعار برقرار بتاریخ شهر شوال سنه مذکوره فوق و از فوت نورچشمی محمدرضا پانزده ماه گذشته و ماه چهارم بود که اخوی ام بعتبات عالیات تشریف برده».

«بعد از ظهر روز یکشنبه هیجدهم شهر جمادی الاولی سنه ۱۱۵۵ گرد و غبار بسیار و رعد و باران در اصفهان واقع شد و در روز دوشنبه طرف عصر نیز باران بارید. ان شاء الله باران رحمت باشد نه غضب».

پشت برگ چهارم: هیچ یادداشتی ندارد.

برگ پنجم: مطلب تاریخی ندارد.

برگ ششم: سرآغاز اصل کتاب است و گوشه بالا از دو طرف بریده شده است.

روی برگ ششم: یادداشتهای پراکنده غیر تاریخی دارد و این صورت ملکیت:

«از آقا میرزا کوچک ابتیاع شد العبد المذنب الاثم الجانی ابن امامقلی الاصفهانی (مُهر: عبده محمد حسن) سنه ۲۰۰ [۱۲۰۰]».

گفتیم که اصل کتاب النهایه از پشت برگ ششم آغاز و به روی برگ یکصد و نود و سوم پایان می یابد. مطالب تاریخی را که گاه در حواشی اصل به چشم می خورد پس از این می آوریم، و اینک یادداشتهای آخر کتاب:

روی برگ ۱۹۳ که صفحه پایانی اصل کتاب است، مطالب زیر را در حاشیه ها نوشته است:

[داستان کشتن شاه سلطان حسین و کسانش]

۱ - «قد قُتل أربع من إخوانه العظام و أربع و عشرون من أولاده الكرام قبله، يوم الأربعاء الثالث و العشرين من شهر جمادى الأولى من شهر سنة سبع و ثلثین و مائه بعد الألف سنة ۱۱۳۷، بأمر فرعون دهره و یزید عصره مردود ابن المردود. طیب الله مضاجعهم و ثراهم و جعل الجنة مآواهم و حشرهم مع موالیهم المظلومین المعصومین، هنيئاً لهم إرث أجدادهم و طوبى لهم يوم میعادهم. و سحفاً لمردود الكافر، و تاریخ ذالفعل الظاهر [كذا].»

«ثم ألحق بهم و بأمر المؤمنين - عليه السلام - في هذه السنة يوم الأربعاء أصيلاً صائمين ليله السابع عشر شهر رمضان المبارك جمع من أتباعهم و هم:

محمدقلى خان، و شيخ عليخان، و مصطفى قليخان، و فرج الله خان، و محمد حسين خان، من الأمراء العظام، و الله و یردى بيك الناظر، و مهردار، و حكيم باشى و غيرهم؛ على يد أردل عبادالله.

اللهم اغفر لهم و ألحقهم بمن يتولونهم».

«ثم أمر بقتل ملك الاسلام والمسلمين و سلاله ملوك [كذا] الماضين بعد خروجه في المره الثانيه من اصفهان للحرب مع الروميين، و قد قُتل مظلوماً يوم الثلاثاء الثانى

والعشرين من شهر محرم الحرام سنه أربعين و مائه بعد الألف. فما أشبه أحواله بأحوال جدّه الحسين - عليه السلام - في قتل أولاده و إخوانه و نهب أمواله و سبى ذراريه و نسائه و دفنه بغير غسل و كفن في شهر المحرم. ثم نُقل إلى قَم عند آبائه و غُسل و كُفن و دُفن. رحمه الله عليه و حشره و مواليه من الائمه الطاهرين».

نویسنده - علیه الرحمه - این مطالب را بعَلت خوف و تقیه به عربی نوشته است.

۲ - «داخل کردن سید احمدخان ولد میرزا ابوالقاسم ولد میرزا داود متولی استانه... حضرت امام رضا - علیه السلام - بشهر اصفهان، در چهار ساعتی روز دوشنبه شانزدهم شهر محرم الحرام. قتله مع جمع آخر، يوم الأحد الثانی والعشرين من شهر [كذا] المذكور، أعنى محرم الحرام سنه ۱۱۴۱، أحد [كذا] و أربعين و مائه بعد الألف. رحمه الله عليهم».

داستان پادشاهی ناموفق میرزا سید احمد خان در کتب تاریخی آن زمان، کمابیش آمده است، مانند «جهانگشای نادری، مجمع التواریخ، آتشکده آذر، مکافاتنامه منظوم، زبور آل داود، و کتب تاریخ کرمان»، برخی به ستایش و برخی به نکوهش. به یادداشت پشت برگ ۱۹۶ نیز رجوع فرمایند.

یادداشتهای پشت برگ ۱۹۳:

۱ - «يوم العيد. عيد الفطر سنه ۱۱۵۱. روز یکشنبه اختلاف عظیمی در رؤیت هلال شوال واقع شد. تا ظهر جمعی و تا عصر جمعی دیگر و تا مغرب جمعی غیر از ایشان افطار نکردند به اعتبار ثبوت و عدم ثبوت. بنده از طائفه آخرین بودم که روز دوشنبه را عید کردم و نماز عید را در تخت فولاد فرادی کردم در حالتی که تنها رفتم بصحرا».

۲ - و در شب [ابتدا روز نوشته بوده است] دوشنبه ۲۳ شهر شوال هذه السنه میر محمد حسین شیخ الاسلام همشیره زاده [اشتباه است و درست: دخترزاده] مولانا محمد باقر مجلسی و خلف مرحوم میر محمد صالح خاتون آبادی شیخ الاسلام، برحمت

حقّ واصل و روز جمعه نغش او را روانه مشهد مقدّس نمودند. رحمه الله عليهم اجمعين».

۳ - «روز بیست و هفتم شهر مذکور بعد از نماز جمعه، حضرات عالیات مودّت سِمات حاجّ الحرمین الشریفین حاجّ عبدالصمد ملقّب به آقابابا و حاجّ محمّد محسن و آقا جواد، روانه عتبات عالیات شدند. امید که حقّ - تعالی - بصحّت و سلامت ایشان را با جمیع زوّار بمقصد رسانیده بزیارت مقبوله مشرف گردانیده به اهل و عیال برگرداند و شرف ملاقات بأحسن جهات، روزی گرداند. این چند کلمه در شب یکشنبه ۲۸ شهر شوّال سنه ۱۱۵۱ قلمی گردید».

۴ - «بتاریخ روز یکشنبه هشتم شهر مذکور از خانه کلبعلی بکک تابین، در چهارسوق آجری نقل بخانه حضرت رفعت و معالی پناه احمدخان بکک نمودیم بعد از آن که بمبلغ دو تومان مرهون شد».

۵ - «وفات مرحوم مغفور آقا حاجی محمّد نقشینه فروش همسایه، در اوّل شب جمعه چهارم شهر ذیقعه سنه ۱۱۵۱».

۶ - «وفات مرحوم آقا جواد، در اواخر شهر محرم الحرام سنه ۱۱۵۲، در چشمه قنبر، بعد از مراجعت از عتبات عالیات واقع شد».

۷ - «خریدن خانه و نقل بآن: شب سه شنبه تحویل شمس به حمل، در اوّل حوت، بتاریخ سیّم شهر محرم الحرام سنه اربع و خمسین و مائه بعد الألف. جعله الله مبارکاً. کتب یوم العاشر من الشهر المذكور فی السنه المسطوره. محمّد علی».

۸ - «وفات مرحوم میر معصوم، ولد میر عبدالحسین خاتون آبادی، بتاریخ ظهر روز جمعه بیست و چهارم شهر جمادی الأولى من شهور سنه ۱۱۵۵ خمس و خمسین و مائه بعد الألف، رخ نمود. امید که حقّ - سبحانه - جمیع محبّان اهل بیت را بیامرزد».

میرمعصوم فرزند صاحب کتاب «وقایع السنین و الأعوام» است. مشتاق دو مادّه تاریخ در وفات او دارد. نخست، رثاء شش بیٹی:

عالم فاضل، جناب میرمعصوم، آن که بود رای او روشن تر از مرآت بود از آفتاب

کلک مشتاق از پی تاریخ فوتش زد رقم: سوی جنت شد ز دنیا سید عالی جناب

از رثاء چهاربیٹی دوم:

کلکم نوشت مشتاق! تاریخ رحلت او: یزدان کند بجنت، مأوای میرمعصوم

۹ - «وفات میر عبدالغنی، پسر میرمعصوم، روز دوشنبه یوم الشکّ رمضان سنه هزار و صد و شصت و یک ۱۱۶۱.

۱۰ - [تکرار]: «وفات مرحوم میر عبدالغنی، ولد میرمعصوم خاتون آبادی، روز دوشنبه سلخ شعبان یا اول رمضان، که اکثر مردم روزه داشتند، در سنه یکهزار و یکصد و شصت و یکم واقع شد، و عمر شریفش هم شصت و یک بود. تاریخ: مغنی».

مغنی مطابق یکهزار و یکصد، و آن سال تولّد میر عبدالغنی است بتصریح «وقایع السنین». مرحوم ملا محمد علی این را از کسی شنیده و لکن دقت نفرموده است. آقا میر عبدالغنی امام جمعه و شیخ الاسلام دارالسلطنه اصفهان بوده اند، «وقایع السنین: ملحقات».

یادداشتهای روی برگ ۱۹۴:

یادداشتهای تاریخی این صفحه از نخستین سال فتنه «۱۱۳۴» تا سال «۱۱۵۵» را در بر می گیرد، اما تمام آنها پیرامون حسابهای مالی شخصی ملا محمد علی است:

«از بابت بیست و سه هزار دینار که از ملا اسماعیل ولد ملا یعقوب قاسم آبادی نهانندی طلب بود چهارهزار دینار بتاریخ یوم الفطر سنه ۱۱۳۴، و بیست و پنج شاهی بتاریخ یوم الفطر سنه ۱۱۳۵ وضع شد. این بر سبیل یادداشت نوشته شده».

ص: ۷۵

«يوم الفطر يوم الجمعة سنة ١١٣٦...»، «يوم الفطر يوم الثلاثاء سنة ١١٣٧...»، «يوم الفطر يوم الأحد سنة ١١٣٨...»، «يوم الفطر يوم الجمعة سنة ١١٣٩...»، «يوم سه شنبه عيد فطر سنة ١١٤٠...»، «شنبه يوم الفطر سنة ١١٤١...»، [سال ١١٤٢ محو است]، «يوم الأحد عيد فطر سنة ١١٤٣...»، «چهارشنبه عيد فطر ١١٤٥...»، «یکشنبه عيد فطر سنة ١١٤٦...»، «جمعه عيد فطر سنة ١١٤٧...»، «سه شنبه يوم الفطر ١١٤٨...»، «يوم السبت يوم العيد للفطر سنة ١١٤٩...»، «يوم الأربعاء يوم عيد الفطر ١١٥٠...»، «يوم الأحد عيد الفطر سنة ١١٥١...»، «يوم الجمعة يوم الفطر سنة ١١٥٥...».

یادداشت‌های پشت برگ ١٩٤:

١ - «شيخ محمد جعفر همدانی که در قلعه طبرک تشریف می دارند - سلمه الله تعالی - در نحو «عوامل منظومه» نوشته اند و خود به فارسی نیز شرح فرموده اند. در اول آن شرح فرموده اند...».

٢ - در بالای نام شیخ محمد جعفر همدانی در حاشیه نوشته است:

«شيخ مرحوم در جنگِ دفاع در گلناباد بدرجه شهادت رسید، چنانچه [چنان که] خواهش او بنابراین بود، در روز یکشنبه نوزدهم شهر جمادی الأول [کذا] سنه ١١٣٤. رحمه الله علیه و علی أمثاله. در صبح یکشنبه در راه [ظ] بخدمت شیخ رسیدم، فرمودند که: از محمد قلی بک غافل مشوید که بسیار آزار دارد، و من استخاره کرده ام که بروم بجنگ و دفاع در گلناباد این آیه آمده است که: «وَ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ [آیه شریفه ٨٤ سوره مبارکه النساء]»، و من واجب می دانم رفتن را.

بنده عرض کردم که: این آیه یا استخاره دلالت دارد بر آنکه شما بمسجد بروید و مردم را تحریض و ترغیب بکنید در موعظه که: هرکس قدرت داشته باشد بر مدافعه باید که برود بجنگ.

فرمودند که: من می روم! آخر، حرف بنده نشنید و رفت با دو پسر:

محمدزمان و ابوطالب، بدرجه شهادت رسیدند. رحمهم الله.

۳ - «بعد از ظهر روز یکشنبه هشتم شهر شعبان المعظم سنه ۱۱۳۷، اشرف سلطان، مردود ملعون ابد و ازل را محبوس و بر جای او نشست».

یادداشتهای برگ ۱۹۵:

در هر دو صفحه چند حدیث گوناگون و برخی مطالب متفرقه و ابیات و اشعار پراکنده. تنها مطلب تاریخی پشت برگ این است:

«قد قتل الحسين المظلوم المرحوم يوم الثلاثاء الثاني والعشرين من شهر محرم الحرام سنه اربعين و مائه بعد الألف».

کشتن شاه سلطان حسین صفوی را - از روی ترس - به عربی و به این صورت نوشته است.

روی برگ ۱۹۶ چیزی نوشته نشده، بیاض است.

پشت برگ ۱۹۶ تنها مطلب تاریخی بشرح زیر است:

«از جمله غرائب آن که حقیر فقیر سراپا تقصیر محمد علی ابن المرحوم محمد درضا تونی، در مدت شصت و پنج سالگی تخمیناً، چند پادشاه در ایران زمین خواطر دارم: اول، پادشاه مالک رقاب شاه سلطان حسین مظلوم مقتول. دویم، محمود افغان، سیم، اشرف افغان. چهارم، شاه صفی در کوه گیلان. پنجم، شاه طهماسب ثانی مقتول. ششم، نادرقلی افشار. هفتم، علی شاه، برادرزاده نادر. هشتم، ابراهیم برادر علی شاه. نهم، شاه رخ، نواده نادر، یعنی پسر رضاقلی ولد نادر که از دختر شاه مالک رقاب بهم رسید».

و در زمان اشرف در کرمان، سید احمد شاه (۱) نواده میرزا داود متولی خلیفه سلطانی

ص: ۷۷

۱- (۱) - در یادداشت روی برگ ۱۹۳ ش ۲ یاد شد.

پادشاه شد و آخر، اشرف در سر پل فسا او را گرفته مقتول ساختند با محمد علی بک، هم داماد بنده، رحمه الله.

امید که حق تعالی عمر طبیعی عطا کند و به خدمت پادشاه عادل دین پناهی که مروج دین ائمه اثنا عشر باشد برساند و دین حق را تسلیم حضرت صاحب - علیه السلام - نماید، و ما را اگر مرده باشیم، بخیر و خوبی و ایمان، زنده گرداند تا در خدمت آن سرور، داد دل خود را از ازبکه و افاغنه و احاشره و الادره [ظ] و اشرار و اجامره و اکارده بستانیم و تشفی قلوب حاصل گردانیم، که در عرض مدت سی سال تصدیع و خفت و خواری و تنگی و قحطی و ظلم بسیار کشیدیم. امید که اینها را باعث تخفیف گناهان و ازدیاد درجات جنان گرداند. بمحمد و آله الطاهرين».

افسوس که با وجود اهتمام مؤلف کتاب در نوشتن تاریخ یادداشتها، این یادداشت مهم را بی تاریخ گذارده است. آغاز سلطنت شاهرخ افشار سال ۱۱۶۱ بوده و در ۱۱۶۳ او را کور کردند و با این حال تا سال یکهزار و دویست و یازده که به فلاکت جان داد، همچنان به مدت پنجاه سال سلطان خطه خراسان بود.

اینک، با توجه به این که ملا محمد علی مدت رنج خود را سی سال گفته و لابد مقصودش از آغاز حمله افغان است بسال ۱۱۳۴، پس تاریخ نوشتن این یادداشت حوالی سال ۱۱۶۴ باید باشد.

و از این که عمر خود را در آن هنگام «شصت و پنج سال تخمیناً» نوشته می توان تولدش را در حدود سال یکهزار و یکصد دانست. والله العالم.

روی برگ ۱۹۷ نوشته ای ندارد.

پشت برگ ۱۹۷: «تاریخ خراب کردن خانه آقباقر، قضیه هائله، و سنگ کردن خانه

همسایه، روز بیست و یکم ماه رمضان و اسیر کردن پسران مسلم با والدتین، روز شنبه بیست و هشتم ماه مبارک سنه ۱۱۵۹، امید که خداوند عالم وسیله سازد که بخیر و خوبی بجای خود برگردند».

برگ ۱۹۸: بیاض است «آخر کتاب».

ص: ۷۹

در صفحه پایانی اصل کتاب «روی برگ ۱۹۳»، چنانکه تصویر آن نیز دیده می شود، گوید در ماه ذی الحجه الحرام یکهزار و یکصد و بیست و نه از تألیف و تسوید کتاب در مدرسه جدید سلطانی خاقانی حسینی واقع در دارالسلطنه اصفهان فراغت یافته است.

پس اشتغالات علمی آن مرحوم در یکی از حجره های مدرسه سلطانی چهارباغ رشک جهان بوده، و اگر چه کتاب خود را در پایان سال ۱۱۲۹ به انجام رسانیده است، لکن وضع و هیأت ظاهری نسخه و کثرت اضافات، حواشی و تعلیقات گوناگون فراوان همه صفحات بخوبی گواهی می دهد که آن عالم فاضل کوشای پُرکار تا سالها با کتاب خود، سر و کار مداوم داشته و از شدت علاقه به آن بسی در جرح و تعدیل مطالب و عباراتش کوشیده است، و در طول زمان حواشی بسیاری از اینجا و آنجا در توضیح و تکمیل مطالب متن و در انواع فنون علوم رایج و از جمله معرفی رجال یاده شده در متن، بدان افزوده و کتاب را از هر حیث غنی و پربار ساخته، تا بدانجا که در آخر ناچار شده است حواشی را بیرون کشیده و در یک دفتر دیگر بنام «تحفه الطلبة» استنساخ و مدون کند، چنان که از پایان حاشیه ای که در پشت برگ سی ام نوشته و تاریخ گذارده است دانسته می شود، گوید:

«... منه عفی عنه. هذه الحاشیه لیست فی الحاشیه المدونه المسماه بتحفه الطلبة، إذ بعد تدوینها کتبت هذه یوم السبت السابع من المحرم سنه ۱۱۵۷».

این تاریخ، اشتغال علمی و سالم و با نشاط بودن ملا محمد علی تونی را تا آن روز «شنبه هفتم محرم ۱۱۵۷» - یعنی تا ۲۷ سال پس از تألیف کتاب، و لابد، در همین شهر اصفهان - می رساند.

او حتی در عین گرفتار بودن شهر و دیار در دست مهاجمان نیز دست از کار علمی برنداشته، چنان که در هامش روی برگ ۱۳۹، پس از نقل سه بیت شعر نوشته است: «نقل من ألفیه یحیی ابن معط ابن عبدالنور. ۱۱۳۶».

از دلایل اشتغال به تدریس حوزوی ملاً محمّد علی این که در هامش پشت برگ سیزدهم، پس از مطلبی نوشته است: «منه، عفی عنه و عن والديه و أساتیده و تلامیذه». که پس از دعای در حق پدر و مادر، برای استادان و شاگردانش نیز دعا کرده است.

در پشت برگ ۱۴۷ در حاشیه نوشته است:

«سمعتُ رجلاً علمياً عربياً بغدادياً كاظمياً أنه قال...».

سپس در بالای این عبارت نوشته است:

«هو الشيخ الأعزّ الأجلّ الأفضل الشيخ محمّد يوسف الكاظميّ، الساکن أیاماً بمدرسه مریم بکم بنت شاه صفی - طاب ثراهما - فی سوق حسن آباد اصفهان سنه العشر الثانی من المائه الثانیه بعد الألف». یعنی در سال یکهزار و یکصد و ده و اندی، اگر در تعیین «عشر» اشتباه نکرده باشد.

در نیمه‌های سده دوازدهم از اهل قریه رقه - همان محلّ تولّد صاحب‌النهاده - از توابع طیس گیلکی، هشتاد فرسنگی مشهد مقدّس رضوی، شخصی بنام ملاّ محمد علی امام جمعه تون و طیس بوده که از تاریخ تولّد و وفاتش آگاهی نداریم، و او پدر عبدالحسین فیضعلیشاه صوفی نعمه‌اللّهی است که در اصفهان اقامت داشته و در سال (۱۱۹۴) وفات یافته و در تکیه ای بنام خودش «فیض» در مزارات تخت پولاد اصفهان دفن شده است. عبدالحسین پدر محمّد علی نورعلیشاه معروف متوفی بسال (۱۲۱۲) بوده که شرح حال او و پدرش در کتاب «مکارم‌الاثار، جلد دوم، شماره ۱۸۸» دیده می‌شود.

این ملاّ محمّد علی امام جمعه تون و طیس که عصر و زمان و مولد و موطنش کاملاً موافق با ملاّ محمّد علی صاحب‌النهاده مورد بحث ما است، نام پدرش در مآخذ دیده نشد، و گمان نداریم که او همان صاحب‌النهاده ما باشد.

«در ضمن، پیرامون تکیه فیض چند کلمه ای در مقاله «سعیدیه: ۳۵» گفته شد.»

همین جا بیفزاییم که در کتاب «الکواکب المنتیره» که رجال سده دوازدهم است، نه تن از شهرک تون «فردوس» و سیزده تن از طیس معرّفی شده‌اند، و در کتاب «فهرست‌القبایب کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی» آثار تألیفی سیزده تن تونی و طیبسی را از سده‌های متأخر برشمردند، و در میان کاتبان، ۲۶ تن تونی و ۲۵ تن طیبسی را نشان داده‌اند، و این‌ها سواً عنوان «خراسانی» و «مشهدی» در کتاب یاد شده است که آنان نیز فراوانند، و همچنانست همه عنوانهای یاد شده - بفراوانی - در طبقات قرن یازدهم «الروضه‌النضره»، الکلام یجّر الکلام.

۲ - «تحفه الطلبة، که گفتیم در هامش برگ سی ام «النهایه» از آن یاد کرده است، و - مع الأسف - از نسخه آن آگاهی در دست نیست.

۳ - «كتاب الأربعین» یا «روضه المؤمنین» که در سال ۱۱۳۱ تألیف کرده است. در هامش برگ چهل و یکم کتاب النهایه گوید:

«إعلم أنّ قائل لولا علیّی لهلك عُمر هو عمر ابن الخطّاب، تكلم به حيث أشكل عليه شيءٌ و حلّه حلالُ المُشكلاتِ مِنَ الله - عليه و علی أخیه و حلیته و أولاده الألف الألف من الصّیلموات - كما قال صاحب کتاب «كاشف الحقّ» أنّ علماء أهل السنّه ذكروا أنّ عمر تكلم بهذا فی اثین و سبعین موضعًا. و أيضًا من علمائنا كتب رسالَهُ و ذكر هذا العدد فیها. و أقول: أنا ذكرت فی «كتاب الأربعین» المسمّى ب«روضه المؤمنین» أربعة عشر موضعًا منها، فی سنه إحدى و ثلاثین بعد مائه و ألف. منه، عفی عنه».

۴ - «علاج الأسقام و دفاع اللام بعون الله الملك العلام». کتابی است به فارسی در بیان درمان بیماریهای گوناگون و دیگر بَلایا، بوسیله آداب رسیده از امامان معصوم - علیهم السلام - از قبیل دعا، دارو، حرز و تعویذ.

کتاب مشتمل بر یک مقدمه و بیست و چهار باب و یک خاتمه است و در آغاز، فهرست ابواب را به تفصیل نوشته و در باب بیستم کتاب «طب الرضا علیه السلام» را ترجمه کرده است.

کتاب «علاج الأسقام» گویا هنوز بچاپ نرسیده لکن چند نسخه خطی از آن در کتابخانه های عمومی و خصوصی موجود است، و صاحب «الذریعه ۱۵: ش ۱۹۷۳» نسخه ناقصی را در کتابخانه علامه طهرانی در سامراء دیده اند.

۵ - «کفایه المتعبدين». مؤلف، این کتاب را نیز به زبان فارسی نوشته و در آن انواع

دعاها و زیارتنامه ها، و حرزها و تعقیبات نمازها را در یک مقدمه و چهارده باب و یک خاتمه گرد آورده و از خود، حواشی فراوانی بر آن نوشته است و در برخی از آنها گوید که من فلان دعا را در کتاب «علاج الأسقام» که بعد از این «کفایه المتعبدین» تألیف کرده ام آورده ام. نسخه این کتاب را صاحب «الذریعه ۱۸: ش ۸۵۳» نزد مرحوم علامه سید آقای شوشتری دیده و سرآغاز آن را این چنین آورده اند:

«الحمد لمن سمع دعاء الداعین و أجاب دعوة المضطربین».

این پنج کتاب تألیفات مرحوم ملا محمد علی تونی است که نسخه سه تألیف در دست است و از شماره های دوم و سوم (۱) نسخه ای سراغ نداریم و جای تأسف است.

در هامش روی برگ نوزدهم مطلبی در توضیح معنای اعراب از «الفوائد العلویّه» نقل کرده است که نشناختیم: «الاعراب فی اللغه الاظهار. يُقال... من الفوائد العلویّه».

در پشت برگ ۱۹۳، پس از چند صورت حساب شخصی چنین نوشته است:

«به این ترتیب یادداشت در «بیاض» که مرّاثی دارد نوشته شد».

ص: ۸۴

۱- (۱) - آگاهی تازه در خصوص نسخه شماره سوم را در پایان مقال ملاحظه فرمایند.

نخست: حاجی محمد حسین بغمچی مشهدی، که گفتیم در هامش پشت برگ سوم کتاب پس از نقل مطلبی از کتاب «ارشاد المُسترشدين» استاد خود، او را به عنوان: محدث عالم فاضل زاهد، ستوده و گوید: بغمچ از دهات مشهد مقدس رضوی است.

احوال و آثار دانشمند بغمچی - علیه الرحمه - در دو جای کتاب «کواکب منتشره، صفحات ۱۸۷ - ۱۸۸ و ۲۲۱ - ۲۲۲» پراکنده است، و باید با مراجعه به تمام مآخذ یاد شده در آنجاها تکمیل و اصلاح شود.

دوم: میر بهاءالدین مختاری: در هامش روی برگ چهاردهم گوید:

«أَلْغَزَ اسْتَادِي الْمَرْحُومِ الْمَدَقَّقِ الْمُحَقِّقِ السَّيِّدِ بَهَاءِ الدِّينِ النَّائِنِيِّ - رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ - فِيهِ مَا عَامِلٌ مَوْجُودٌ يُهْمَلُ مَعَ أَنْ مَعْدُومَةٌ يَعْمَلُ مِنْهُ.»

و در هامش روی برگ ۴۳: «مِمَّا أَلْغَزَهُ السَّيِّدُ بَهَاءِ الدِّينِ الْحُسَيْنِيُّ النَّائِنِيُّ، رَه...».

و در هامش پشت برگ ۱۶۹:

«... وَ لَشُدُودُهُ أَلْغَزِيهِ اسْتَادِي الْبَهَائِيُّ النَّائِنِيُّ رَه...»

و در هامش روی برگ «.»: «قَالَ السَّيِّدُ الْاسْتَادُ فِي شَرْحِهِ الصَّغِيرِ لِلصَّمَدِيَّةِ.»

مرحوم سید بهاءالدین مختاری نائینی از جمله عالمان پرخیر و برکت نیمه نخست سده دوازدهم این دیار است، و شرح احوال و آثار او با رجوع به «کواکب منتشره: ۱۰۷ - ۱۰۹» و مآخذ یاد شده در آنجا و مواضع دیگر سزاوار تحقیق و تدوین می باشد.

مقارن نوشتن این کلمات، گرامی اثری از آن مرحوم، با عنوان «شرح حدیث عمران الصَّیَّابِي» در ششمین دفتر گرانسنگ «میراث حدیث شیعه» بچاپ رسیده ملاحظه شد.

سوم: گذشت که روی دوّمین برگّ النهایه نوشته است: «و کتاب اصول أصیله مع نُخبه، نزد حضرت استادی - دام فضله - صدرالدین محمّد».

چند تن صدرالدین محمّد نام در «کواکب منثره» یاد شده اند. مُراد صاحب النهایه را نشناختیم.

چهارم: ملاً عبدالحیّ بن محمّد رفیع دیهوکّی طبسی. در هامش روی برگّ هفدهم گوید: «سمعتُ من استادی - رحمه الله علیه و علی أخویه - أنّ المُعیديَّ یقال لِمَن یرعی الجاموس...».

و خود، او را در کنار حاشیه - با دو برادرش - اینگونه شناسانده است:

«هو عبدالحیّ بن محمّد رفیع الدیهوکّی الطبسیّ، و أخوه أكبر منه ملاً اسمعیل، و أصغر منهما ملاً محمّد جعفر. رحمه الله علیهم أجمعین».

و در پشت برگّ ۱۴۸، در متن کتاب گوید: «و سمعتُ من بعض أساتیدی - سلّمه الله تعالی - أنّه قال: إذا حُذِفَ نونُ المثنیّ یجوز المَدُّ فیهِ إظهارًا للتّثنیّه». سپس در حاشیه گوید:

«بعض الأساتید هو مولانا المرحوم المبرور عبدالحیّ بن محمّد رفیع الدیهوکّی الطبسیّ الکیلکی، رحمه الله علیه و علی أخویه و أبویه، آمین، بحقّ المقرّیین من آل طه المعصومین. منه».

از این عبارات معلوم می شود که صاحب النهایه با این عالم همشهری خود و خاندانش خصوصیتی بسزا داشته است. مع الأسف هیچ نامی از دیهوکّی در کتب تاریخ و تراجم دیده نشد، اما - بحمد الله تعالی - اثر ارزشمندی از او باقی مانده و آن یک اجازه نامه روایتی است که به خطّ خود برای جناب ملاً محمّد علی نوشته است.

توضیح آنکه: مرحوم ملاً محمّد علی در نوجوانی و بهنگام اشتغال حوزوی، بخطّ خوش و خوانای خود، شروع به استنساخ کتاب شریف «کتابُ من لا یحضره الفقیه»

تألیف شیخ صدوق «علیه الرّحمة» نموده، و در پایان مجلد نخست که در ماه شوال (۱۱۱۶) به انجام رسانیده نوشته است:

«تمّ المجلد الأوّل من کتاب من لا یحضره الفقیه... علی ید المفقیر المحتاج إلی رحمہ اللہ الملک المتعالی، ابن محمّد درضا، محمّد علی رقیی تونی، فی أواخر شهر شوال المکرم فی سنه ستّ عشر و مائه بعد الألف... بدار السلطنه اصفهان فی مدرسه النّوّابه العلویّه».

و در پایان مجلد دوم که در آخر ربیع دوم (۱۱۱۹) کتابت آن را تمام کرده است گوید:

«تمّ الكتاب بعون الملك الوهاب، علی ید الفقیر إلی اللّٰه الغنیّ، ابن خَلْفٍ [كذا] المرحوم محمّد درضا، محمّد علی الرقیی التونی، سنه تسعه عشره و مائه بعد الألف... آخر شهر ربیعی [كذا] الثانی فی دارالسّیطنه اصفهان، بمدرسه بنت الخاقان ابن الخاقان، مریم بیگم». در این موضع مُهر مُربّع خود را زده است که سَجَع آن: «سُبْحانَ مَنْ به فخری بأَنّی له عبْدٌ. العبد محمّد علی».

سجع مهر دیگری پس از این بیاید.

اجازه نامه بی تاریخ مرحوم ملا عبدالحی به ملا محمّد علی در هامش همین صفحه بخطّ مُجیز نوشته شده است، به این شرح:

«بسم اللّٰه خیر الأسماء».

الحمد لله الذي أجاز لصفوته نقل الشرايع ونشرها، والصّلوه والسلام على رسوله الذي ناوّل الأحكام إلی العباد و أمر بدرسه، و آله العزیز استكمل ببركتهم أصلها و فرعها. أمّا بعد، فقد قرء علیّ الأُخّ النبیل الفاضل ذی [كذا] المجد والتبجیل والعالم العامل التحریر الورع التقیّ الألمعی الزکّیّ المؤید بالتأییدات السّبحانیّ [كذا] والموفّق بالتوفیقات الربانیّ [كذا] السّدید الولیّ آخوند مولانا محمّد علی الرّقیی التونی - وفّقه الله تعالی للتّقویّ و صانّه من المکاره و البلویّ - أكثر هذا الكتاب قرآنه تحقیق و تدقیق

و درس ذی فہم و توفیق، و استجازنی، فأجزتُ له - لما رأيتُ أثر الصِّلاح و العلم من ناصيته لا يح [كذا] و علامه الفلاح و الفضل من جبهته سانح [كذا] - جميع هذا الكتاب، بل سائر الكتب المدونة في الأحاديث و الأخبار و باقى المؤلفات المجموعه فى العلوم و الآثار، أن يروى عنى و ينقلها و يدرّسها ما قرء علىّ قراءه و ما أجزتُ له إجازة، حافظًا فى جميع أبوابها على التصحيح و التّدقيق، مواظبًا فى مطاويها على بيان النّكات و التّحقيق، بحقّ طريقى و إجازتى إلى العلّامة العامل و النّحرير الكامل فريد زمانه و وحيد دورانه شيخى و استادى مَين إليه فى جميع العلوم استنادى مولا- [كذا] و مقتدانا ميرزا محمّد المشهدى، بطريقه إلى الفاضلين الصالحين الكاملين العالمين مولانا عبد الله و مولانا أحمد، التّوّيين، و اتّصال سندهما إلى المشايخ العظام، حتّى ينتهى إلى المعصوم - عليه السلام - معلومٌ من اجازتهما، بشرط أن لا ينسانى من صالح دعائه، فى أوقات الصّيلوه و الأمكنه و الأزمنه المتبرّكات و مظانّ استجابه الدعوات، و قد كتب هذه الأحرف اجازة: راجى عفو ربّه السّميع، عبدالحى بن محمّد رفيع. غفر الله له و لوالديه و أحسن إليهما و إليه».

در اینجا اجازہ روایتی پایان یافته و مُجاز در ذیل آن نوشته است:

«توفى الأستاذ الذى أجازنى - و هذه [كذا] خطّه الشّريف، رحمه الله عليه - ليله الأحد الثّانى من شهر محرّم الحرام، من شهور سنه ١١٣٣، ثلث و ثلثين و مائه بعد الألف، و دُفن بمقبره من المقابر المشهوره باصفهان المسماة بسّى فاطمه. ثمّ مات أخوه الصّغير ملّا محمّد جعفر، ثمّ الكبير الفاضل مولانا اسمعيل «ره»، ثمّ ابن عمّه الفاضل الصّالح الزاهد مولانا عمادالدين «ره» فى ١١٤٢، فى قريه تار، من قُرى نظنز، و دُفن فيها، و بقى منه ثلث بنين، كما بقى من استادى [يعنى ملّا عبدالحى]: ملّا محمّد، طوّل الله عمرهم،

بعد فوت اخته فاطمه. و كما بقى من مَلّا اسمعيل: مَلّا أبو الحسن، سلمه الله تعالى. حرّره العبد الأقلّ، ابن المرحوم محمّد رضا: محمّد علي، تذكرة لي».

این هم شرحی بود که مرحوم مَلّا محمّد علی تونی در احوال استاد و شیخ اجازه اش آخوند مَلّا عبدالحیّ دیهوکی طبسی و برادرانش نوشته و سپس مُهر کرده است.

مقبره سّتی فاطمه که مَلّا عبدالحیّ در آن بخاک رفته قبرستان عمومی پهناور و مهمّ محلّه خانوادگی ما «نویسنده این مقال»، یعنی چهارسوی شیرازیها بود، که در آن جمعی از شاهزادگان مقتول صفوی و سادات خلیفه سلطانی و بسیار بزرگانی دیگر دفن شده اند. اما در اوائل سلطنت پهلوی بخش عظیمی از آن قبرستان و مزار اهل علم و ایمان را خراب کردند و تبدیل به خیابان و پرورشگاه و ورزشگاه و سپس بیمارستان و برخی خانه ها و غیره نمودند، و اینک محوطه کوچکی شامل حرم و حیاط از آن با تصرّفات گوناگون باقی مانده است.

برای آگاهی بیشتر درباره این مقبره به کتابهای: «تذکره القبور: ۱۸۳ - ۱۸۶» و «دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۳۲ - ۳۳» و «گنجینه آثار تاریخی اصفهان: ۶۰۴ - ۶۰۵» و «مکارم الآثار ۱: ۳۵» و «تاریخ نایین: ۱: ۲۱۳» و «کتاب فاطمه، از دکتر محمّد هادی امینی ۴۴» و «آثار ملی اصفهان: ۷۷۲ - ۷۷۳» رجوع فرمایند.

«ترقیمه پایان نسخه فقیه»

«قد فرغ من تسوید نصف هذا الكتاب المستطاب و قرائته - كما أجازه استأذنه في آخر هذا الكتاب، رحمه الله عليه - سنة تسع عشرة و مائه بعد الألف من الهجرة. حرّره العبد الأقلّ صاحبه و كاتبه ابن المرحوم المغفور محمّد رضا: محمّد علي الرّقیبی التّونّی الخراسانی. سنة ۱۱۴۵».

در هامش «باب ديه النطفه...» مطلبی را به فارسی از مرحوم علامه مجلسی نقل کرده و در پایان آن گوید: «این فائده از کتاب و رساله مولانا محمدباقر مجلسی - رحمه الله - که در حدود و قصاص و دیات به زبان فارسی تألیف نموده اند برای پادشاه جنت مکان شاه سلطان حسین. در ۲۰ شهر ذی الحجّه، در مدرسه مسماه به مدرسه شیخ لطف الله - علیه رحمه الله - نوشته شد، و کتب محمد علی التونئی».

«یادداشتی دیگر»

برگ کوچکی در میان نسخه فقیه مشاهده گردید که این مطالب در آن نوشته شده است «با چند گواهی و مهر در حاشیه»:

«وکیل مطلق و نایب مناب شرعی خود گردانید عفت و عصمت پناه فاطمه خانم بنت مرحوم حاجی محمدقلی بیگ خیاط، جناب فضائل مآب علامی مولانا محمد علیا داماد مرحوم محمدقلی بیگ زردوز، را در باب آنکه مبلغ ششش تومان زری فضی از بابت تتمه قیمت خانه که در نزد عالیقدر ستوده اطوار غنی الألقابی محمد جعفر بیگا - زید قدره - باقی مانده بازیافت نموده تسلیم موکل خود یا فرستاده و وکیل عفت پناه مزبوره نماید.

این چند کلمه بجهت وکالتنامه قلمی شد تا عندالحاجه حجت باشد. سنه ۱۱۴۶».

توان گفت که «مولانا محمد علیای داماد مرحوم محمدقلی بیگ زردوز» همین عالم تونی صاحب کتاب «النهایه» باشد.

نسخه نفیس و شریف «کتاب من لا یحضره الفقیه» که اینک در کتابخانه معظمه مرعشیه نگهداری می شود، و چنان که گفتیم تمام آن بخط و تصحیح مرحوم ملّا

محمّد علی خراسانی تونی است، در غُزّه ماه ذی الحُجّه الحرام جاری یکهزار و چهارصد و بیست و دو، در شهر مقدّس قم، با کمک و یاری برادر عزیز ایمانی دانشمند روحانی گرامی آقای حاج شیخ رسول جعفریان اصفهانی - جزاه الله تعالی خیرًا - زیارت و به شرح مرقوم بهره برده شد.

از کسانی که پس از کاتب و مالک نسخه، آن را در دست داشته اند، شخصی است که تملک خود را به این صورت در روی برگ یکم نوشته است:

«دَخَلَ فِي مَلِكِي وَأَنَا الْفَقِيرُ إِلَى اللَّهِ الْغَنِيِّ مُحَمَّدُ بْنُ نَاصِرِ الدِّينِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَلَاءِ الدِّينِ».

در «اعیان الشیعہ» و «الذریعہ» و «الکواکب»

۱ - در «اعیان الشیعہ ۴۶: ۲۴۷۹، ط ۱» چیزی جز نام سه اثرش نیست:

«المولی محمد علی بن محمد رضا التونی الخراسانی. له: «علاج الأسقام و دفاع اللام» فارسی، و «کفایه المتعبدين»، و «النهایه فی شرح الهدایه النحویه».

۲ - در «ذریعہ ۵ : ش ۲۸۷» یک نسخه از کتاب «جامع المقال» مرحوم شیخ فخرالدین طریحی (متوفی ۱۰۸۵) را که در کتابخانه حسینیته حاج علیمحمد نجف آبادی در نجف اشرف دیده اند، یاد کرده و گفته اند که بسال ۱۱۴۸ در تملک ملا محمد علی بوده: «التي تملك العالم الجليل الشيخ محمد علي بن محمد رضا التوني الخراساني في ۱۱۴۸».

در «کواکب منتشره اشتراکی: ۵۰۹ - ۵۱۱» که عنوانی برای ملا محمد علی ترتیب داده و در آن آگاهیهای پراکنده را گرد آورده اند، سجع مَهر او را بر روی نسخه موصوفه «جامع المقال» این چنین نوشته اند: «سُبْحان مَنْ لِي فخرٌ بأَنْي له عبدٌ. العبد محمد علي».

۳ - و در همان کتاب و همانجا نوشته اند که یک نسخه از کتاب «مجموعه ورام» یعنی «نزهه النواظر و تنبيه الخواطر» را نزد مرحوم آقای حاج سید ابوالقاسم اصفهانی دیده اند که ملا محمد علی حواشی فراوانی بر آن نوشته و هم گفته است که نسخه را با سید سند... میر محمد هادی بن محمد مهدی حسینی تفریسی اصفهانی در چندین جلسه مقابله و مباحثه نموده و در نهم ربیع یکم (۱۱۵۰) به پایان رسانیده است. و هم این عبارت را از خط ملا محمد علی از همان نسخه آورده اند:

«شرع فی مباحثه الجزء الثانی فی یوم الأحد ۱۶ شوال ۱۱۴۹ فی محلّه کرک ادوان

اصفهان المخروبه بيد أهل العدوان. سلط الله عليهم أهل الايمان في دولة نادر الدوران و حكومه حاتم ايران».

اينجا کرک دوان، بخطا «کرک ادوان» چاپ شده، اما در صفحه ۸۰۲ ذیل عنوان میر محمد هادی یاد شده، کرک دوان درست است لکن پهلویش (کرک وند؟) افزوده اند. بیشتر گفتیم که مقصود «گرگ دوان» می باشد و آن - همانند «دباغان» - از محله های خاجوی اصفهان بوده، که پس از آن زمان ها تغییر نام داده اند.

بهرحال، در این موضع اخیر نوشته اند که نسخه موصوفه ابتدا در ملکیت میر محمد مهدی بوده و بعدها خود آنرا به دیگری بخشیده است. و هم اینجا اوصاف میر محمد مهدی را از خط مرحوم ملا محمد علی این چنین نقل فرموده اند:

«قابلها... مع السيد السند الحسیب الصالح المدقق الأديب، ابن المرحوم میر محمد مهدی: میر محمد هادی الحسینی التفریسی أصلاً و أباً والاصفهانى مولداً و مسکنًا. وفقه الله للعلم والعمل...».

این سید بزرگوار همانست که ذکر خیر او در یادداشت شماره هفتم روی برگ دوم نسخه النهایه گذشت.

۴ - در «ذریعه ۷: ش ۳۰۴» گویند: یک نسخه از کتاب «الحکمه الصادقیه» در کتابخانه آستان قدس رضوی است بخط محمد هادی بن احمد طالقانی با تاریخ ۱۱۷۵ و از این نسخه و نسخه دیگر در نجف اشرف، معلوم می شود که ملا حمزه گیلانی تقریرات درس استادش ملا محمد صادق اردستانی متوفی بسال ۱۱۳۴ را می نوشته و به علت حدوث فتنه افغان آن را ناتمام گذارده تا آن به دست ملا اسماعیل نامی افتاده و او آن تقریرات ناقص را استنساخ نموده و از ملا محمد علی بن محمد رضا نامی خواسته است که او آن را تمام کند و دیباچه ای برایش بنویسد، او هم چنین کرده و در سرآغاز این رباعی را نوشته است:

ای طالب حکمت، تو ز من گیر خبر تا چند روی در بدر، ای خسته جگر!

خود را برسان بشهر حکمت، اما شو داخل آن شهر معظم، از در

سپس کتاب را «حکمت صادقیه» نامیده و آن را در بیست و هشت فصل مرتب گردانیده است.

صاحب «ذریعه» فرموده اند: به گمانم که ملا اسماعیل نام همان فاضل خاجویی معروف است و ملا محمد علی بن محمد رضا همان تونی خراسانی نزیل اصفهان مؤلف «النهایه فی شرح الهدایه».

این سخنان را در «کواکب منتشره: ۵۱۰» نیز تکرار کرده اند با توضیح این که نسخه نجف تاریخش ۱۱۴۹ و در نزد مرحوم آقا سید محمد فرزند آیه الله آقا سید محمد کاظم یزدی بوده، و نسخه آستان قدس را در نزد مرحوم حاج عماد فهرستی دیده اند، والسلام.

عبارت دیباچه «حکمت صادقیه. نسخه چاپی» چنین است:

«و لما نسخ خلیلی و قره عینی المفضل بفضل الله الجلیل سمی ذبیح الله محمد المدعو باسماعیل... نسخه من السواد المسطور من قبل... فتم الامر بیده و نال بسعاده، فالتمس عن... ابن محمد المدعو برضا: محمد المعروف بعلی نسا... أن أکتب دیباچه لها... فسميتها بالحکمه الصادقیه... هذا! والله العالم.

۵ - در «ذریعه اشتراکی ۱۸: ش ۱۲۰۴» نوشته اند: کتاب «کنز اللغه» محمد علی بن محمد رضا، قاموسی است در لغت فارسی به عربی و ترکی و به سال ۱۱۵۰ در هفتاد سالگی مؤلف نوشته شده و نسخه اصل در یک مجموعه با تاریخ ۱۱۵۰ در دانشگاه تهران است بشرح فهرست آنجا «ص ۱۹۲۰».

در «فهرس اعلام الذریعه: ص ۱۵۳۳» این شخص را همان صاحب النهایه ما دانسته اند، و این با تولد او در حدود سال ۱۱۰۰ - که پیشتر گفتیم - سازگار نیست.

یکی دیگر از کتابهایی که در ملکیت مرحوم ملا محمد علی صاحب «النهایی» بوده نسخه ای از کتاب «نظم اللالی»[□] است که در نیمه سال ۱۱۶۱ خریداری کرده و همان وقت بر روی صفحه چهارم مطالبی درباره زندگی خود به اختصار نوشته، و آن هنگام - بنا بر آنچه در سابق گفتیم - حدود شصت و یکسالی داشته است:

«کتاب سؤال و جواب، از مرحوم مولانا محمدباقر [علّامه مجلسی، قدس سرّه] که سید محمد لاهیجی گیلانی - از شاگردان آن مرحوم - ترتیب داده است، مثل کتب فقهیه، تا آسان باشد جُستن مسائل، والحقّ که بسیار خوب کرده است. ابتیاع شد در شهر جمادی الاخره من شهر یکهزار و یکصد و شصت و یکم، و کتب العبد الأقلّ ابن المرحوم محمدرضا: محمد علی المشهور بخراسانی، و کان مسقط رأسی قریه من قری تون و طبس کیلک یقال لها رقه . و کان أوائل تحصیلی بخراسان، و استوطنت الآن اصفهان و نزلت آخر عمری [!] بمحلّه خاجو، و کان المحلّه محلّه دباغان. و قد کتب الیوم السّادس عشر من شهر رجب، بتاريخ الفوق، سنه ۱۱۶۱».

نیز، این یادداشت را نوشته است:

«تفسیر قاضی از ورثه مرحوم میرهادی، نزد عالیحضرت مخدومی میرزایی میرزا اسماعیل، خلف مرحوم میرزا مؤمن وزیر تفنگچی است. و ایضاً رساله وقف مدرسه، در نماز شب... و ایضاً کتاب...».

چنان که گفتیم محلّه دباغان و گرگ دوان در آن زمان معروف و بر سر زبان بوده است، امّا در نوشته های دیگری دیده نشد.

مجموع آگاهی‌های ما از آثار و احوال آخوند ملاً محمد علی خراسانی «تونی طبسی» به اینجا پایان یافت، و پس از تاریخ یکهزار و یکصد و شصت و چهار از اوضاع و احوال آن مرحوم هیچ گونه نشانی در دست نداریم، نه از بقیه حیات و نه از ممات و نه از بازماندگانش، و از این که روی برگ ششم نسخه «النهاییه»، محمد حسین بن امامقلی اصفهانی در سال یکهزار و دوستم نوشته است که آن را از آقا میرزا کوچک ایتباع کرده، دانسته می‌شود که در همان اواخر سده دوازدهم پس از درگذشت ملاً محمد علی، وارثان او کتابهایش را به فروش رسانیده‌اند و به مرور ایام دست به دست گشته تا این زمان که هر یک به شهر و دیاری و گوشه و کناری منزل گرفته است. والسلام خیر ختام.

سید محمد علی روضاتی

۱۳۸۰/۱۲/۱

آگاهی تازه

درباره نسخه «روضه المؤمنین. ص ۸۳»

در جلد دوم «فهرست نسخه‌های خطی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ۱۳۰، تهران، ۱۳۸۴ ش» آمده است:

«روضه المؤمنین. فارسی. فلسفه عملی. از محمد علی بن محمد رضا خراسانی تونی که در دیباچه می‌گوید: ترجمه چهل حدیث است که در (۱۱۳۰ ق) به نام روضه المؤمنین نگاشته است...»

تاریخ کتابت نسخه ماه شوال (۱۲۳۵)، دارای پنجاه برگ و چهارمین رساله مجموعه (شماره ۷۵۳) است که آن را در (ص ۲۸۷ فهرست) شناسانده‌اند، و سه دیگر: اصول دین بزبان ترکی، و در بحر مناقب درویش برهان، و ترجمه فارسی نفحات اللاهوت است.

غزه ذی القعدة ۱۴۲۷

۱۳۸۵/۹/۱

ص: ۹۶

سرآغاز فهرست مصنفات علامه مجلسی

از میرمحمد حسین خاتونابادی علیهماالرحمه

پایان یک نسخه کتاب «کنزالمطالب» بخط سلطانمحمد تونی مولدا،

رقه مسکنا «یکی از فضالی آن دیار». تاریخ: آدینه ۲۴ ماه رجب ۱۰۵۰.

ص: ۹۷

فهرست کتاب النهایه بخط مؤلف. ص ۱

ص: ۹۸

فهرست كتاب النهايہ بخط مؤلف. ص ۲

ص: ۹۹

روی برگ نخست اصل کتاب النهایه

ص: ۱۰۰

سرآغاز نسخهٔ اصل كتاب النهايه فى شرح الهدايه

ص: ١٠١

دومين صفحه نسخه اصل كتاب النهايه

ص: ١٠٢

سۆمىن صفحە نىسخە اصل كىتاب النهايه

ص: ۱۰۳

صفحه پایانی نسخه اصل کتاب النهایه بخط مصنف

ص: ۱۰۴

یادداشت‌های ملا محمدعلی بر نسخه «نظم اللالی» کتابخانه معظمه مرعشیه قم

ص: ۱۰۵

دو ترقیمه در نسخهٔ «کتاب من لا یحضره الفقیه»

ص: ۱۰۶

اجازة مرحوم ملاّ عبدالحیّ در نسخهّ کتاب الفقیه، و یادداشت وکالتنامه

ص: ۱۰۷

نامه‌های از پروفیسور هانری کربن فرانسوی

و پاسخ آن (۱)

تهران، ۲ دسامبر ۱۹۷۶

جناب آقای روضاتی

از این که لطف نموده و فتوکپی چند صفحه ای از اثر سید احمد علوی را توسط خانم بهمنیار (وثیق انصاری) برایم فرستادید، از صمیم قلب متشکرم. همچنین از ارسال دو جزوه دیگر یعنی خلق العمل ملاصدرا و یادنامه میرزا محمد علی حبیب آبادی سپاسگزارم.

توسط ذریعه شیخ آقا بزرگ بود که من به وجود نسخه خطی لوامع ربانی سید احمد علوی در کتابخانه شما پی بردم. سید احمد یکی از نویسندگان شیعه مورد ترجیح و ممتاز من است. او که شاگرد میرداماد بود آثار فلسفی و مذهبی بزرگی از خود بجا گذاشته است. من کتاب مصقل صفای او را کاملاً مطالعه کرده ام و سال گذشته درس کاملی راجع به آن داده ام.

موضوع این کتاب گفتگویی است با یک حکیم الهی مسیحی که در آن سید احمد شناسائی عجیب و دقیقی را که راجع به تورات و انجیل داشته است نشان می دهد. او حتی کاملاً زبان عبری را میدانسته است. عقیده ای را که او راجع به مسیحیت دارد و در

ص: ۱۰۹

۱- (۱) - به مناسبت نام علی قلی بیگ یاد شده در (ص ۶۴ و ۶۷) و کتاب «سیف المؤمنین».

مقابل عقیده مخاطب مسیحی خود بیان می دارد، از این نظر قابل توجه است که با مفهوم مسیحیت در دوران اولیه بسیار تطابق دارد.

پیغمبرشناسی او بر روی نظریه فارقلیط پی ریزی شده است و برای خواننده مسیحی دوره ما، یکی از جنبه های اساسی اسلام را که تاکنون برای او ناشناخته باقیمانده بود مکشوف می سازد. این جنبه چیز دیگری جز تشیع مانند مذهب امامیه نیست. بنابراین در اینجا تحقیق علمی توأم با تحقیق معنوی می گردد.

چندی قبل مقاله ای راجع به مصقل صفا برای یکی از نشریات ادواری بنام (Studia Iranica) نوشته ام. به محض اینکه منتشر شود نسخه ای از آن را برای شما خواهم فرستاد.

سید احمد در کتاب مصقل صفا، بارها به «لوامع ربّانی» که قبلاً آن را نوشته بوده است اشاره می نماید. بهمین دلیل من که مشتاق تعمق بیشتری در طرز تفکر او می باشم میل دارم کتاب «لوامع» را مطالعه نمایم. در واقع تصوّر می کنم که این کتاب می تواند شاهد ارزنده ای باشد که به کمک آن بتوانم تفکر [فلسفه] شیعه را به دنیای غرب بشناسانم.

همچنین در نظر دارم که قسمتهائی از آن را برای کامل کردن مقاله ای که در بالا به آن اشاره شد، ترجمه بنمایم. البته از هم اکنون نمی توانم پیش بینی نمایم که آیا امکان انتشار متن فارسی آنرا خواهم داشت یا خیر. در صورت امکان این امر، البته شما را قبلاً در جریان خواهم گذاشت.

در هر حال اگر لطف بفرمائید و یک فتوکی کامل از آنرا برایم بفرستید از شما بی نهایت سپاسگزار خواهم شد. و از هم اکنون مراتب حق شناسی خود را نسبت به شما ابراز می دارم.

من همیشه لحظات دلپذیری را که چند سال قبل و به اتفاق دوستم آقای میشل دو میراس (که سلامتی خود را هنوز کاملاً باز نیافته است) در منزل شما گذرانیدیم در

خاطر دارم. امیدوارم شما را دوباره در اصفهان - احتمالاً در مدّت اقامتم در ایران در سال آینده - بینم.

با تشکر مجدد از شما، تقاضا دارم صمیمانه ترین احساسات مرا بپذیرید.

هانری کرین

این نامه در شب چهارشنبه ۲۳ ذی الحجّه ۱۳۹۶

مطابق ۱۳۵۵/۹/۲۴، توسط فاضله متدینه خانم بهمنیار

مترجم نامه از فرانسه به فارسی با اصل نامه واصل شد.

ص: ۱۱۱

نامہ سرکار عالی کہ بتاریخ «۲ دسامبر ۱۹۷۶ م» از تهران فرستاده بودید ۱۳ روز بعد در شب ۴ شنبہ ۲۳ ذی الحجہ ۱۳۹۶ واصل گردید و از سلامتی و موفقیت شما خورسند شدم.

مرقوم داشته اید کہ «مصقل الصفاء» دانشمند بزرگ میر سید احمد علوی عاملی شاگرد مبرز و داماد و خاله زاده سیدالمحققین میر محمدباقر داماد حسینی «رحمہ اللہ علیہما» را دقیقاً مطالعه کرده و سال گذشتہ درس کاملی راجع بہ آن داده و از اشارات آن کتاب بتألیف مهمّ دیگرش «لوامع ربانی» پی برده اید و سپس بہ راهنمایی کتاب «الذریعہ إلى تصانیف الشیعہ» بوجود نسخہ اصل آن در نزد اینجانب واقف و اینک خواستار یک تصویر کامل از آن شدہ اید تا این اثر ذیقیمت را نیز مطالعه نمائید.

با تشکر از اہتمام شما در مطالعہ آثار علمی اسلامی و موفقیتہائی کہ نصیبتان گردیدہ است در مورد موضوع مورد علاقہ تان بہ اطلاع می رسانیم همچنانکہ حدس زدہ اید «لوامع ربانی» کتاب مهمّ و شایستہ بررسی ہمہ جانبہ ای است و ما سابقاً در جلد اول «فہرست کتب خطّی کتابخانہ های اصفہان» کہ گمان می کنیم شما نسخہ آن را داشتہ باشید، کتاب مذکور و مؤلفش را «بشمارہ ۴۳» کاملاً معرّفی کردہ، و «بشمارہ ۴۲» ہم کتاب «علاقہ التجرید» تألیف نوادہ اش میر محمّد اشرف بن میر عبدالحسیب بن میر سید احمد را شناساندہ ایم و شما با مراجعہ بہ آنجا مطالب فراوانی را دربارہ آن خاندان علمی قرن ۱۱ - ۱۲ ہجری خواهید یافت کہ شاید قابل توجّہ و مفید باشد، گرچہ از تاریخ طبع آن فہرست تاکنون کہ پانزدہ سالی می گذرد باز ہم اطلاعات بیشتری در

عموم مطالب آن جلد و خصوص این خاندان بدست آمده که نمی دانیم نشر آنها چگونه میسر خواهد شد، اما یک رساله مفصل در احوال و آثار خاندان امیر سید احمد علوی اخیراً نوشته ایم که جامع تمام مطالب چاپ شده و پس از آن می باشد و چندین اثر مهم فلسفی و غیر فلسفی همین دانشمند و نیز آثار دیگری از اعقابش را که در این ۱۵ سال اخیر بدست آمده معرفی کرده ایم.

یکی از تألیفات مهم میر سید احمد بنام «لطائف غیبیه» در حال حاضر در تهران چاپ می شود و بسیاری از مطالب فهرست و رساله یاد شده در مقدمه آن آمده است و به زودی طبع آن تمام و پس از انتشار حتماً نسخه ای بدست شما خواهد رسید. ان شاء الله تعالی. بشارت داده بودید مقاله ای راجع به «مصقل صفا» چاپ کرده اید، امیدواریم چنانکه وعده داده اید نسخه ای از آن مقاله را ارسال دارید که مورد استفاده قرار گیرد، و هکذا از سایر آثار منتشره خودتان.

چون احتمال دادیم که نسخه «فهرست» ما را در دسترس نداشته باشید، به همراه این نامه یک نسخه ارسال گردید تا برای مطالب مورد علاقه خود به آن کتاب مراجعه فرمائید.

درباره تصویر نسخه اصل «لوامع ربّانی» مع الاسف در اثر فرسودگی نسخه، این کار بدرستی امکان پذیر نیست، لکن به آگاهیتان می رسانیم که شما خود در پاریس نسخه بسیار خوبی از این کتاب دارید و دو صفحه از آغاز آن بوسیله منسوب محترم ما جناب حاج سید جمال الدین میردامادی که خود از دودمان مرحوم میر سید احمد و از مردمان نیک و فاضل و ناشر کتاب «لطائف غیبیه» اند بدست ما رسیده و چون مشتمل بر مشخصات نسخه می باشد تصویری از آنرا نیز به پیوست برای شما فرستادیم تا هنگام بازگشتتان به پاریس تصویر کامل آنرا تهیه و مورد استفاده قرار دهید، لکن چون مقابله آن نسخه با اصل موجود نزد ما لازمست ان شاء الله هر زمان به ایران مراجعت کردید

تصویر مزبور را همراه بیاورید تا کار مقابله به دقت انجام گیرد، و ما بخواست خداوند متعال در این کار به شما مساعدت خواهیم کرد. پس از مقابله در صورت امکان می توانید نصّ فارسی آن را نشر دهید.

تصور می کنیم علت اینکه شما از وجود نسخه «لوامع» در شهر و دیار و منزل و مأوای خودتان مطلع نشده اید اشتباه نویسندگان «فهرست کتابخانه ملی پاریس» باشد که بخطا آنرا «صواعق الرحمان» ضبط کرده اند، و شاید هم شما مطلقاً به فهرس آنجا مراجعه نفرموده اید و این بعید به نظر می رسد خصوصاً که نسخه مزبور منضمّ به نسخه ای از «مصقل الصفا» است که آن هم برایتان کاملاً تازگی دارد. به هر حال شما خود در این سفر تحقیق کامل از وضع نسخه بفرمائید.

این سخن را هم اضافه کنیم که از «لوامع ربانی» تا بحال نسخه ثالثی کشف نشده است، اگر چه بقرائن؛ احتمال نوشته شدن نسخه یا نسخ دیگری را هم می دهیم.

عجالتاً اشاره به این نکته لازم است که حیات علمی و موقعیت اجتماعی امیر سید احمد علوی و آثار گوناگون فارسی و عربی او شایسته مطالعه دقیق و مستمرّ بر مبنای کاملاً علمی و فنی می باشد. و در خصوص مبارزه دامنه دار او با کشیشان نصرانی - که بگمان این حقیر در ایام حیات حضرت شیخ بهاءالدین محمد عاملی «روح الله روحه الشریف» تظاهر و فعالیتی نداشتند و پس از فوت آن دانشمند جامع در ۱۰۳۰ هجری قمری، بلافاصله «بنا بر نصّ لوامع ربّانی در ۱۰۳۱» دست به کار شدند - امیر سید احمد علوی «و لابد دانشمندانی دیگر» بر حسب وظیفه در ردّ اعتراضات و دفع شبهات آنان پیا خاستند، و اگر چه کشیشان مبلغ از اعمال خود بهره مستقیمی نبردند لکن علماء آنزمان را به اینگونه مسائل وارد کردند که نتیجه بسیاری از عمر و فعالیت آنان - و البته برخلاف میل قلبی - صرف این قبیل کارها شد و از شاهراههای اصلی و حیاتی که همانا

پیش بُرد مقاصد علمی و فلسفی بود تا حدّ زیادی بازماندند، و این نکته ای است که در اثر مطالعه و ممارست بسیار بر ما معلوم گردیده و الا در جایی نوشته نشده است.

البته این مسائل تا پایان دوره صفوی کمابیش ادامه داشت که در زمان شاه سلطان حسین «عزل در ۱۱۳۵ هجری قمری» یکی از پیشوایان روحانی مسیحیان به حقانیت دین مبین اسلام واقف گردیده و اسلام آورده و نام خود را علی قلی بک جدیدالاسلام گذارده و در حدود سال ۱۱۲۰ «تورات» را از عربی به فارسی ترجمه و با اصل لیتنی «لاتینی» آن تطبیق نموده و در مقدمه آن کتاب که بنام «سیف المؤمنین فی قتال المشرکین» است ضمن بیانات مفصّل خود گوید که نصاری بجهت راه گم کردن بر علمای اسلام و استهزاء آنان یک نسخه «تورات» عربی غیر معتبر و پر از تحریف منتشر کرده اند، و چون علمای اسلام بر این نسخه ردّ نویسند نصاری آنان را استهزاء کنند. علیهذا مؤلف این کتاب که خود «در ایامی که در دین نصاری بوده به مرتبه پادری گری امتیاز داشته به مرتبه ای که او را مقتدا و پیشوای خود می دانستند: عین عبارت مقدمه کتاب مزبور»؛ به این مهمّ قیام نموده و تلبیس و تدلیس آنان را آشکار و حقانیت دین مبین اسلام و مذهب تشیع را از کتب انبیاء سلف اثبات نموده است.

از این کتاب مهمّ چند نسخه موجود است، از جمله در کتابخانه مبارکه رضویّه مشهد مقدّس و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که در فهرس آنها و جاهای دیگر و هم در بخش چاپ نشده فهرست ما معرّفی شده است، و خصوصاً برای مسائل مورد علاقه شما جناب پروفیسور کربن مراجعه به این کتاب مفید خواهد بود.

امیدواریم که محققانی همچون شخص آن جناب فضائل مآب - با موقعیت ممتاز و احترام خاصی که در جوامع علمی دارید - در بر طرف کردن پرده اوهام و کشف حقائق و معرّفی اهداف عالیّه انسانی دین مبین اسلام بیش از پیش کوشا باشید و از راه

نُصح اخلاقی و ارشاد علمی و فلسفی جامعه غربی را - همانسان که وعده داده اید - با مبانی محکم و استوار اسلامی آشنا ساخته آنان را از پرتگاه تباهی و فساد به شاهراه حقّ و عِدالت و صلاح و سِداد رهنمون گردید، و این دعاگو موفقیت کامل شما را در این راه از خداوند متعال - جَلّت عظمته - خواستارم، و در خاتمه، متقابلاً احساسات صمیمانه خود را اظهار می دارم.

سید محمد علی روضاتی

اصفهان. بتاریخ ششم محرم الحرام یکهزار و سیصد و نود و هفت

«مطابق هفتم دیماه هزار و سیصد و پنجاه و پنج هجری شمسی»

ص: ۱۱۶

و خلفاءِ جورِ معاصرِ آن بزرگواران

و چند خبر دیگر.

«پنج تاریخ نخست به قول اشهر است»

رموز: «ت»: تولّد؛ «ش»: شهادت، ارتحال؛

«ج»: جلوس بر اریکهٔ قدرت؛ «ه»: هلاکت.

ص: ۱۱۷

سال

۲. «ت» امام حسن المجتبی علیه السلام . نیمه ماه رمضان.
۴. «ت» امام حسین سیدالشهداء علیه السلام . سوّم ماه شعبان.
۱۱. «ش» رسول اکرم محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله . ۲۸ صفر.
۱۱. «ج» ابوبکر بن ابی قحافه . ۱۳ ربیع یکم.
۱۱. «ش» صدیقۀ کبری فاطمه الزهراء علیها السلام . سوّم جمادای دوّم.
۱۳. «ه» ابوبکر بن ابی قحافه . ۲۲ جمادای دوّم.
۱۳. «ج» عمر بن الخطّاب . در همان روز.
- گماشتن معاویه بن ابی سفیان اموی بر شام.
۲۳. «ه» عمر بن الخطّاب.
۲۴. «ج» عثمان بن عفّان اموی . محرّم.
۳۵. «ه» عثمان بن عفّان . ذی الحجّه.
۳۶. بیعت با امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام . محرّم.
۳۸. «ت» امام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام . قول اصحّ.
۴۰. «ش» امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام . ماه رمضان.
- سلطه کامل معاویه بن ابی سفیان و اموی ها.

۵۰. «ش» امام حسن المجتبی علیه السلام . قول اشهر.
۵۷. «ت» امام محمد الباقر علیه السلام . قول اشهر. قول عامّه: ۵۶.
۶۰. «ه» معاویه بن ابی سفیان. «ج» یزید بن معاویه.
۶۱. «ش» امام حسین بن علیّ سیدالشهداء علیه السلام . عاشورا.
۶۴. «ه» یزید بن معاویه - علیهما اللعنه - نیمه ربیع یکم.
- سپس معاویه بن یزید نزدیک دو ماه بر سر کار بود و مرد.
۶۴. بیعت با عبدالله بن الزبیر بن العوام.
۶۵. زمامداری نه ماهه و مرگ مروان بن الحکم در آغاز ماه رمضان و «ج» عبدالملک بن مروان و سلطه نسبی.
- والیگری حجاج بن یوسف الثقفی بر حجاز و بعد عراق.
۶۷. قتل مختار بن ابی عبیده الثقفی. ۱۴ ماه رمضان.
۶۸. وفات عبدالله بن العباس.
۷۳. «ه» عبدالله بن الزبیر و سلطه کامل عبدالملک. ج ۲.
۸۱. وفات محمد ابن الحنفیه، فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام .
۸۳. «ت» امام جعفر الصادق علیه السلام . قول عامّه: ۸۰.
۸۶. «ه» عبدالملک بن مروان در ۶۰ سالگی. ماه شوال.
۸۶. «ج» ولید بن عبدالملک. همان ماه.
۹۵. «ش» امام زین العابدین علیه السلام . قول أصح.
۹۵. «ه» حجاج بن یوسف الثقفی. ماه رمضان.
۹۶. «ه» ولید بن عبدالملک نیمه جمادای دوّم.

۹۶. «ج» سلیمان بن عبدالملک. همان ماه.

۹۷ یا ۹۹. وفات حسن المثنیٰ فرزند امام حسن المجتبیٰ علیه السلام.

۹۹. «ه» سلیمان بن عبدالملک. ماه صفر.

۹۹. «ج» عمر بن عبدالعزیز بن مروان بن الحکم.

سدهٔ دوّم هجرت

۱۰۱. «ه» عمر بن عبدالعزیز. ماه رجب «ت»: ۶۱.

۱۰۱. «ج» یزید بن عبدالملک. همان ماه.

۱۰۵. «ه» یزید بن عبدالملک. ماه شعبان.

۱۰۵. «ج» هشام بن عبدالملک. همان ماه.

۱۱۴. «ش» امام محمّد الباقر ابن الامام زین العابدین علیه السلام.

۱۲۲. «ش» زید فرزند امام زین العابدین علیه السلام.

۱۲۵. «ش» یحییٰ فرزند زید شهید

۱۲۵. «ه» هشام بن عبدالملک. ربیع دوّم.

۱۲۵. «ج» ولید بن یزید بن عبدالملک. همان ماه.

۱۲۶. «ه» ولید بن یزید. جمادای دوّم.

۱۲۶. «ج» یزید «ناقص» بن ولید. همان ماه.

۱۲۶. «ه» یزید ناقص. ۷ ذی الحجّه.

۱۲۶. «ج» ابراهیم بن ولید بن عبدالملک. همان ماه.

۱۲۷. خلع ابراهیم بن ولید. ماه صفر.

۱۲۷. «ج» مروان بن محمّد بن مروان بن الحکم. همان ماه.

۱۲۸ . «ت» امام موسی بن جعفر علیهما السلام .

۱۳۲ . بیعت با ابوالعبّاس السفّاح عبداللّٰه بن محمّد . ربیع یکم .

۱۳۲ . «ه» مروان حمار یاد شده . ذی الحجّه .

زوال امویان و آغاز عباسیان

۱۳۵ . بیعت با ابوجعفر دوانیقی برادر سفّاح . ۱۳ ذی الحجّه .

۱۳۶ . «ه» ابوالعبّاس سفّاح . ذی الحجّه .

۱۴۸ . «ش» امام جعفر الصادق ابن الامام محمّد الباقر علیهما السلام .

۱۵۳ . «ت» امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام . قول اشهر .

۱۵۸ . «ه» ابوجعفر منصور دوانیقی . ذی الحجّه در مکه .

۱۵۸ . «ج» مهدی عبّاسی فرزند منصور . همان زمان .

۱۶۹ . «ه» مهدی عبّاسی . محرّم .

۱۶۹ . «ج» موسی الهادی فرزند مهدی عبّاسی . همان زمان .

۱۷۰ . «ه» موسی الهادی . ربیع دوّم .

۱۷۰ . «ج» هارون فرزند مهدی عبّاسی . همان زمان .

۱۸۳ . «ش» امام موسی الکاظم علیه السلام . ماه رجب .

۱۹۳ . «ه» هارون عبّاسی . جمادای دوّم .

۱۹۳ . «ج» محمّد الامین پسر هارون . همان زمان .

۱۹۵ . «ت» امام محمّد التقی ابن الامام الرضا علیهما السلام .

۱۹۸ . «ه» محمّد الامین پسر هارون . محرّم .

۱۹۸ . «ج» مأمون عبّاسی پسر هارون . همان زمان .

- ٢٠٣ . «ش» امام عليّ بن موسى الرضا عليهما السلام . ماه صفر . قول مشهور .
- ٢١٢ . «ت» امام عليّ النقيّ ابن الامام محمّد التقى . ٥ ذى الحجّه . قول مشهور .
- ٢١٨ . «ه» مأمون عبّاسى . ماه رجب .
- ٢١٨ . «ج» المعتصم محمّد بن هارون . همان زمان .
- ٢٢٠ . «ش» امام محمّد التقى عليه السلام . ذى القعدة . قول مشهور .
- ٢٢٧ . «ه» المعتصم عبّاسى . ربيع يكم .
- ٢٢٧ . «ج» الواثق هارون ابن المعتصم . همان زمان .
- ٢٣٢ . «ت» امام حسن العسكريّ بن الامام عليّ النقيّ عليهما السلام . ربيع دوّم .
- ٢٣٢ . «ه» الواثق هارون عبّاسى . ذى الحجّه در سامراء .
- ٢٣٢ . «ج» المتوكلّ جعفر فرزند المعتصم . همان زمان .
- ٢٤٧ . «ه» المتوكلّ جعفر . ماه شوّال .
- ٢٤٧ . «ج» المنتصر محمّد فرزند المتوكلّ . همان زمان .
- ٢٤٨ . «ه» المنتصر محمّد عبّاسى . ٥ ربيع دوّم .
- ٢٤٨ . «ج» المستعين احمد فرزند المعتصم .
- ٢٥٢ . بركنارى المستعين و هلاك او .
- ٢٥٢ . «ج» المعتزّ محمّد «زبير» فرزند المتوكلّ .
- ٢٥٤ . «ش» امام عليّ النقيّ عليه السلام . ج ٢ يا اوائل ماه رجب .
- ٢٥٥ . «ج» المهتدى فرزند الواثق . آخر ماه رجب به خلع المعتزّ .
- ٢٥٥ . «ت» حضرت امام غائب الحجّه ابن الحسن عليهما السلام . نيمهٔ ماه شعبان . و قيل : ٢٥٦ .

٢٥٥. «ه» المعتز محمد عباسي. ماه شعبان.

ص: ١٢٢

٢٥٦. «ه» المهتدى محمد عباسى. ماه رجب.

٢٥٦. «ج» المعتمد احمد بن المتوكل. نيمه ماه رجب.

٢٦٠. «ش» امام حسن العسكرى عليه السلام. ٨ ربيع يكىم.

٢٧٩. «ه» المعتمد احمد عباسى.

٢٧٩. «ج» المعتضد احمد بن الموفق طلحه بن المتوكل.

٢٨٩. «ه» المعتضد احمد عباسى.

٢٨٩. «ج» المكتفى على بن المعتضد احمد.

٢٩٥. «ه» المكتفى على عباسى.

٢٩٥. «ج» المقتدر جعفر بن المعتضد احمد.

سده چهارم هجرت

٣٢٠. «ه» المقتدر جعفر عباسى. شؤال.

٣٢٠. «ج» القاهر محمد بن المعتضد احمد. ٢٨ شؤال.

٣٢٢. عزل القاهر. «ج» الراضى محمد بن المقتدر.

٣٢٩. «ه» الراضى محمد عباسى. ربيع يكىم.

٣٢٩. «ج» المتقى ابراهيم بن المقتدر. عزل ٣٣٣.

٣٢٩. وفات على بن محمد السمرى رحمه الله. ايان غيب صغراى ولى عصر عجل الله فرجه.

«م.ع.ر. عيد غدیر ١٤٢٦»

فهرست اسامی معصومین علیهم السلام

حضرت رسول الله صلى الله عليه و آله ۲۳

امیرالمؤمنین علیه السلام ۷۲-۵۵-۵۱-۵۰

حضرت امام حسین علیه السلام ۷۳

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ۵۳

حضرت صاحب علیه السلام ۷۸

فهرست نام اشخاص

آخوند ملا حسین ۶۸

آخوند ملا علی نوری نوری

آخوند ملا محسن فیض فیض کاشانی

آخوند ملا محمد طاهر قمی، مولانا محمد طاهر

آذر بیکدلی، لطفعلی بیک ۴۶-۴۷

آزاد بلگرامی ۶۲

آشتیانی، جلال الدین ۴۲

آقا بابا حاج عبدالصمد

آقا بابا ولد محمد طاهر ۶۴

ص: ۱۲۵

آقا جعفر خویش آقا نبی ۶۸

آقا جواد ۷۴

آقا سید محمد فرزند آیه الله آقا سید محمد کاظم یزدی ۹۴

آقا کلبعلی ۶۹

آقا محمد جعفر ولد حاج محمد زمان بزّاز ۷۰

آقا محمد سعید قاضی قمی

آقا مهدی ۶۹

آقا میرزا سید محمد هاشم، آیه الله العظمی ۶۸-۶۷

آقا نبی ۶۸

ابراهیم برادر علیشاه ۷۷

ابن شهر آشوب محمد بن شهر آشوب

ابن عربی اندلسی ۵۲-۵۱-۱۹

ابوطالب ۷۷-۲۸

ابوطالب قمی، ابن محمد سعید ۲۹

اسمعیل طبسی ۸۸

اشرف افغان، سلطان ۷۸-۷۷

اصفهانی، حاج سید ابوالقاسم ۹۲

اصفهانی، محمد باقر فرزند احمد ۵۵

اصفهانی مشتاق

اصفهانی افندی

افاځنه ۶۱

ص: ۱۲۶

افندی، میرزا عبدالله ۳۱

الفت اصفهانی، میرزا محمد باقر ۲۴

امامقلی اصفهانی ۷۱

امینی، محمد هادی ۸۹

انتونیو دو رزو ۶۹

اورنگ زیب ۵۹

بزاز، حاج محمد زمان ۷۰

بغمچی مشهدی، حاجی محمد حسین ۶۹-۸۵

بهمنیار ۱۰۹-۱۱۱

پهلوی ۸۹

تبریزی، ملا رجبعلی ۱۱-۱۳-۳۰-۳۱-۳۲-۴۱-۴۲-۴۳

تبریزی، ملا محمد حسین ملا شاه محمد ۵۹

تنکابنی جیلانی، محمد ۳۱

تونی، سلطان محمد ۹۷

تونی خراسانی، ملا محمد علی ۵۸ تا ۱۰۵

تونی طبسی تونی خراسانی

ثانی شاه عباس ثانی صفوی

جدید الاسلام دیلماج

جزائری، بهاءالدین محمد ۲۸

جزائری، سید عبدالله ۹-۲۸

جعفرى، فتح الله ٢٤-١٣

ص: ١٢٧

جعفریان، رسول ۹۱-۶۷-۲۳-۱۹

جویمندی جنابدی، میرزا صادق ۷۰

حاج عبدالصمد ملقب به آقا بابا ۷۴

حاج عماد فهرستی ۹۴

حاج محمد محسن ۷۴

حسن بن سلیمان ۵۴

حسینی، صفی الدین محمد بن محمد هاشم ۴۰-۳۸-۳۶

حکیم، محمد باقر قمی ۴۶-۳۴-۲۷-۱۱

حکیم باشی، میرزا محمد حسین ۴۶-۴۵-۳۶-۳۵-۳۴-۲۷-۱۱

حکیم سعید خان حکیم میرزا محمد سعید

حکیم مؤمن تنکابنی ۴۵-۲۲-۲۰-۱۹-۱۸

حکیم میرزا محمد سعید ۳۲-۲۷-۱۹-۱۸-۱۱-۱۰ تا ۴۹

حلاج ۱۹

حلاجیه ۱۹

حیدر قلی سردار کابلی

خاتون آبادی، میر عبدالحسین ۷۴

خاتونآبادی میر عبدالغنی

خاتونآبادی، میر محمد حسین بن محمد صالح ۹۷-۷۳-۶۲-۶۱-۵۹-۵۸

خاتونآبادی، میر محمد صالح ۷۳-۶۱-۵۸

خاتونآبادی میر معصوم

خاجوی، ملا اسماعیل ۶۱

ص: ۱۲۸

خاقان ۳۳

خوارزمی ۲۱

خوانساری، محمد تقی بن قاضی سعید ۲۹

خوانساری، محمد علی ۳۸

خوبی، حاج امین الشریعه ۵۴

داغستانی، علی قلی واله

دانش پژوه ۳۷-۴۱-۴۲

دیلماج، علیقلی بیگ ۱۱۵-۱۰۹-۶۷-۶۴

دیهوکی ۸۶

راونندی، قطب الدین ۳۰-۵۱

رضا قلی ولد نادر ۷۷

روضاتی، سید محمد علی ۵۸-۶۱-۹۶-۱۰۹-۱۱۶

زرکش، آقا محمد علی ۶۹

زین العابدین بن محمد حسین ۲۸

سادات حسینی خاتونابادی ۵۸-۶۲

سجادی، سید احمد ۳۹

سردار کابلی ۲۳-۲۴

سعید قاضی قمی، محمد سعید

سلمان فارسی ۵۴

سید آقای شوشتری ۸۴

سید ابو تراب ۶۴

ص: ۱۲۹

سید ابوالقاسم ولد سید سلیمان نجفی ۶۴

سید احمد خان - شاه ۷۷-۷۳

سید مشایخنا الامین ۲۶

سیوطی ۶۳

شاردن ۳۶

شاهرخ افشار نواده نادر ۷۸-۷۷

شاه سلطان حسین صفوی ۱۱۵-۹۰-۷۷-۷۲-۶۹-۶۰-۱۲

شاه صفی صفوی ۷۷-۴۱-۳۴

شاه طهماسب ثانی ۷۷

شاه عالم ہندی ۵۹

شاه عباس ثانی صفوی ۴۷-۴۶-۳۷-۳۶-۳۵-۳۱

شاه عباس ماضی ۴۵

شاه مالک رقاب شاه سلطان حسین

شریف قمی قمی، محمد کریم

شیخ آقا بزرگ ۱۰۹

شیخ الاسلام ۲۲-۱۰

شیخ الاسلام خاتونابادی

شیخ صدوق قمی ۸۷-۵۴-۵۲

شیخ صفی الدین ۲۲

شیخ علیخان ۷۲

شیخ هاشم بن محمد ۵۱

ص: ۱۳۰

شيخنا البهائي عاملي

صاحبقران ١٩

صباح مدائني ٥٣

صدرالدين محمد الشريف الرضوي ٢٨

صدرالدين محمد ٨٦-٦٤

صدرالمتألهين، ملّا صدرا ١٠٩-٤٧-١٤

صفار ٥١

صفدي، صلاح الدين ٦٣

صفوي ١١٥-٨٩-٦٠-٥٨-٢٢

صفوي، شاه سليمان ٤٦-٣٦-١٢

صفويان ٣٣

صفويه ٦١-٥٨

طبري ٥٥

طبيب، محمد سعيد بن محمد باقر حكيم

طريحي، فخر الدين ٩٢

طوسي، ابوجعفر ٥١

طهراني، شيخ عبدالحسين ٢٦

طهراني عسكري، ميرزا محمد ٢٤

عاملي، شيخ بهاء الدين محمد ١١٤-٢٧

عباس دوم شاه عباس ثاني صفوي

عباسی، محمد ۳۶

ص: ۱۳۱

عبدالحسین بن محمد رفیع دیھوکی طبسی ۸۶-۸۹

عبدالحسین فیضعلیشاہ ۸۲

عبدالحی بن محمد رفیع ملا عبدالحی

علامہ تھرائی ۳۱

علامہ مجلسی ۵۲-۵۳-۵۴-۵۹-۶۷-۹۰-۹۷

علم الھدی، مولانا محمد ۲۱

علی شاہ ۷۷

علی فرزند ابراھیم درویش برھان

علیقلی بیک جدید الاسلام دیلماج

عمادالدین طبسی ۸۸

عمادالدین محمود حکیم ۳۴

غزنوی، عبدالجلیل بن فیروز بن حسن ۶۳

غلزایی ۶۰

فارقلیط ۱۱۰

فاضل خاجویی ۹۴

فاطمہ طبسی ۸۹

فرج اللہ خان ۷۲

فیاض لاهیجی قمی، ملا عبدالرزاق ۳۲-۴۷-۴۸

فیض کاشانی ۴۳-۵۰ تا ۴۷-۳۴-۲۱ تا ۲۴-۱۴-۱۳

القاضی سعید قاضی قمی

قاضي القضاء قم ١٧-١٦

ص: ١٣٢

قاضی قمی، محمد سعید ۹ تا ۹۵-۵۵

قاضی و قاضی مفتی قم ۱۹

قزوینی، عبدالنبی ۴۲

قزوینی، محمد طاهر وحید ۳۵-۳۴-۳۳-۹

قمی، حکیم محمد سعید حکیم میرزا محمد سعید

قمی، محمد مفید ۳۰-۲۷-۲۴-۱۳

قمی، مولانا محمد طاهر ۱۸-۱۲ تا ۴۵-۲۲

قمی، میرزا محمد حسین حکیم باشی

قمی، محمد کریم ۲۲-۱۸-۹ تا ۴۵-۲۷

قمیان ۳۱

کاشانی، ملا محمد محسن فیض

کاشی، مولانا محسن فیض

کاشی، نورا ملا ضیاء الدین ۴۵

کاظمی، محمد یوسف ۸۱

کشیش پرتغالی ۶۹

گلستانه، میر سید علاء الدین ۵۸

گیلانی فیاض

گیلانی، ملا حمزه ۹۳

گیلانی، ملا رفیعا ۲۰

لاهیجی فیاض

لاھيڇي گيلاني، سيد محمد ۹۵

ص: ۱۳۳

لوحی سبزواری ۲۰

مجتهد، سید حسینا ۳۹

مجلسی، مولانا محمد باقر ۲۱-۵۸-۶۱-۷۳-۹۵

محدث قمی ۳۱

محمد المدعو باسماعیل ۹۴

محمد بن شهر آشوب ۶۹

محمد بن مفید ۲۶-۵۴

محمد بن ناصرالدین بن علی بن علاءالدین ۹۱

محمد باقر اصفهانی اصفهانی

محمد جعفر، بیکا ۹۰

محمد حسن ۷۱

محمد حسین بن امامقلی اصفهانی ۹۶

محمد حسین خان ۷۲

محمد رضا فرزند ملا محمد علی تونی ۶۹-۷۱

محمد زکریا ۳۵

محمد زمان ۷۷

محمد شاه غازی ۲۹

محمد علی بک ۷۷

محمد علی خراسانی تونی تونی خراسانی

محمد علی رقی تونی تونی خراسانی

محمد علی مشهور به خراسانی تونی خراسانی

ص: ۱۳۴

محمد عليا داماد محمد قلی بيك ۹۰

محمد قلی بك ۷۶

محمد قلی بيك خياط ۹۰

محمد قلی بيك زردوز ۹۰

محمد قلی خان ۷۲

محمد كرم ۲۴

محمد كريم قمی، محمد كريم

محمد مؤمن حكيم مؤمن

محمد هادی بن احمد طالقانی ۹۳

محمود ۶۰

محمود افغان ۷۷

مختاری، مير بهاء الدين نایینی ۸۵

مدرس قاموسی ۳۱

مدرسی طباطبائی قمی، سيد حسين ۳۷-۴۴

مسلم ۷۹

مشتاق اصفهانی، مير سيد علی ۶۲-۶۳-۷۵

مشکوه، سيد محمد ۳۵

مشهدی، ميرزا محمد ۸۸

مصطفی قليخان ۷۲

معزالدين ۵۹

مفضل ۵۳

ص: ۱۳۵

ملا ابوالحسن طبسی ۸۹

ملا اسماعیل " خاجویی " ۹۳-۹۴

ملا اسماعیل طبسی ۸۶-۸۹

ملا اسماعیل ولد ملا یعقوب قاسم آبادی ۷۵

ملا حسین همشیره زاده ملا اسحق ۶۴

ملاً صدرا صدر المتألّهین

ملا عباس ۶۸

ملا عبدالمحسن ۴۵

ملا عبدالحی ۸۷-۸۸-۱۰۷

ملا محمد جعفر طبسی ۸۶-۸۸

ملا محمد صادق ۵۹

ملا محمد صادق اردستانی ۹۳

ملا محمد علی بن محمد رضا ملا محمد علی تونی

ملای روم ۱۹

موسوی، سید هبه الله ۵۲

موسوی، محمد علی ۶۴

مولانا احمد تونی ۸۸

مولانا عبدالله تونی ۸۸

مولانا محمد باقر بن درویش علی صباغ ۷۰

میرداماد ۱۱۲-۱۰۹-۳۴

میردامادی، حاج سید جمال الدین ۱۱۳

ص: ۱۳۶

میر سید علی مشتاق اصفهانی

میر عبدالغنی، خاتونابادی ۷۵

میر فندرسکی ۴۰-۳۴

میر محمد اشرف بن میر عبدالحسیب ۱۱۲

میر محمد حسین خاتونابادی

میر محمد هادی بن محمد مهدی حسینی تفریشی اصفهانی ۹۳-۹۲

میر محمد هادی ولد میر محمد مهدی ۶۸

میر معصوم، خاتونابادی ۷۵-۷۴

میر هادی ۹۵

میرزا اسماعیل خلف میرزا مؤمن وزیر تفنگچی ۹۵

میرزا داود متولی ۷۷

میرزا رفیعا ۳۴

میرزا صاحب ۳۶

میرزا کوچک ۹۶-۷۱-۳۶

میرزا محمد ۳۴

میرزا محمد سعید حکیم میرزا محمد سعید

میرزا محمد طاهر قزوینی

میرزا محمد علی حیب آبادی ۱۰۹

میرزا محمد مقیم ۷۰

میرزا نور الدین ۲۱

میروس غلزایی ۶۰

ص: ۱۳۷

میشل دومیراس ۱۱۰

نادر شاه افشار ۷۷-۶۱-۲۸

ناصرالدین شاه قاجار ۲۹

نصرآبادی، میرزا طاهر ۴۵-۲۱-۲۰-۱۱

نصرانی ۱۱۴

نقشینه فروش، آقا حاجی محمد ۷۴

نواب حکیم ۳۰

نواب خانم ۳۰

نواب لاهیجانی؛ میرزا محمد باقر ۳۰

نور علیشاه، محمد علی ۸۲

نوری، آخوند ملاعلی ۱۵

واله داغستانی، علی قلی ۶۲-۴۶

وحید قزوینی

هادی زاده، مجید ۳۹

هانری کربن ۱۱۵-۱۱۲-۱۱۱-۱۰۹

همدانی، شیخ محمد جعفر ۷۶

یزدی، مولانا حاج حسین ۲۷-۲۴

ص: ۱۳۸

فهرست کتاب ها و آثار

آتشکده آذر ۷۳-۴۷-۴۶-۴۴-۹

آثار ملی اصفهان ۸۹

اثبات واجب حکیم ملا رجبعلی تبریزی ۴۲-۳۱

اجازه کبیر سید جزائری ۲۸-۱۸

احیاء الدائر ۵۱

اخلاق ناصری ۲۱

اربعونیات کتاب الاربعینات

ارشاد المسترشدين ۸۵-۶۹

اسرار الصنایع ۳۸ تا ۴۳-۱۱

اسرار العبادات ۵۵-۲۹

الاصول الاصلیه الاصل الاصل

اصول اصیله ۸۶-۶۴

اصول دین به زبان ترکی ۹۶

اصول کافی ۲۸

اعیان الشیعه ۹۲-۲۶

الاختصاص ۵۴

الاصول الاصلیه یا الاصول الاصفیه ۴۳-۴۲-۴۱

ص: ۱۳۹

الامالى شيخ صدوق ٢٨

البرهان القاطع و النور الساطع ٤٣

الحكمه الصادقيه ٩٣-٩٤

الخرائج و الجرائح ٥١

الخلاصه شيخ بهائى ٢٧

الذريعه الى تصانيف الشيعة ٢٠-٢٣-٢٤-٢٥-٣٨-٤١-٤٧-٥٠-٥١-٥٢-٦٢-٦٣-٦٨

١١٢-١٠٩-٩٤-٩٣-٩٢-٨٤-٨٣

الروضه النضره ٢٠-٢١-٢٤-٢٧-٤٣-٤٧-٨٢

الشرح الصغير للصمديه ٨٥

الطلائع و البوارق ١٦

الفوائد العلويه ٨٤

ألفيته يحيى بن معط ٨١

المثل و الصور ١٦

المجموع الرائق ٥٠-٥١-٥٢

المحتضر ٥٠-٥٤

المحججه البيضاء ٤٥

النهايه فى شرح الهدايه ٦٣ تا ١٠٤، در بيشر صفحات

الوافى بالوفيات ٦٣

الهدايه فى النحو ٦٣-٦٩

امل الامل ٩

انجيل ١٠٩

ص: ١٤٠

بحار الانوار ۵۲-۵۳-۵۴

بحر المناقب ۵۰

بصائر الدرجات ۵۱-۵۳

بغیه الوعاه ۶۳

بیاض ۸۴

تاریخ افغان ۶۰

تاریخ جهان آرای عباسی ۳۴

تاریخ حزین لاهیجی ۹

تاریخ کرمان ۷۳

تاریخ محمد طاهر قزوینی ۹

تاریخ نائین ۸۹

تبصره المؤمنین ۱۸-۱۹-۲۰-۲۲

تتمیم امل الامل ۴۲

تحفه الاخیار ۱۸

تحفه الطلبة ۸۰-۸۳

تحفه العشاق ۹-۱۵-۱۷-۱۸-۲۱-۲۲-۲۳

تحفه حکیم مؤمن ۱۸

تذکره الشعراء نصرآبادی ۴۴-۴۵

تذکره الشعراهای هندی ۴۴

تذکره القبور ۳۰-۸۹

تذکره القبور عبدالکریم گزی اصفهانی ۳۰

ص: ۱۴۱

تذکره حزین الاهیجی ۹

تذکره نصرآبادی ۶۲-۴۶-۴۵-۲۰-۱۱

تشریح عظام الرأس و الفك ۴۱

تعلیقات اثولوجیا ۱۱

تعلیقات الاشارات متنا و شرحا ۴۱

تفسیر موضوعی قرآن نواب ۳۰

توحید صدوق ۹ تا ۵۰، در بیشتر صفحات

تورات ۱۱۵-۱۰۹

ثقات عیون ۵۱

جامع الانساب ۲۲

جامع المقال ۹۲

جمال الصالحین ۶۴

جنگ خطی کتابخانه مجلس تهران ۴۸

جهانگشای نادری ۷۳

چهل حدیث ۹۶

حاشیه ملا عبدالرزاق ۶۴

حاشیه میرزا ابراهیم بر خفری ۶۴

حدائق المقربین ۸۷

حقایق الصنایع ۴۰-۳۸

حکمه العارفین ۲۰

ختامه مسكیه ۵۳

ص: ۱۴۲

خزانه عامره ۶۲

خطبه البيان ۱۹-۵۲

خلاصه البلدان ۳۶-۳۷-۴۴

خلق العمل ۱۰۹

دانشمندان و بزرگان اصفهان ۸۹

در بحر مناقب ۵۱-۹۶

در ایت نثار فتح الله به اعین الاعتبار ۲۱

دستور العمل مجمل ۴۱

دستور الملوک میرزا رفیعا ۳۳

دستور شهر یاران ۶۸

دعوات ۶۴

دلایل الامامه ۵۵

دو گفتار ۵۸

دیوان اشعار قاضی سعید قمی ۱۰-۴۴

دیوان اشعار محمد سعید حکیم ۱۰-۱۱

دیوان فیاض لاهیجی ۴۷

رسائل الاربعیّات کتاب الاربعیّات

رساله وجودیه اثبات واجب

روضات الجنات ۱۷-۲۳-۲۸-۲۹-۳۱-۳۲-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳

روضه المؤمنین ۸۳-۹۶

رياض ٣١

ص: ١٤٣

رياض الشعراء ٤٦

رياض الشهرء واله ٩-٦٢

رياض العلماء ٩-١٠-٣١-٣٢-٥٢

ریشه های تاریخی امثال و حکم ٢١

زبور آل داود ٧٣

سیاحتنامه شاردن ٣٦

سيف المومنین فی قتال المشركین ٦٧-١٠٩

شافیه ٦٨

شرح اربعین ٤١-٤٤-٤٨

شرح الاربعین حدیثا ٣١-٥٠-٥٥-

شرح چامی ٦٨

شرح حدیث البساط ٥٠-٥١

شرح حدیث الغمامه ١٦-٤٩-٥٠-٥٢-٥٤-٥٥

شرح حدیث عمران صابی ٨٥

شرح سیوطی ٦٨

شرح لمعه ٧٠

صواعق الرحمان ١١٤

طب الرضا ٨٣

طبقات ٢٠-٢٣-٢٥-٢٧-٨٢

عباس نامه ٣٧

علاج الاسقام ٩٢-٨٤-٨٣

ص: ١٤٤

علاقه التجريد ۱۱۲

عوامل منظومه ۷۶

عين الحيات ۵۴

عيون الانباء في طبقات الاطباء ۳۳

فتوح المجاهدين ۱۹-۲۲

فرهنگ معين ۲۱

فصلنامه ميقات حج ۲۳

فهرست اعلام الذريعه ۹۴

فهرست الفبائي كتب خطي آستان قدس ۸۲

فهرست كتابخانه مركزي دانشگاه تهران ۴۱

فهرست كتابخانه ملي پاریس ۱۱۴

فهرست كتابخانه ملي ملك ۲۹

فهرست كتب خطي كتابخانه های اصفهان ۱۱۳-۱۱۲-۸۷

فهرست مجلس ۴۲

فهرست نسخه های خطي كتابخانه فاضل خوانساری ۳۸

فهرست نسخه های خطي مركز دائره المعارف اسلامي ۱۶-۹۶

فهرست نسخه های خطي مركز احیاء میراث اسلامي ۱۹

فهرستگان نسخه های خطي ۵۵

فهرستواره كتابهای فارسي ۱۹-۲۲-۲۹

قرآن ۷۰

كاشف الحق ٨٣

ص: ١٤٥

كافيه ٦٨

كتاب ابن عقيل ٦٤

كتاب الاربعين لشرح احاديث الائمة الطاهرين ٨٣-١٥

كتاب الاربعينات لكشف انوار القدسيات ٥٥-٥٣-٤٣-٤١-١٥-١٤

كتاب الفقيه ١٠٧

كتاب المناقب ٦٩

كتاب رد بر نصارى ٦٧-٦٤

كتاب سؤال و جواب ٩٥

كتاب فاطمه ٨٩

كتاب من لا يحضره الفقيه ١٠٧-١٠٦-٩٠-٨٧-٨٦

كتب فقيهه ٩٥

كفايه المتعبدين ٩٢-٨٤-٨٣

كليد بهشت ٤٣-٤١-٣٥-٣١-١١

كنز اللغه ٩٤

كنز المطالب ٩٧

كواكب منتشره ٩٤-٩٢-٨٦-٨٥-٨٢-٥٩-٢٨-٢٤-٢١-٢٠-١٧-١٣-١٢

گنجينه آثار تاريخي اصفهان ٨٩

لطائف غيبه ١١٣

لوامع ربّانى ١١٤-١١٣-١١٢-١١٠

مثنوى ٥٢-٥١

مجله وحيد ٤٤

مجله هنر و مردم ٣٧

مجمع الاجازات ٢٤

مجمع التواريخ ٧٣

مجموع الواصل من انهار الحقائق ٥٤

مجموعه ٥٣-٩٦

مجموعه ورام ٩٢

مرآه الكتب ٣١

مرقاه الاسرار ١٢-١٤-٥٣

مستدرک اجازات بحار الانوار ٢٤

مصباح الانوار ٥١

مصقل صفا ١٠٩-١١٠-١١٢-١١٣-١١٤

مغنى اللبيب عن كتب الاعراب ١٧-١٣

مفيد الطلاب فى معرفه الاعراب ٦٤

مقالات تاريخى ٦٧

مقاله زن در تفسير مخزن العرفان ٣٠

مقاله سعديه ٨٢

مقاله فى ان الواحد لا يصدر عنه الا الواحد ٤٢

مكاتبات فيض ٤٤

مكارم الآثار ٣٠-٣٣-٨٢-٨٩

مکافاتنامه منظوم ۷۳

ص: ۱۴۷

منتخبات آثار حکماء ۴۲

منهج التحقيق الى سواء الطريق ۵۴

ميراث حديث شيعه ۸۵

ميزان الصواب ۵۴

نجوم السماء ۶۲

نزهه النواظر ۹۲

نسخه های خطی کتابخانه سردار کابلی ۲۴

نظم اللالی ۹۵-۱۰۵

نهج البلاغه ۵۹

واردات قلبیه ۱۴

وقایع السنین و الاعوام خاتون آبادی ۷۵-۱۲-۹

یادداشتهای مرحوم علم الهدی ۴۵

یادنامه میرزا محمد علی حبیب آبادی ۱۰۹

ص: ۱۴۸

فهرست نام جای ها

آذربایجان ۲۸

آستان قدس ۹۴

آستانه حضرت امام رضا علیه السلام ۷۳

اصفهان در بیشتر صفحات

انتشارات خوارزمی ۲۱

ایران ۱۱۳-۱۱۱-۹۳-۶۰-۳۶-۱۱-۹

باونات فارس ۶۹-۲۰

بسطام ۱۹

بغمچ ۸۵-۶۹

پاریس ۱۱۳

پرتغال ۶۹

پل فسا ۷۸

تبریز ۶۹-۵۱

تخت پولاد ۸۲

تکيه فیض ۸۲-۳۵

تهران ۱۱۳-۱۱۲-۹۶-۶۱-۵۴-۵۳-۵۱-۴۸-۴۷-۴۴-۳۴-۱۰

تون ۹۵-۸۲-۷۰

چهار سو ۶۸

ص: ۱۴۹

چهار سوق ۷۴

چارسوی شیرازیها ۶۷-۸۹

چشمه قنبر ۷۴

خانه آقا باقر ۷۸

خانه کلبعلی بک تاین ۷۴

خراسان ۷۰-۷۸-۹۵

خوانسار ۳۸-۳۹-۴۰-۶۷-۶۸

خیابان خشک ۶۷

خیابان خوش ۶۷

خیابان شاه ۶۷

خیابان طالقانی ۶۷

دار السلطنه ۷۰-۷۵-۸۰-۸۷

دار الکتب الاسلامیه ۵۴

دانشگاه تهران ۱۰-۹۴

دشت مغان ۲۸

دیر مسیحیان ۶۴

روضه معصومه ۲۸

سامراء ۸۳

ستی فاطمه ۸۸-۸۹

سوق حسن آباد ۸۱

طیس ۷۰-۸۲-۹۵

طیس گیلکی ۸۲

ص: ۱۵۰

عتبات عالیات ۶۸-۷۱-۷۴

فردوس ۸۲

فیض آباد ۷۰

قریه تار ۸۸

قزوین ۱۸-۱۹

قصبه رقه ۷۰-۷۱-۸۲-۹۷

قلعه طبرک ۷۵

قم ۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۸-۲۰-۲۲-۲۵-۲۸-۳۰-۳۲-۳۶-۴۳-۴۶-۴۷-۴۹-۶۷-۹۱-۱۰۵

قمصر ۴۵

کاشان ۱۳-۴۵

کتابخانه حسینیہ علی محمد نجف آبادی ۹۲

کتابخانه حکیم نواب لاهیجانی ۳۰

کتابخانه سردار کابلی ۲۳-۲۴

کتابخانه شیخ عبدالحسین تهرانی ۲۶

کتابخانه علامه طهرانی در سامراء ۸۳

کتابخانه مبارکه رضویہ مشهد ۱۹-۹۳-۱۱۵

کتابخانه مرعشیہ قم ۲۵-۹۰-۱۰۵

کتابخانه مرکزی دانشکاه تهران ۱۱۵

کربلاء ۲۶-۳۶

کرمان ۷۷

کرمانشاه ۲۳

کوچه علی قلی بیگ ۶۷

ص: ۱۵۱

گناباد ۷۶

گیلان ۷۷

محلہ خاجو ۹۳-۹۵

محلہ دباغان ۹۳-۹۵

محلہ قصر منشی ۶۸

محلہ کرک دوان گرگ دوان ۶۸-۷۰-۹۲-۹۳-۹۵

مدرسه اسماعیلیه ۶۸

مدرسه النوابه العلویه ۸۷

مدرسه بنت الخاقان بن خاقان مریم بیگم ۸۷

مدرسه جدید سلطانی خاقانی حسینی ۸۰

مدرسه حاج اسماعیل ۶۸

مدرسه سلطانی چهار باغ ۸۰

مدرسه شیخ لطف الله ۹۰

مدرسه فاضلخان ۷۰

مدرسه مریم بگم بنت شاه صفی ۸۱

مشهد مقدس ۶۱-۶۹-۷۰-۷۴-۸۲-۸۵

مقبره سلاطین ۲۸

نجف اشرف ۲۰-۳۸-۵۱-۶۸-۹۲-۹۳-۹۴

نطنز ۸۸

وادی السلام ۶۸

هلمد ٤٧

هنءوسان ٤٢-١٩

ص: ١٥٢

۱ - «روضات الجنّات، فی تراجم العلماء و السادات»: تصحیح، تحشیه و فهرست.

چاپ سنگی، رحلی، تهران، ۱۳۲۷ ش، ۳۶ و ۷۴۸ صفحه.

۲ - «سما المقال، فی علم الرجال»: تصحیح، قم، ۱۳۳۲ ش، جلد یکم، ۶ و ۲۰۲ ص.

۳ - «زندگانی آیه الله چهارسوقی، و رجال دیگر»: تألیف، اصفهان، ۱۳۳۲ ش، مصور، ۲۲۴ ص.

۴ - «جامع الأنساب. خاندانهای سادات موسوی»: تألیف، جلد یکم، اصفهان و تهران، ۱۳۳۵ ش، ۸۶ و ۱۸۸ ص.

۵ - «مکارم الأئار، تاریخ رجال قرن ۱۳ و ۱۴»: تحقیق، تحشیه و فهرست، ۸ جلد، مصور، از ۱۳۳۷ تا ۱۳۸۱ ش، ۳۱۳۴ ص.

۶ - «کتاب الأوائل»: تحقیق، تحشیه، مقدمه، فهارس، ۱۳۴۰ ش، ۱۶ و ۶۴۰ ص.

۷ - «عبارات الأنوار»: تجدید طبع، مقدمه و فهارس، شش جزء حدیث ثقلین و سفینه، اصفهان، از ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۲ ش.

۸ - «عبارات الأنوار»: تجدید طبع، مقدمه و فهارس، حدیث منزلت، اصفهان، ۱۳۶۴ ش، ۱۸ و ۹۸۷ و ۳۴ ص.

۹ - «روضات الجنّات، فی تراجم العلماء و السادات»: تحقیق، شرح، مقدمه و فهارس، جلد یکم، اصفهان، ۱۳۴۱ ش، ۲۶ و ۳۵۲ ص.

۱۰ - «فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان»: تألیف، جلد یکم، معرفی هشتاد نسخه خطی، اصفهان، ۱۳۴۱ ش، ۴۰۸ ص.

- ۱۱ - «جبر و تفویض، رسالۀ خلق الأعمال صدرالمتألهین»: تحقیق و مقدمه، اصفهان، ۱۳۴۰ ش، ۱۰ و ۱۴ ص.
- ۱۲ - «تجارب السلف هندوشاه»: مقدمه و ملحقات، اصفهان، چاپ لوحی نسخه اقدم، ۱۳۶۱ ش، ۱۶ و ۴۰۰ ص.
- ۱۳ - «دوگفتار، دفتر یکم»: درباره علماء خوانسار، تألیف، اصفهان، قم، ۱۳۷۸، ۱۴۶ ص.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

